

﴿هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

(اعراف: ۲۰۳)

# مضامین و مقاصد سوره‌های قرآن

تألیف:

ابوظاهر مجدالدین محمد فیروزآبادی (سده هشتم هجری)

ترجمه و تعلیقات:

فرزین حبیب زاده / علی اصغر لک



سرناسه : فیروزآبادی، محمد بنی یعقوب، ۷۲۹- ۸۱۷ق.

عنوان قرارداد: بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: مضامین و مقاصد سوره های قرآن/ تالیف ابوطاهر مجدالدین محمد  
فیروزآبادی

ترجمه و تعلیقات: فرزین حبیبزاده، علی اصغر لک

مشخصات نشر: نگارش شرق، ۱۴۰۵، تهران

مشخصات ظاهری: ۲۵۴ صفحه، رقعی

شابک: ۸۵-۱-۸۵-۵۶۴۷-۰۰۶-۸۷۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

ویراستار: اسماعیل شهریاری سرچشمه

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه جلد اول کتاب «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»  
است.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۴۵ - ۲۵۳.

موضوع: قرآن-- مسائل لغوی - Language, Style<Qur - قرآن - مسائل ادبی -

Qur<an as literature - قرآن - شان نزول - Occasion for revelation<Qur

شناسه افزوده: حبیبزاده، فرزین، ۱۳۷۲-، مترجم

شناسه افزوده: لک، علی اصغر، ۱۳۵۸-، مترجم

رده بندی کنگره: BP۸۲/۲

رده بندی دیویی: ۱۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۹۳۰۹۱

مضامین و مقاصد سوره های قرآن

پدیدآورندگان: فرزین حبیبزاده، علی اصغر لک

ویراستار: اسماعیل شهریاری سرچشمه

ناشر: انتشارات نگارش شرق

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۵

شمارگان: ۱ نسخه



این کتاب ترجمهٔ جلد اول کتاب بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، اثر مجدالدین فیروزآبادی، بخش مقاصد و اهداف سوره‌های قرآن کریم است.



تقديم به:

ساحت نوراني و مطهر حضرت فاطمة زهرا (سلام الله عليها)

حضرت بقيه الله الأعظم، صاحب العصر و الزمان (عج)



## فهرست موضوعات

- ۱- مقدمه مترجمان ..... ۱
- ۹- مروری کوتاه بر زندگی و آثار مجدالدین فیروزآبادی ..... ۹
- ۲۸- کتاب بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز ..... ۲۸
- ۳۹- برخی خصوصیات بصائر ..... ۳۹
- ۴۸- ۱- بینشی در سوره حمد ..... ۴۸
- ۵۲- ۲- بینشی در سوره الم. ذلک الکتاب... ..... ۵۲
- ۵۸- ۳- بینشی در الم. الله ..... ۵۸
- ۶۲- ۴- بینشی در یا ایها الناس اتقوا ربکم... ..... ۶۲
- ۶۵- ۵- بینشی در یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود... ..... ۶۵
- ۶۸- ۶- بینشی در الحمد لله الذی خلق السموات و الأرض... ..... ۶۸
- ۷۱- ۷- بینشی در المص. .... ۷۱
- ۷۵- ۸- بینشی در یسألونک عن الأنفال... ..... ۷۵
- ۷۷- ۹- بینشی در براءة من الله و رسوله... ..... ۷۷
- ۸۳- ۱۰- بینشی در الر. تلك آیات الکتاب... ..... ۸۳
- ۸۵- ۱۱- بینشی در الر. کتاب أحکمت... ..... ۸۵



- ۱۲- بینشی در الر. تلك آیات الكتاب المبین... ..... ۸۷
- ۱۳- بینشی در المر. تلك آیات الكتاب والذی أنزل إليك من ربك الحق... ..... ۹۰
- ۱۴- بینشی در الر. كتاب أنزلناه إليك.. ..... ۹۳
- ۱۵- بینشی در الر. تلك آیات الكتاب و قرآن مبین.. ..... ۹۵
- ۱۶- بینشی در أتى أمرُ الله.. ..... ۹۷
- ۱۷- بینشی در سُبحان الذی أسرى بعبده.. ..... ۱۰۰
- ۱۸- بینشی در الحمد لله الذی أنزل على عبده الكتاب.. ..... ۱۰۳
- ۱۹- بینشی در كهيعص.. ..... ۱۰۶
- ۲۰- بینشی در طه.. ..... ۱۰۸
- ۲۱- بینشی در اقتربَ للناسِ حسابُهُم.. ..... ۱۱۱
- ۲۲- بینشی در یا أيُّها الناس اتَّقوا ربَّكم.. ..... ۱۱۳
- ۲۳- بینشی در قد أفلح المؤمنون.. ..... ۱۱۵
- ۲۴- بینشی در سورة أنزلناها.. ..... ۱۱۷
- ۲۵- بینشی در تبارک الذی نزل الفرقان.. ..... ۱۲۱
- ۲۶- بینشی در طسم. تلك.. الشعراء.. ..... ۱۲۴



- ۲۷- بینشی در طس . تلك آیات القرآن..... ۱۲۶
- ۲۸- بینشی در طسم.. الْقَصَص.. ..... ۱۲۸
- ۲۹- بینشی در الم . أَحْسِبَ النَّاسَ .. ..... ۱۳۰
- ۳۰- بینشی در الم . غَلَبَتِ الرُّومَ .. ..... ۱۳۲
- ۳۱- بینشی در الم.. لَقَمَانُ .. ..... ۱۳۳
- ۳۲- بینشی در الم.. تَنْزِيلُ .. ..... ۱۳۵
- ۳۳- بینشی در يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ .. ..... ۱۳۷
- ۳۴- بینشی در الحمد لله الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ .. ۱۳۹
- ۳۵- بینشی در الحمد لله فَاطِرِ السَّمَوَاتِ .. ..... ۱۴۱
- ۳۶- بینشی در يس والقرآن الحكيم .. ..... ۱۴۳
- ۳۷- بینشی در وَالصَّافَاتِ صَفًّا .. ..... ۱۴۵
- ۳۸- بینشی در ص . والقرآن .. ..... ۱۴۷
- ۳۹- بینشی در تنزيل الكتاب من الله .. ..... ۱۴۸
- ۴۰- بینشی در حم .. المؤمن .. ..... ۱۵۱
- ۴۱- بینشی در حم .. تنزيل من الرحمن الرحيم .. ..... ۱۵۳



- ۴۲- بینشی در حم عسق ..... ۱۵۵
- ۴۳- بینشی در حم. والکتاب المبین. إنا جعلناه.. ..... ۱۵۷
- ۴۴- بینشی در حم. والکتاب المبین إنا أنزلناها في ليلة مباركة.. ..... ۱۵۸
- ۴۵- بینشی در حم . تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم.. ..... ۱۵۹
- ۴۶- بینشی در حم . الأحقاف.. ..... ۱۶۰
- ۴۷- بینشی در الَّذِينَ كَفَرُوا و صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.. ..... ۱۶۱
- ۴۸- بینشی در إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً.. ..... ۱۶۳
- ۴۹- بینشی در يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا.. ..... ۱۶۴
- ۵۰- بینشی در ق والقرآن المجید.. ..... ۱۶۵
- ۵۱- بینشی در والذاریات.. ..... ۱۶۶
- ۵۲- بینشی در والطور.. ..... ۱۶۷
- ۵۳- بینشی در والنجم إذا هوی.. ..... ۱۶۸
- ۵۴- بینشی در اقتربت الساعة.. ..... ۱۶۹
- ۵۵- بینشی در فی الرَّحْمَنِ.. ..... ۱۷۰
- ۵۶- بینشی در إذا وقعت الواقعة.. ..... ۱۷۱



- ۵۷- بینشی در سَبَّحَ.. الحديد..... ۱۷۳
- ۵۸- بینشی در قد سَمِعَ.. ..... ۱۷۴
- ۵۹- بینشی در سَبَّحَ.. الحشر..... ۱۷۶
- ۶۰- بینشی در يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّ ..... ۱۷۷
- ۶۱- بینشی در سَبَّحَ لِلَّهِ.. الصَّف..... ۱۷۸
- ۶۲- بینشی در يُسَبِّحُ... الجمعة..... ۱۷۹
- ۶۳- بینشی در إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ... ..... ۱۸۰
- ۶۴- بینشی در يُسَبِّحُ.. التغابن..... ۱۸۱
- ۶۵- بینشی در يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتِ الْمَنَاءَ.. ..... ۱۸۲
- ۶۶- بینشی در يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ... ..... ۱۸۳
- ۶۷- بینشی در تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ.. ..... ۱۸۴
- ۶۸- بینشی در ن.. والقلم..... ۱۸۶
- ۶۹- بینشی در الْحَاقَّةُ..... ۱۸۷
- ۷۰- بینشی در سَأَلَ سَائِلٌ..... ۱۸۸
- ۷۱- بینشی در إِنَّا أَرْسَلْنَا..... ۱۸۹



- ۷۲- بینشی در قل أوحیَ .. ۱۹۰ .....
- ۷۳- بینشی در یأیها المرمل .. ۱۹۱ .....
- ۷۴- بینشی در یأیها المدثر .. ۱۹۲ .....
- ۷۵- بینشی در لا أقسمُ بیوم القیامة .. ۱۹۴ .....
- ۷۶- بینشی در هل أتى علی الانسان .. ۱۹۵ .....
- ۷۷- بینشی در المرسلات .. ۱۹۶ .....
- ۷۸- بینشی در عمَّ یتساءلون .. ۱۹۷ .....
- ۷۹- بینشی در والنازعات غرقا .. ۱۹۸ .....
- ۸۰- بینشی در عبسَ و تولى .. ۱۹۹ .....
- ۸۱- بینشی در إذا الشمسُ کورت .. ۲۰۰ .....
- ۸۲- بینشی در إذا السماءُ انفطرت .. ۲۰۱ .....
- ۸۳- بینشی در ویل للمطففین الذین .. ۲۰۲ .....
- ۸۴- بینشی در إذا السماءُ انشقت .. ۲۰۳ .....
- ۸۵- بینشی در والسماء ذات البروج .. ۲۰۴ .....
- ۸۶- بینشی در والسماء الطارق .. ۲۰۵ .....



- ۸۷- بینشی در سَبَّحِ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى .. ۲۰۶.....
- ۸۸- بینشی در هل إِتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ .. ۲۰۷.....
- ۸۹- بینشی در وَالْفَجْرِ .. ۲۰۸.....
- ۹۰- بینشی در لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ .. ۲۰۹.....
- ۹۱- بینشی در وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا .. ۲۱۰.....
- ۹۲- بینشی در وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى .. ۲۱۰.....
- ۹۳- بینشی در وَالضُّحَى .. ۲۱۱.....
- ۹۴- بینشی در الم نَشْرَح .. ۲۱۲.....
- ۹۵- بینشی در وَالتِّينِ .. ۲۱۳.....
- ۹۶- بینشی در إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ .. ۲۱۳.....
- ۹۷- بینشی در إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. ۲۱۴.....
- ۹۸- بینشی در لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا .. ۲۱۵.....
- ۹۹- بینشی در إِذَا زُلْزِلَتْ .. ۲۱۶.....
- ۱۰۰- بینشی در وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا .. ۲۱۷.....
- ۱۰۱- بینشی در الْقَارِعَةِ .. ۲۱۸.....



- ۱۰۲- بینشی در أَلِهَاتِكُمْ..... ۲۱۸
- ۱۰۳- بینشی در وَالْعَصْرِ..... ۲۱۹
- ۱۰۴- بینشی در وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ..... ۲۲۰
- ۱۰۵- بینشی در أَلَمْ تَرَ كَيْفَ.. ۲۲۰
- ۱۰۶- بینشی در لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ..... ۲۲۱
- ۱۰۷- بینشی در أَرَأَيْتَ.. ۲۲۲
- ۱۰۸- بینشی در إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ.. ۲۲۳
- ۱۰۹- بینشی در قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ.. ۲۲۳
- ۱۱۰- بینشی در إِذَا جَاءَ.. ۲۲۴
- ۱۱۱- بینشی در تَبَّتْ.. ۲۲۵
- ۱۱۲- بینشی در قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ..... ۲۲۶
- ۱۱۳- بینشی در قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ..... ۲۲۸
- ۱۱۴- بینشی در قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ.. ۲۲۸
- ۱۱۵- بینشی در مجملات السوره ..... ۲۲۹
- منابع مقدمه و تعلیقات ..... ۲۳۶



هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (جاثیه: ۲۰)

### مقدمه مترجمان

امروزه حفظ و صیانت از قرآن کریم و آموزه‌های انسان‌ساز و معارف تمدن‌ساز این کتاب وحیانی، بیش از پیش شایسته توجه و اهتمام مسلمانان و جامعه اسلامی است؛ چه این کتاب آسمانی، ضمن این‌که پیام‌آور نور و هدایت برای بشر است و معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص)، اصلی‌ترین و اصیل‌ترین منبع مسلمانان در عرصه‌های فرهنگ و اجتماع، اخلاق و تربیت، حکومت و حاکمیت و نیز احکام فردی و اجتماعی و قوانین اسلامی به شمار می‌رود.

از دیرباز تلاش‌های سترگی در راستای متن و محتوای قرآن کریم و رفع مشکلات فهم و تفسیر آن توسط دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان صورت گرفته است که هر یک به نوبه خود، راهگشای فهم صحیح قرآن بوده و در جایگاه خود، ارزشمند و قابل تقدیر است. تألیف و تدوین کتاب‌ها و رساله‌هایی با موضوع «تاریخ قرآن» و «علوم قرآنی»، از جمله تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و گران‌ارج این دانشمندان به حساب می‌آید که خود شامل مسائل و مباحث مستقلی نظیر وحی و اعجاز قرآن، جمع و ترتیب قرآن، نزول قرآن، بلاغت قرآن و موضوعاتی از این قبیل است.



یکی از عرصه‌هایی که در عصر حاضر ضرورت دارد در مورد قرآن کریم و شناخت علوم و معارف آن توجه بیشتری مبذول داشت، آشناساختن مسلمانان و جوامع و ملل اسلامی، به ویژه نسل امروز با اصلی‌ترین هدف نزول قرآن کریم، یعنی مضامین و مفاهیمی که در این کتاب الهی از آن‌ها سخن رفته و مقاصدی که این کتاب و حیانی به آن‌ها پرداخته است.

در اهمیت همین مسئله، اثری که فراروی خواننده فرهیخته است، ترجمه بخشی از جلد نخست کتاب *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز* تألیف مجدالدین فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ هجری) است که در زمینه تبیین و توضیح اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم به نگارش درآمده است. این اثر از آن جهت که مضامین و مقاصد هر سوره را به صورت موجز و در عین حال جامع و کامل بیان نموده است، یکی از کتاب‌های برجسته و ارزشمند در میان آثار مشابه به شمار می‌رود.

محقق این اثر گرانسنگ قرآنی، آقای محمد علی النجّار،<sup>۱</sup> استاد مطالعات اسلامی و یکی از مؤلفان فرهنگ مشهور *المعجم الوسیط* است که این کتاب را به شیوه دقیق علمی و با استفاده از دو نسخه خطی موجود در دارالکتب، تصحیح و منتشر نموده و توسط مجلس اعلاّی شؤن اسلامی

---

<sup>۱</sup>. تحقیق مجلدات اول تا چهارم، توسط استاد محمد علی النجّار و جلد پنجم و ششم به وسیله استاد عبدالحلم الطحاوی انجام یافته است.



به سال ۱۴۱۶ ق در قاهره به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> همچنین این کتاب در شش جزء توسط المكتبة العلمية به سال ۲۰۰۸ در بیروت منتشر شده است.<sup>۲</sup> محقق اثر مقدمه‌ای نسبتاً مفصل در سی صفحه برای این کتاب نگاشته است که شامل شرح حال مؤلف، آثار و تألیفات وی و نیز معرفی کتاب مزبور و روش مؤلف در نگارش آن است.

مؤلف نیز مقدمه‌ای در آغاز کتاب نگاشته است و مطالب مفید و نکات ارزنده‌ای از مباحث قرآنی را در آن بیان نموده است؛ اما از آنجا که این مقدمه، بسیار مفصل است<sup>۳</sup> و موضوعات متنوعی را در تفسیر و علوم قرآنی دربر گرفته و همچنین مقدمه‌ای برای کتابی با مقاصد متعدد بود که فیروزآبادی از نگارش آن مقاصد منصرف شد، از ترجمه آن در اثر حاضر صرف نظر گردید.

لازم به توضیح است که پیش از ترجمه مقاصد و اهداف هریک از سوره‌ها به ترتیب مصحف - که هدف اصلی از ترجمه کتاب نیز همین بخش است - مباحث مرتبط با «محل نزول سوره»، «تعداد آیات، کلمات

---

<sup>۱</sup>. برای مشاهده مشخصات و ویژگی‌های این دو نسخه، به مقدمه محقق کتاب، در جلد اول، صفحات ۲۹ و ۳۰ مراجعه فرمایید.

<sup>۲</sup>. الفیروزآبادی، ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب، *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*، تحقیق محمد علی النجار، الجزء الأول، بیروت: المكتبة العلمية، ۲۰۰۸م.

<sup>۳</sup>. مقدمه فیروزآبادی، قریب به صد صفحه است.



و حروف سوره»،<sup>۱</sup> «آیات مورد اختلاف در سوره»،<sup>۲</sup> «مجموع فواصل سوره»<sup>۳</sup> و «نام یا نامهای سوره» نیز از این کتاب به فارسی برگردانده شد.

---

۱. گذشتگان به شمارش و حفظ دقیق آیات، کلمات و حروف قرآن، اهتمام فراوانی نشان داده‌اند و فیروزآبادی نیز در این اثر با اعتقاد به این که «فِي الزَّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ فِي الْقُرْآنِ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ؛ عَلِيٌّ أَنَّهُ غَيْرٌ مَقْدُورٌ لِلْبَشْرِ؛ قَالَ تَعَالَى: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (فیروزآبادی، بصائر، ج ۱، ص ۵۵۹) به این مباحث پرداخته است.

۲. اختلاف قاریان و علما در تعداد آیات سوره.

در برخی از سوره‌ها مانند سوره ذاریات، قمر، تکویر، بلد، لیل و... که مؤلف تعداد آیات آن‌ها را بدون اختلاف ذکر کرده است، از بحث آیات مورد اختلاف در سوره (الآیات المختلف فیها) سخنی به میان نیاورده است.

در شرح بسیاری دیگر از سوره‌ها نیز مطابق با تعداد اختلاف آیه در شمارش‌های گوناگون، آیات مورد اختلاف نیز دقیقاً ذکر شده است. به عنوان نمونه، مؤلف در معرفی سوره شوری که تعداد اختلاف آیات را میان کوفی‌ها و بقیه، سه آیه ذکر کرده است، هر سه آیه مورد اختلاف را بیان نموده است.

۳. فاصله‌های قرآنی در زیبایی‌شناسی و آفرینش نظم‌آهنگ قرآن نقشی اساسی دارند و محققان نمونه‌های بسیاری از نقش فواصل آیات را در نظم‌آهنگ قرآن یادآور شده‌اند. فاصله‌های آیات از نظر معنا و محتوا نیز قابل توجه‌اند. زمانی مؤلف النکت فی اعجاز القرآن، فواصل آیات را کلماتی همانند در پایان عبارات می‌داند که معنا را نیز می‌رساند. به اعتقاد عایشه بنت الشاطیء نیز، فواصل قرآنی صرفاً یک هماهنگی لفظی نیستند و بیشتر، نظم معنایی خاصی را در لابه‌لای بندها و آهنگ‌ها برمی‌تابند. فواصل



در ترجمه این مباحث، با مشکل اختلاف در تعداد آیات، کلمات و حروف قرآن مواجه شدیم که به نظر می‌رسد این مشکل از یکی از این دو ناحیه ناشی شده باشد: ۱. اختلاف در شماره آیات، کلمات و حروف قرآن از سوی مؤلف بوده است ۲. اختلاف‌ها به جهت اشتباه کاتبان و ناخوانابودن نسخه‌های خطی موجود یا تصحیف در کلمات رخ داده است. اگر اختلاف در این شماره‌ها از ناحیه مؤلف کتاب رخ داده باشد، این اختلاف، امری عادی و شایع است، چراکه از گذشته نیز محققان، مانند بسیاری از موضوعات دیگر قرآنی، در این زمینه نیز اختلاف نظر داشته و هر یک دیدگاه و دلایل خود را در نحوه شمارش بیان نموده‌اند.<sup>۱</sup>

---

قرآن نه صرفاً امری لفظی بلکه هماهنگ با سیاق و دلالت معنایی سخن هستند و متناسب با معانی دگرگون می‌شوند. (ر.ک. حبیب‌زاده، مقاله بررسی و بازخوانی نظم-آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام...، ص ۷۵ و ۷۶)

از آن جهت که فواصل قرآن، از منظر نظم آهنگ دارای ویژگی‌هایی هستند و با مضامین آیه و سوره، هماهنگی و مناسبت دارند، در این کتاب به منظور ترغیب محققان به مطالعه و پژوهش در این زمینه، مختصری از این موضوع سخن به میان آمد.

۱. سیوطی سوره‌هایی که در تعداد آیات آن اختلاف وجود دارد، فهرست نموده و توضیح داده است. (ر.ک. سیوطی، الإقتان، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۳۲) دکتر حجتی نیز در بخش هفتم کتاب خود، شمار سوره‌های قرآن، شمار آیات و کلمات و حروف هر یک از سوره‌ها را به تفصیل بیان کرده است. (ر.ک. حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، صص ۱۴۱-۱۵۱) و همچنین برای توضیحات بیشتر درباره شماره سوره‌ها، کلمات و حروف آن؛ ر.ک. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۵۸۱-۵۹۱.



یکی از محققان قرآنی در این باره می‌نویسند: «علت اختلاف گذشتگان در شمارش آیات آن است که رسول اکرم (ص) بر سر آیه‌ها وقف می‌کرد - چون آیات توقیفی است - پس چون جای آن معلوم می‌شد برای تکمیل کردن سخن آن را وصل می‌کرد، شنونده احیاناً چنین می‌پنداشت که آنجا فاصله‌ای نیست.»<sup>۱</sup> ابن‌العربی هم گفته است: «شمارش آیات از معضلات قرآن است، آیات کوتاه و بلند دارد و بعضی از آیات به آخر سخن می‌رسد بعضی هم نمی‌رسد و در اثنای کلام ختم می‌گردد.»<sup>۲</sup>

یکی دیگر از دلایل اختلاف در شماره کلمات این است که کلمه دارای حقیقت و مجاز و لفظ و رسم می‌باشد که هر کدام را در نظر بگیرند درست و جایز است و هر یک از علما یکی از آنها را گرفته است.<sup>۳</sup> یکی از محققان نیز در تأیید سخن پیشین می‌نویسد: «علت اختلاف در شمار کلمات قرآن، اختلاف در معنی کلمه است، چون کلمه دارای معنی حقیقی و مجازی و از لحاظ‌های مختلف، دارای تلفظ یا نگارش خاصی است. لذا طبق اعتبارات مختلف، شمار و رقم‌های گوناگونی درباره

---

۱. سیوطی، الإیتقان، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. رک. همان‌جا.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۳۵.



کلمات قرآن ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup> دربارهٔ تعداد حروف قرآن نیز رقم‌های متفاوتی در اسناد و مدارک مربوط به قرآن دیده می‌شود.<sup>۲</sup>

به عنوان نمونه یکی از موارد اختلاف در تعداد آیات هر سوره، نحوهٔ شمارش حروف مقطعه است. اهل کوفه «الم»، «المص»، «طه»، «کهيعص»، «طسم»، «یس» و «حم» را هر جای قرآن واقع باشد، یک آیه به حساب آورده‌اند، ولی «حم عسق» را دو آیه شمرده‌اند و غیر آن‌ها هیچ‌یک را آیه ندانسته‌اند.<sup>۳</sup>

سیوطی در جایی دیگر در مورد اختلاف در شمارش برخی از حروف مقطعه می‌نویسد: «اهل عدد اجماع کرده‌اند که «الر»، «الم»، «طس»، «ص»، «ق» و «ن»، هر جا باشد یک آیه نیست، ولی در استدلال اختلاف دارند که بعضی روایاتی را دلیل آورده و گفته‌اند: این امری است که در آن قیاس راه ندارد، و برخی گفته‌اند علت اینکه «ص»، «ن» و «ق» را یک آیه حساب نکرده‌اند این است که اینها یک حرفی هستند و «طس» برای اینکه بر خلاف دو همتایش (طسم)، میم آن حذف شده و نیز شبیه مفرد است نظیر قابیل، و اما «یس» هر چند که به همین وزن است ولی چون

---

۱. حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۱۳۷.

۲. ر.ک. همان، ص ۱۳۸.

۳. سیوطی، الإتقان، ج ۱، ص ۲۳۳.



اولش یاء است به جمع شباهت یافته زیرا که ما مفردی نداریم که با یاء آغاز شده باشد.<sup>۱</sup>

فیروزآبادی در بخش پایانی جلد نخست همین کتاب بصائر، تحت عنوان «بصیرة فی مجملات السورة و عددها و عدد الآی و الکلمات و الحروف و النقط و کل حرف من حروف التهجی»، به نحوی دقیق و ظریف، به بیان تعداد آیات، کلمات و حروف سوره‌ها و دلایل اختلاف و قواعد در آن‌ها پرداخته است. در بخش پایانی اثر حاضر (بینشی در مجملات السورة) به ترجمه همین بخش مبادرت شده است.

با توجه به اختلاف زیاد در شمارش کلمات و حروف سوره‌ها در میان محققان، در ترجمه حاضر تنها به ذکر شماره آن‌ها از دیدگاه فیروزآبادی مبادرت گردید، بدون آنکه تغییری در آن‌ها اعمال گردد. همچنین در «شمارش آیات هر سوره» در این کتاب، تعداد آیات با لحاظ وفاداری به متن و رعایت امانت، به همان صورت اصلی ترجمه شد و در مواردی هم که شمارش، صحیح به نظر نمی‌رسید یا اختلافی در آن مورد در میان محققان و اهل فن باشد، با تکیه بر منابع متعدد و معتبر، در پاورقی به شکل درست آن‌ها اشاره شد.

---

<sup>۱</sup>. همان‌جا.



در ادامه ذیل دو عنوان کلی به عنوان مقدمه، نخست مروری گذرا به زندگی و نگاه‌های فیروزآبادی خواهیم داشت و - سپس گزارشی مختصر از محتوا و ساختار کتاب *بصائر ذوی‌التمییز فی لطائف‌الکتاب‌العزیز* و برخی خصوصیات این اثر تقدیم خواننده گرامی خواهد شد.

### مروری کوتاه بر زندگی و آثار مجدالدین فیروزآبادی

نام فیروزآبادی بیش از هر چیز با اثر ارزشمند و کم‌نظیر او در عرصه زبان‌شناسی و فرهنگ‌نامه‌نویسی، یعنی *قاموس‌المحیط* شناخته می‌شود. ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر بن احمد بن محمود بن ادریس بن فضل‌الله بن شیخ ابی‌اسحاق شیرازی معروف به فیروزآبادی<sup>۱</sup> در ربیع‌الآخر و یا جمادی‌الآخر سال ۷۲۹ هجری (۱۳۲۹ میلادی) در کارزین فارس از توابع فیروزآباد زاده شد.<sup>۲</sup> مطابق نسبت‌نامه فوق هشتمین جد فیروزآبادی، شیخ ابواسحاق شیرازی بوده

---

۱. سیوطی نام وی را به فتح فاء و به صورت «فیروزآبادی» ذکر کرده است. (ر.ک.

سیوطی، *بغیة‌الوعاة*، ج ۱، ص ۲۷۳) عمر رضا کحاله نام وی را به صورت «فیروزآبادی»

(به کسر فاء) صورت نوشته است. (ر.ک. کحاله، *معجم‌المؤلفین*، ج ۳، ص ۷۷۶)

۲. زرکلی، *الأعلام*، ج ۷، ص ۱۴۶. برخی به اشتباه مولد فیروزآبادی را کازرون نوشته‌اند

و کارزین را محرف کازرون پنداشته‌اند. صحیح همان کارزین است که از توابع

فیروزآباد است و تا شیراز چهل و اندی فرسخ مسافت دارد. (درباره معنای کارزین



است که در عصر خود یکی از مشاهیر علما و زهاد به شمار می‌رفته است. ۱ افزون بر این، فیروزآبادی خود را از دودمان و ذریهٔ ابوبکر خلیفهٔ اول می‌دانست.<sup>۲</sup>

مجدالدین عمدهٔ تحصیلات خود را در همان خطهٔ فارس و شیراز گذراند و در دانش‌های ادبیات عرب، فقه، تفسیر و حدیث تبخّر کافی به دست آورد. مجدالدین به عراق، مصر، روم، حجاز، شام و هند سفر کرد و به هر شهری که وارد می‌شد، از اهالی و از فرمانداران و استانداران و امرای مستقل آن شهرها کمال تعظیم و تجلیل در حق او به عمل می‌آمد. از سلاطین و ملوک یا امرای مستقل که ملاقات کرده و انعام اکرام و انعام از آن‌ها مشاهده نموده یکی بایزید اول پادشاه عثمانی است که در تجلیل

---

ر.ک. یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغهٔ یا سهم ایرانیان در نهضت فرهنگ‌نویسی به زبان عربی، ص ۱۷۵ و ۱۷۶ و ر.ک. مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا، ص ۲۵۲)

۱. بیشتر محققان که شرح حال فیروزآبادی را نوشته‌اند پیوستن نسب او را به شیخ ابواسحاق، تردیدآمیز یاد کرده و اغلب چنین گفته‌اند که شیخ ابواسحاق به طوری که بین مردم معروف بوده در عمر خود زن نگرفته بود تا چه رسد به اینکه فرزند داشته باشد و بدین طریق بر فیروزآبادی اعتراض کرده‌اند که با این وصف چگونه خود را از اولاد شیخ ابواسحاق خوانده است و از سرزنش و طعن مردم پروائی نکرده است. (ر.ک. مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا، ص ۲۵۲)

۲. سیوطی، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۲۷۳ و نیز ر.ک. مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا، ص ۲۵۲.



و تکریم فیروزآبادی مبالغه بسیار کرد؛ یکی دیگر امیر تیمور گورکانی است که وی نیز فیروزآبادی را ملاقات کرده و با همه جباری و گردن-کشی، این دانشمند را معظم و مکرم داشته و صد هزار درهم و به روایتی پنج هزار دینار طلا به او بخشیده است. از پادشاهان آل مظفر در فارسی شاه منصور بن شاه شجاع، وی را ملاقات کرده و محترم داشته است. از جلایریان نیز سلطان احمد بن اویس ایلکانی در بغداد، مقدم فیروزآبادی را محترم داشته و به او ملاطفت کرده است.<sup>۱</sup>

فیروزآبادی پس از مسافرت های طولانی، سرانجام در زبید یمن ساکن شد (سنه ۷۹۶ هـ) و به حاکم آن دیار، ملک اشرف اسماعیل پیوست و پیوسته مورد تکریم و تعظیم این حاکم قرار گرفت و چنانکه نوشته‌اند هزار دینار صرف مخارج وی کرد و به حاکم عدن نیز نوشت که مبلغ هزار دینار به عنوان تهیه و تجهیز لوازم مسافرت به فیروزآبادی تقدیم کند. ملک اشرف منصب ریاست امور قضایی را به او محول کرد<sup>۲</sup> و

---

۱. ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۴ و ر.ک. کحاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۷۷۶

و مقدمه قاموس المحيط، ص ۱۱.

۲. زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۶ و ر.ک. کحاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۷۷۶. سخاوی نیز می‌گوید فیروزآبادی همواره در حال افزایش منزلت، جاه و مقام و نفوذ کلام و دستوراتش بر قاضیان شهرها بود: «أنه لم یزل فی ازدياد من علو الوجاهة و المكانة و نفوذ الشفاعة و المكانة و نفوذ الشفاعة و الأوامر علی قضاء الأمصار...» (سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۳)



چندی بعد دخترش را به تزویج وی درآورد و بر جاه و مکان وی افزود. مجدالدین نیز به پاداش نیکی‌ها و عواطف او، کتابی برای او تصنیف و به وی اهداء نمود.<sup>۱</sup>

مجدالدین در فقه پیرو مذهب شافعی بود، اما بیشتر متمایل به مذهب اهل حدیث است نه مذهب فقها و غالباً به احادیث صحیحہ اعتماد می‌کند.<sup>۲</sup> وی تمایلات قوی به عرفان داشته و از کتب صوفیه و مقامات و احوالشان اطلاعات وسیعی داشته و در کتاب بصائر ذوی التمییز، در مباحث توکل، اخلاص و توبه، به وضوح این تمایلات عرفانی دیده می‌شود.<sup>۳</sup> از وی رساله‌ای با عنوان «رساله فی ردّ علی المعترضین علی الشیخ محی الدین» باقی مانده است.<sup>۴</sup>

---

۱. سیوطی، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۲۷۳. مجدالدین کتاب الإسعاد بالاصعاد الی درجہ (رتبہ) الاجتهاد که شامل سه یا چهار جلد بوده است را برای اشرف اسماعیل حاکم یمن نگاشته است. (ر.ک. یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۸۱)

۲. زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۷ و یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۹۰. نسب مجدالدین به ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن عمر، متوفی به ۴۷۶ هـ ق، می‌رسد که از فقهای برجسته شافعی مذهب بوده است و آثار ارزنده‌ای از او بجای مانده است. (یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۷۶)

۳. یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۹۰.

۴. ر.ک. کحاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۷۷۶.



به گفته تقی کرمانی، او در نظم و نثر فارسی و عربی در زمان خودش بی‌نظیر بود<sup>۱</sup> و نوشته‌اند که وی حافظه بسیار قوی داشت همین امر موجب گردید در سن هفت سالگی قرآن را حفظ کند. وی هر روز قبل از خواب، صد (دویست) سطر مطلب حفظ می‌کرد.<sup>۲</sup> به کتاب و کتاب خواندن بسیار علاقه داشت. سخاوی از او نقل می‌کند که معادل پنجاه هزار مثقال طلا کتاب خطی خریده‌ام و به هر سفری که می‌رفت کتاب-هایش را چندین شتر حمل می‌کردند و به هر منزلی که فرود می‌آمد کتاب‌های مورد مراجعه‌اش را بیرون می‌آورد و مطالعه می‌نمود.<sup>۳</sup> علاقه شدیدی به گردآوری کتاب‌های خطی و نفائس و دست‌نوشته‌های کهن داشت و نسخه‌های خطی ارزشمند و گران‌قیمت را می‌خرید.

طبق گفته فاسی به نقل از سخاوی، فیروزآبادی اشعار زیادی دارد که در برخی از آن‌ها به خاطر آوردن الفاظ دشوار لغوی، اضطراب و پیچیدگی وجود دارد و نثر او برتر است و او حافظه بسیار قوی‌ای در به خاطر سپردن اشعار و حکایات مستحسن و نیکو داشت و خط خوبی نیز داشت

---

۱. سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۵ و مقدمه قاموس المحيط، ص ۱۱.

۲. سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۷۹؛ زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۶؛ سیوطی، بغیة-

الوعاة، ج ۱، ص ۲۷۳ و ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۳.

۳. سخاوی، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، ج ۱۰، ص ۸۱. و ر.ک. یزدی مطلق،

مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغة، ص ۱۹۱ و مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۳



و با سرعت حفظ بالا، به من رسیده است که گفته است «ما کنت أنام حتی احفظ مائتی سطرًا»<sup>۱</sup> (من نمی‌خواهیدم تا اینکه دویست سطر را حفظ کنم)

فیروزآبادی در زمینه فقه‌الحديث و تحقیق و تدوین لغات عربی نیز همچون خلف صالح خود تحقیقات بدیعی در لغت عرب کرده است و در تکوین و تکامل این زبان سهم بسزایی را به عهده داشته است و شاهد صادق این مدعا هم شاهکار عدیم‌النظیر وی است به نام قاموس<sup>۲</sup>.

وی از میان علوم و فنونی که بدان اشتغال داشت به فن لغت، علاقه و تمایل مخصوص داشت و همین تمایل طبیعی که تا پایان عمر با او همراه بود، وی را در فن لغت به مقامی رسانید که تمام دانشمندان معاصر به تفوق و برتری او در این فن تصدیق نموده‌اند و او را از رؤسای قرن هشتم شمردند. روشن است که مراد از رؤسای یک قرن کسانی بودند که هر کدام در آن قرن در فنی از فنون، سرآمد اهل زمان خود بوده‌اند.<sup>۳</sup>

در شهرت و اعتبار فیروزآبادی همین بس که حافظ شیرازی در یکی از قطعات خود، به پنج شخص از بزرگان شهر فارس که آبادشدن این شهر مدیون ایشان است، اشاره کرده است. نام مجدالدین فیروزآبادی نیز در

---

۱. سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۳ و ر.ک. محمود، مناہج المفسرین، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. مقدمه لغت‌نامه رهنخدا، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.



بیت سوم این قطعه ذکر شده و از وی با عنوان «مرّبی اسلام» و «قاضی» یاد شده است:<sup>۱</sup>

به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق  
به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد  
نخست پادشهی همچو او ولایت بخش  
که جان خویش پیرورد و داد عیش بداد  
**دگر مرّبی اسلام شیخ مجدالدین**  
که قاضی‌ای به ازو آسمان ندارد یاد  
دگر بقیّه ابدال شیخ امین‌الدین  
که یمن همّت او کارهای بسته گشاد  
دگر شهنشه دانش عضد که در تصنیف  
بنای کار موافق بنام شاه نهاد  
دگر کریم چو حاجی قوام دریا دل  
که نام نیک بُرد از جهان ببخشش و داد  
نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند  
خدای عزّ و جلّ جمله را بیامرزاد

سخاوی نیز در شرح حال استاد خود فیروزآبادی، شعری از نورالدین علی بن محمد بن العلیف العکی العدنانی المکی الشافعی را ذکر کرده

---

<sup>۱</sup>. حافظ، دیوان، تصحیح غنی و قزوینی، ص ۳۶۳.



که شاعر آن را اینچنین در مدح و ستایش مجدالدین و قاموس وی سروده است:<sup>۱</sup>

مذ مد مجدالدین فی آیامه      من بعض ابحر علمه القاموسا  
ذهبت صحاح الجوهری کانهما      سحر المدائن حین القی موسی<sup>۲</sup>

به اعتقاد شاعر، قاموس‌المحیط مجدالدین به قدری جامع و کامل است که «صحاح» جوهری در برابر آن کم‌رنگ و ناپدید شده است و همچنین تشبیه به «سحر مدائن» و «عصای موسی»، برای نشان دادن قدرت و برتری قاموس مجدالدین به کار رفته است. اشاره به داستان حضرت موسی (ع) و از بین رفتن سحر ساحران در مقابل عصای او، بیانگر این است که قاموس مجدالدین توانسته است آثار قبلی، مانند صحاح جوهری را تحت الشعاع قرار دهد.

مجدالدین از محضر اساتید بزرگی در شهرهای مختلف کسب فیض نموده است، از جمله: تاج‌الدین محمد بن سبک، حافظ سراج‌الدین ابو حفص عمر بن علی قزوینی (م ۷۵۰ ق)، محیی‌الدین محمد بن عبدالله

---

۱. سخاوی، الضوء‌اللامع، ج ۱۰، ص ۸۶.

۲. از زمانی که مجدالدین در روزگار خود، قاموس را از دریایی از دانشش جاری ساخت، صحاح جوهری چنان ناپدید شد که گویی سحر مدائن در هنگام افکندن عصای موسی (ع) از بین رفت.



واسطی بغدادی معروف به ابن عاقولی (م ۷۶۸ ق) عبدالله بن بکتاش، قاضی بغداد و مدرس نظامیه، نصرالله بن محمد کتبی، فخرالمحققین، ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (م ۷۷۱ ق)، پسر علامه حلّی.<sup>۱</sup>

فیروزآبادی شاگردان زیادی تربیت کرد که برخی از آنان از مفاخر علما و دانشمندان طراز اول اسلامی به شمار می‌روند. مشهورترین آنها عبارت‌اند از: صلاح‌الدین صفدی، بهاء بن عقیل، ابن‌هشام، جمال مراکشی، کمال اشنوی،<sup>۲</sup> حافظ شهاب‌الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق)، تقی‌الدین محمد بن محمد بن عبدالعزیز مصری معروف به ابن فهد (م ۸۱۷ ق)، شرف‌الدین اسماعیل بن ابی‌بکر بن عبدالله زبیدی معروف به ابن‌المقبری (م ۸۳۸ ق)، زین‌الدین ابوالعباس احمد بن عبداللطیف شرحی حنفی زبیدی، حافظ جمال‌الدین ابوعبدالله محمد بن ابی‌بکر بن محمد صالح همدانی تفرشی حیلی معروف به ابن‌الخیاط (م

---

۱. ر.ک. سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۷۹ و ۸۰ و یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۷۸ و ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۳.

۲. ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۳.



۸۳۹ ق) و فخرالدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن محمد شیرازی شارح قصیده «برده» که آن را از استادش فیروزآبادی روایت کرده است.<sup>۱</sup> مجدالدین در دانش‌های مختلف از جمله لغت، تفسیر، علوم قرآنی، حدیث، فقه، تاریخ و تراجم، سرآمد و مرجع اهل زمان خود بود و آثار بسیاری در این زمینه‌ها از خود به یادگار گذاشت. کثرت و تنوع آثار وی دلیلی است بر تبخّر و مهارتش در علوم ادبی و نقلی. از میان ۶۷ کتابی که به فیروزآبادی نسبت داده شده است، برخی چاپ شده و برخی دیگر به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های خطی جهان باقی مانده است.<sup>۲</sup> شمار مؤلفات فیروزآبادی را به اختلاف یاد کرده‌اند و در منابع گوناگون، نام بعضی از این آثار را به شکل‌های مختلف نوشته‌اند.

محقق کتاب بصائر، محمد علی النجار به این نکته اشاره می‌کند که مؤلفات فیروزآبادی فراوان است و همه در زمینه‌های تفسیر، حدیث، تاریخ و موضوعات مرتبط با این امور است، اما بیشتر این آثار از دست رفته است. فیروزآبادی معمولاً برای نام‌گذاری کتاب‌هایش از عناوینی زیبا و موزون (سجع) استفاده می‌کرده است.<sup>۳</sup>

---

۱. ر.ک. یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۲. ر.ک. همان، ص ۱۹۰.

۳. فیروزآبادی، بصائر، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۲۲.



یکی از محققان، آثار و مؤلفات فیروزآبادی را از حیث موضوع به شش دسته تقسیم کرده و کتب و رساله‌های وی را ذیل هر موضوع عنوان نموده است.

**دسته اول** کتب و رسائلی که در لغت و سایر فنون ادب تألیف کرده است و قسمت مهم تألیفات او را تشکیل می‌دهد؛

**دسته دوم** کتب و رسائلی است که در تفسیر قرآن کریم با بیان نکات و لطائف آن تألیف کرده است؛ دسته سوم مؤلفات او در علم حدیث؛

**دسته چهارم** کتبی است که در موضوعات تاریخی و تراجم رجال تألیف کرده است؛

**دسته پنجم** کتبی که در موضوعات جغرافیایی تألیف کرده است؛

**دسته ششم** کتبی که مشتمل بر موضوعات مختلف علمی و ادبی و سفینه یا کشکول مانند است.<sup>۱</sup>

---

۱. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۵ و ۲۵۶.



اینک برخی از آثار و کتاب‌های فیروزآبادی به نحو اختصار معرفی می‌شود.<sup>۱</sup>

– القاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لما ذهب من کلام العرب شماطیط در چهار جزء؛<sup>۲</sup> این کتاب مهم‌ترین اثر فیروزآبادی و از مشهورترین و معتبرترین لغت‌نامه‌های عربی به عربی است که از روزگار مؤلف تاکنون مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است.<sup>۳</sup> قاموس از حیث جامعیت و سهل‌التناول بودن، بر تمام کتبی که تا عصر فیروزآبادی تألیف شده است برتری دارد و به همین سبب بود که پس از انتشار این کتاب، مورد اقبال اغلب طلاب علوم عربی قرار گرفت و کتبی را که سابقاً مورد مراجعه و مطالعه آن‌ها بود، متروک شدند،<sup>۴</sup> چنانکه پیش‌تر اشاره شد،

---

۱. یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغة، صص ۱۸۰-۱۹۰ و ر.ک. زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۶ و ۱۴۷ و ر.ک. فیروزآبادی، بصائر، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۲۲-۲۵.

۲. برای توضیح بیشتر درباره این کتاب، شرح‌ها و ترجمه‌های مختلف آن به زبان‌های دیگر ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۳. برای توضیح بیشتر درباره این کتاب، اهمیت و ویژگی‌های آن ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا و مقدمه قاموس المحيط.

۴. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۶.



نورالدین علی بن محمد بن العلیف العکی العدنانی المکی الشافعی در مدح و ستایش مجدالدین و قاموس المحيط وی می گوید:<sup>۱</sup>

مذ مد مجدالدین فی آیامه من بعض ابجر علمه القاموسا  
ذهبت صحاح الجوهری كانها سحر المدائن حین القی موسی<sup>۲</sup>

- تنویرالمقباس فی تفسیر ابن عباس؛<sup>۳</sup> از کتاب های منسوب به فیروزآبادی است. وی اخباری که از ابن عباس در تفسیر آیات قرآن نقل شده در این کتاب جمع آوری نموده است.

- إثارة الحَجُون لزيارة الحَجُون<sup>۴</sup> در موضوع حدیث و شامل سیره پیامبر اسلام (ص) است و به طوری که از خطبه این کتاب به دست می آید، فیروزآبادی آن را در یک شب تألیف نموده است.

---

۱. سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۶.

۲. از زمانی که مجدالدین در روزگار خود، قاموس را از دریایی از دانشش جاری ساخت، صحاح جوهری چنان ناپدید شد که گویی سحر مدائن در هنگام افکندن عصای موسی (ع) از بین رفت.

۳. سخاوی آن را «تنویرالمقباس فی تفسیر ابن عباس» نامیده است. (سخاوی،

الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۱)

۴. حَجُون اول به معنای شخص کسل و حجون دوم نام کوهی در بالای مکه است.



– اوهام المجلد؛ فیروزآبادی در این کتاب، اشتباهات ابن فارس (م ۳۹۵ ق) در کتاب مجمل اللغه (کتابی موجز در لغت فصیح)، را که عدد آن‌ها به هزار مورد می‌رسد، بیان و تصحیح نموده است.<sup>۱</sup>

– بصائر ذوی التمییز فی لطائف کتاب العزیز (الوجیز فی لطائف الکتاب العزیز)؛ مشتمل بر علوم و موضوعات مختلف قرآنی، نکات و لطایف ادبی و وجوه و نظایر است که کتاب حاضر، ترجمه بخش مقاصد سور قرآن و قسمت‌هایی دیگر از جلد نخست آن است. در بخش بعدی، به تفصیل از محتوا و ویژگی‌های این کتاب و بخش‌های گوناگون آن سخن به میان خواهد آمد.

– التجاریح فی فوائد متعلقه بأحادیث المصابیح؛ این کتاب متضمن یادداشت‌های فیروزآبادی بر کتاب مصابیح السنه اثر حسین بن مسعود مشهور به فراء بغوی شافعی (م ۵۱۶ ق) از دانشمندان یزرگ اهل سنت در قرون پنجم و ششم هجری است.

– تسهیل طریق الوصول إلی الاحادیث الزائده علی جامع الأصول؛ این کتاب، افزوده‌های بر کتاب جامع الاصول لأحادیث الرسول تألیف ابن اثیر جزری (م ۶۰۶ ق) از دانشمندان قرن ششم هجری است که

---

<sup>۱</sup>. یزدی مطلق، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغه، ص ۱۸۱.



فیروزآبادی آن را برای ناصر بن شرف، حاکم یمن در چهار جلد نگاشته است.

– **جلس الأیس فی أسماء الخندریس**؛ در یک مجلد و در بیان تحریم و اِسماء و اوصاف خمر به ترتیب حروف برابر آنه در قرآن و حدیث و اقوال علما آمده است.

– **عدّة الحُکّام فی شرح عمدۀ الأحکام**؛ شرح و گزارشی در دو مجلد بر کتاب عمدۀ الحکام عن سید الأنام تألیف ابومحمد تقی الدین عبدالغنی بن عبدالواحد جماعیلی حنبلی (م ۶۰۰ ق).

– **شوارق الأسرار العلیة فی شرح مشارق الأنوار النبویة**؛ این کتاب شرح کتاب مشارق الانوار النبویة علی صحاح الاخبار المصطفویه تألیف رضی الدین ابوالفضائل حسن بن محمد صاغانی (م ۶۵۰ ق) از محدثان قرن هفتم هجری است.

– **فتح الباری بالسیح الفسیح الجاری فی شرح صحیح البخاری** (منح الباری بالسیح الفسیح المجاری فی شرح صحیح البخاری)؛<sup>۱</sup> ابن حجر نام کتاب خود را از این کتاب گرفته است و تألیفش در شرح بخاری (فتح الباری فی شرح صحیح البخاری) را به آن نامیده است.

---

۱. سیوطی، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۲۷۴.



– **المغانم المطابة في معالم الطابة** که بخش جغرافی این کتاب توسط حمد الجاسر تحقیق و منتشر شده است و بخش‌های دیگر آن به صورت نسخه خطی باقی مانده است.<sup>۱</sup>

– **تحفة التماعیل فیما قسمی من الملک باسماعیل**؛ کتابی در ترجمه و شرح حال پادشاهانی که اسماعیل نام داشته‌اند. ظاهراً فیروزآبادی این کتاب را به نام اشرف پادشاه یمین که اسماعیل نام داشته تألیف نموده است.<sup>۲</sup>

آثار دیگری از فیروزآبادی به یادگار مانده که برخی از آن‌ها از این قرارند:<sup>۳</sup> **الأحادیث الضعیفة؛ احاسن اللطائف فی محاسن الطائف؛ اسماء الحمد؛ اسماء السراح فی اسماء النکاح؛ اسماء الغادة فی اسماء العادة؛ الاغتیاط بمعالجة ابن الخیاط؛ امتضااض السهاد فی افتراض الجهاد؛ اللطاف الخفیة فی اشراف الحنفیة؛ انواء الغیث فی أسماء اللیث؛ بلاغ التلقین فی غرائب اللعین؛ تثقیف الأسئل فی تفصیل العسل؛ تحبیرالموشین فی ما یقال بالسین و الشین؛ تحفة الابیه فیمن نسب الی غیرابیه؛ تحفة**

---

۱. زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۶.

۲. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۵۶.

۳. محقق کتاب بصائر، ۴۸ اثر از فیروزآبادی را در مقدمه این کتاب ذکر نموده است.  
(ر.ک. فیروزآبادی، بصائر، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۲۲-۲۵)



القماعل<sup>۱</sup> فیمن یسمی من الملائکة و الناس باسماعیل؛ ترفیق الأسئل فی تصفیق العسل؛ تعین العُرفات للمعین علی عین عَرَفات؛ تهییج الغرام إلى البلاد الحرام؛ تیسیر فاتحة الاباب فی تفسیر فاتحة الكتاب؛ حاصل کُوره الخلاص فی فضائل سورة الإخلاص؛ الدرر العوالی فی الأحادیث العوالی؛ الدرالنظیم المرشد إلى مقاصد القرآن العظیم؛ الدرالمبثثة فی العُمر المثلثة؛ روض المسلوف فیما له اسمان الی الالوف (مترادفات عربی)؛ روضة الناظر فی درجة الشیخ عبدالقادر؛ زادالمعاد فی وزن بانة سعاد و شرحه؛ سفرالسعادة در حدیث و سیره نبوی؛ صراط المستقیم؛ الصلاة و البُشر فی صلاة علی خیر البشر (ص)؛ الغررالمثلثة و الدرر المبثثة؛ فضل الدُرّة من الخرزة فی فضل السّلامة علی الخبزة؛ الفضل الوفی فی عدل الأشرقی؛ قُطبة الحسّاف فی حل خُطبة الکشاف؛ کراسه فی علم الحدیث؛ اللامعُ المُعلمُ العُجابِ الجامعِ بَینَ المُحکم و العُبابِ و زیادات امتلابها الوطاب؛<sup>۲</sup> المتفق وضعاً و المختلف صنعاً؛ المثلث الصغیر فی اللغة؛ مجمع

---

۱ . جمع قمعال به معنی رئیس قوم.

۲ . لازم به ذکر است که فرهنگ العباب الزاخر تألیف صغانی (م ۶۰۵ ق) مشتمل بر بیست جلد است که لغات را برحسب حرف آخر مرتب ساخته است. این فرهنگ ناقص است و تا اوایل حرف میم بیشتر نوشته نشده است. فیروزآبادی در تألیف قاموس المحيط به این کتاب صغانی نظر داشته است و این مطلب از نام کتاب بزرگ وی «اللامع المعلم العجاب بین المحکم و العباب» معلوم می شود. (ر.ک. مقدمه لغت- نامه دهنخدا، مقاله دکتر سلطانعلی سلطانی، ص ۲۵۱)



السؤالات من صحاح الجوهرى؛ مرقاة الأرفعية فى طبقات الشافعية؛ مرقاة الوفية فى طبقات الحنفية؛ مغنم المطابة فى معالم طابة؛ مقامات فيروزآبادى؛ مقصود ذوى الألباب فى علم الاعراب؛ منية السؤل فى دعوات الرسول (ص)؛ نُحَب الطرايف فى النكت الشرائف؛ نزهة الأذهان فى تاريخ اصبهان؛ نزهة الطالبين و تحفة الراغبين فى شرح قصيدة البردة؛ نغمة الرشاف من خطبة الكشاف؛ نفحة العنبرية فى مولد خير البرية (ص)؛ الوصول و المنى فى فضل منى؛ رسالة فى حكم القناديل النبوية؛ الاشارة الى ما فى كتب الفقه من الأسماء و الأماكن و اللغات.

مجدالدين در نظم و نثر دستى توانا داشته است و در فن ادب، ذواللسانين بوده و نظم و نثر را هم به فارسى و هم به عربى و در نهايت فصاحت و بلاغت مى سروده و مى نگاشته است. وى صاحب ديوان شعر بوده، اما ظاهراً جز قطعه هايى كه در بعضى كتاب هاى ادبى و تاريخى ضبط شده است، به دست ما نرسیده است. متأسفانه از آثار فارسى وى نیز به جهت اينكه بیشتر در كشورهاي عربى زبان ساكن بوده، امروزه چيزى در دست نيست.

نمونه نثر فيروزآبادى هم، خطبه آغازين قاموس است كه به جهت اهميت لغوى آن، عبدالرؤف مناوى كتابى مخصوص در شرح آن نوشته است. اين نثر به جهت اشتمال بر لغت هاى غريب و مخلّ فصاحت، مورد انتقاد برخى دانشمندان قرار گرفته است. ظاهراً مقصود فيروزآبادى در خطبه



قاموس این بوده که احاطه خود را به نوادر الفاظ و اصطلاحات عربی آشکار سازد و بدین جهت لغات غریب و نامأنوس بسیار در این خطبه به کار برده است.<sup>۱</sup>

در مورد زندگی و شرح حال فیروزآبادی کتابی به نام «ری الصادی فی ترجمه فیروزآبادی» از شیخ رمضان بن موسی العطفی به نگارش درآمده است که به صورت نسخه خطی باقی مانده است.<sup>۲</sup> شمس‌الدین سخاوی (م ۹۰۲ ق) شاگرد فیروزآبادی در کتاب الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، مفصل‌ترین شرح حال را برای استاد خود نوشته است.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، ص ۲۵۷.

۲. زرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۴۷.

۳. شمس‌الدین سخاوی، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، ج ۱۰، صص ۷۹-۸۶، شماره ۲۷۴. برای مطالعه بیشتر درباره شخصیت فیروزآبادی و خصائص و مواهب مخصوص به او ر.ک. مقدمه لغت‌نامه دهخدا، مقاله دکتر سلطانعلی سلطانی، ص ۲۵۷-۲۵۹ و برای معرفی مصادر شرح حال فیروزآبادی ر.ک. فیروزآبادی، البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغة، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۴۳ و ۴۴.



فیروزآبادی سرانجام در شب بیستم ماه شوال به سال ۸۱۷ هـ (۱۴۱۵ میلادی) در زبید یمن دیده از جهان فروبست و در مقبره شیخ اسماعیل جبرتی در همان شهر مدفون گردید.<sup>۱</sup>

### کتاب بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز

فیروزآبادی چهره شناخته شده در مطالعات اسلامی و قرآنی، به ویژه دانش لغت و فرهنگنامه نویسی در طول تاریخ علوم اسلامی و ایرانی است. کتاب شریف بصائر یکی از کتابهای جامع و مفصل در شناخت علوم و موضوعات مختلف قرآنی و تفسیری است که مؤلف آن را برای سلطان اسماعیل بن عباس نوشته است. این کتاب ضمن اینکه از «مجموعه های علوم قرآن»<sup>۲</sup> به شمار می رود، از مهم ترین آثار در حوزه «وجوه و نظایر» است که مراجعه به آن، کمک شایانی به تفسیر و فهم صحیح واژه های قرآنی می کند.

---

۱. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ۲۴۶ و مقدمه قاموس المحيط، ص ۱۵. سیوطی تاریخ وفات وی را سال ۸۱۶ هـ ق دانسته است. (ر.ک. سیوطی، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۲۷۴)

۲. اقبال، فرهنگنامه علوم قرآن، ص ۳۴۷.



در سطور پیشین بیان شد که این کتاب دربردارنده موضوعات گوناگونی در شناخت قرآن و علوم و معارف آن است و به باور شاگرد مؤلف، بصائر در زمره آثار تفسیری فیروزآبادی است.<sup>۱</sup> فیروزآبادی بررسی واژگان را در بخش دوم از کتاب تحت عنوان «فی وجوه الکلمات» آغاز می‌نماید و کتاب به طور کلی چند موضوع را دربرگرفته است: ۱. مقدمه- ای در شناخت برخی از علوم قرآنی ۲. معرفی سوره‌ها بر حسب ترتیب مصحف ۳. تفسیر و توضیح واژگان قرآن به ترتیب حروف الفبا ۴. ذکر تاریخ برخی انبیاء در جلد پایانی.

مؤلف در این کتاب، نخست معنای اصلی لغوی و کاربردهای مختلف واژه را در زبان عربی بررسی کرده، سپس با تأثیرپذیری از مفردات راغب اصفهانی، به بیان وجوه مختلف کلمات در قرآن می‌پردازد.

این کتاب از آن جهت که متضمن نقد، تحلیل و استدلال است و جنبه نقل و گردآوری در آن کم‌رنگ‌تر است، از آثار کم‌نظیر در عرصه علوم قرآنی، تفسیر و دانش وجوه و نظایر است. اما نباید از یاد برد که این کتاب، یک اثر اختصاصی صرف در زمینه وجوه به شمار نمی‌رود و مؤلف بیش از آنچه در کتاب‌های وجوه وجود دارد، به بیان مطالب در آن پرداخته است.

---

۱. رک. سخاوی، الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۱.



یکی از محققان در بیان تفاوت روش راغب اصفهانی با فیروزآبادی در تفسیر واژگان می‌نویسد: «کار راغب از کار فیروزآبادی با غلبه صبغه زبانی بر تفسیر راغب و غلبه صبغه تفسیری فراگیر لفظ در کار فیروزآبادی که همه ابعاد معناشناختی و کاربردی و جوانب آن را فرا می‌گیرد، متفاوت است.<sup>۱</sup> دیدگاه فیروزآبادی به معنای لفظ، فراگیرتر و عمیق‌تر از دیگر کتاب‌های وجوه است که تنها به وجوه و معانی خاص آن پرداخته‌اند و در ضمن روش ایشان در بررسی معنا هم با آنها متفاوت است.»<sup>۲</sup>

محقق کتاب محمدعلی النجار در مقدمه خود در باب عنوان کتاب می‌نویسد: «این عنوان را در کتاب نمی‌بینیم. بلکه عنوان کتاب به طور کلی و جزئی این است: «المقصد الأول فی لطائف تفسیر القرآن العظیم» (هدف اول در لطایف تفسیر قرآن بزرگ). این عنوان بعد از انصراف مجدالدین از ادامه‌ی مقاصد دیگر، دیگر جایگاهی ندارد. بنابراین بهتر بود نامی داشته باشد که استقلال آن را نشان دهد و اینکه بخشی از یک کتاب جامع نیست. مؤلف عنوان هر بحث در این مقصد را «بصیره» (بینش) قرار داده بود و کتاب به مجموعه‌ای از «بصائر» (بینش‌ها) تبدیل شده است. از همین جا نام جدید «بصائر ذوی التمییز، فی لطائف الکتاب

---

<sup>۱</sup>. ر.ک. عوا، بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم، ص ۳۳.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۳۴.



العزیز» (بینش‌های صاحبان تمییز در لطایف کتاب عزیز) گرفته شده است. می‌بینید که او «العظیم» را به «العزیز» تغییر داده تا با عبارتی که آورده هم‌آهنگ شود و سجع در آن رعایت گردد.<sup>۱</sup>

شایسته بود که از مقدمه‌ی کتاب جامع صرف‌نظر می‌کرد و مقدمه‌ای ویژه برای این کتاب جدید می‌نوشت. گویا او امیدوار بود که روزی بتواند شصت مقصدی را که در نظر داشت به پایان برساند، به همین دلیل مقدمه را به همان حالت اول باقی گذاشت.<sup>۲</sup>

اصل کتاب در شش جزء (شش جلد)،<sup>۳</sup> هر جلد تقریباً ششصد صفحه‌ای تدوین شده است. جلد نخست کتاب به ترتیب شامل مطالب زیر است:

– مقدمهٔ محقق کتاب در شرح حال و معرفی آثار مؤلف، به ویژه معرفی کتاب بصائر و روش آن.<sup>۴</sup>

---

۱. ر.ک. فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز، مقدمهٔ محقق، ص ۲۷ و ۲۸.

۲. ر.ک. همان، ص ۲۸.

۳. سخاوی و به دنبال آن، حاجی خلیفه، این کتاب را دو جلد دانسته است. (سخاوی،

الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۸۱ و حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ۲۴۶)

۴. فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، ج ۱، ص ۱.



- مقدمه مؤلف در معرفی کتاب بصائر و سبب نگارش آن و نیز ذکر بخش‌های مختلف این کتاب.<sup>۱</sup>

- مقدمه دیگری از مؤلف در توصیف و بیان فضیلت علم و شرافت و منزلت علماء و نیز معرفی علم نافع و بیان اقسام علم و تفاوت‌های میان آن‌ها. در این قسمت، مؤلف به منابع بی‌شمار و مختلفی از جمله قرآن، روایات و کلام بزرگان علم استناد نموده است.<sup>۲</sup>

- پس از این، مؤلف تحت عنوان «الفصل الاول: فی شروط التعلم و التعليم»، به دوازده شرط که در تحصیل علم و آموزش و یادگیری آن مؤثر و لازم است، اشاره می‌کند، و نیز موانع و آفات علم را یادآور می‌شود و در پایان، به تقسیم‌بندی علوم مختلف از جهت هدف و مقصود آن علم می‌پردازد. اول: علوم حکمی و الهی و دوم: علوم حکمی نظری. از مؤلف، علوم شرعی نیز هشت قسم است: علم تفسیر کتاب، علم قرآن (قرائت)، علم روایة الحدیث، علم درایة الحدیث، علم اصول الدین، علم اصول الفقه، علم جدل، علم فقه.<sup>۳</sup>

متن اصلی کتاب با عنوان «المقصد الاول: فی لطائف تفسیر القرآن العظیم» آغاز می‌شود که شامل دو باب است. باب نخست دارای دو بخش است.

---

۱. همان، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. همان، ص ۵۴ و ۵۵.



بخش اول با نام «المقدمات»، مقدمه‌ای شامل هشت فصل و بخش دوم با عنوان «المواقف»، مشتمل بر تفصیل و معرفی سوره‌های قرآن از آغاز تا پایان است.<sup>۱</sup>

عناوین فصول هشتمگانه بخش اول عبارت‌اند از:

فصل اول در فضائل و صفات برجسته (مناقب) قرآن.

فصل دوم در ذکر اعجاز قرآن و تمایز نظم اعجاز آور قرآن از سایر کلام-ها.

فصل سوم در شرح و توضیح کلماتی که پیش از بحث در شرح وجوه تفسیر، ناگزیر از آشنایی و شناخت آن هستیم.

فصل چهارم در ذکر نام‌های قرآن.

فصل پنجم در ترتیب نزول سوره‌های قرآن.

فصل ششم در آنچه درباره نزول قرآن از شناخت آن گزیری نیست.

فصل هفتم در انواع خطاب‌ها و پاسخ‌هایی که قرآن مشتمل بر آن است.

فصل هشتم در آنچه شرط است از شناخت ناسخ و منسوخ.

---

<sup>۱</sup>. همان، ص ۵۵.



پس از توضیحات مفصل و مستقل پیرامون هر یک از مباحث قرآنی که عناوین آن‌ها ذکر گردید، مطالب اصلی کتاب بر حسب ترتیب سوره‌ها تنظیم شده است و مؤلف در هر سوره، به ترتیب نه موضوع را بررسی و بیان نموده است: ۱. محل نزول سوره ۲. تعداد آیات، کلمات و حروف سوره ۳. اختلاف قاریان در تعداد آیات ۴. مجموع فواصل سوره ۵. نام یا نامهای سوره ۶. مقصود و محتوای سوره ۷. ناسخ و منسوخ در سوره ۸. آیات متشابه در هر سوره ۹. فضیلت هر سوره.

واپسین مطلب جلد نخست کتاب، ضمن ذکر فهرست مطالب، بیان مطالبی کلی در باب عنایت عالمان و قاریان به قرآن و بحث درباره لفظ و معنای آن است. بررسی و مطالعه درباره تعداد سوره‌های قرآن، تعداد آیات، تعداد کلمات و حروف، نقطه‌ها و هر یک از حروف آن (تعداد حرف الف در قرآن، تعداد حرف ب در قرآن و...) و بیان قواعدی در این زمینه‌ها، نمونه‌ای از اهتمام فراوان آن بزرگان به این کتاب الهی است.

فیروزآبادی در این بخش پایانی، ضمن اینکه دیدگاه‌ها و اختلاف نظرهای اندیشمندان و قاریان را در مورد مباحث مزبور، معرفی و تبیین کرده است، تمامی این اختلافات را از نوع اختلاف لفظی قلمداد نموده است، نه اختلاف حقیقی و اساسی. ایشان در آغاز این مبحث می‌نویسند: «إعلم أن عدد سور القرآن - بالاتفاق - مائة و أربعة عشر سورة. وأما عدد الآيات فإن صدر الأمة وأئمة السلف من العلماء والقراء كانوا ذوي عنایة شديدة



فی باب القرآن وعلّمه؛ حتّى لم یبق لفظ ومعنى إلّا بحثوا عنه، حتى الآيات والكلمات والحروف، فإنّهم حَصَرُوا وعدّوها. وبين-القرّاء فی ذلك اختلاف؛ لكنّه لفظی لا حقیقی.<sup>۱</sup>

فیروزآبادی در پایان این مجلد، یک نمای کلی از محتوای کتاب ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «هذه سور القرآن - بکمالها - مع ذکر موضوع النزول، وعدد الآيات، والحروف، والكلمات، والنقاط، وما اشتملت علیه السّورة: من المقاصد، وما فیها من المنسوخ والناسخ، وما اختلف فیها من الآيات، وما ورد فی فضل السّورة»<sup>۲</sup> این سوره‌های قرآن، به طور کامل با ذکر موضوع نزول، تعداد آیات، حروف، کلمات، نقطه‌ها آغاز شده است و آنچه این سوره از مقاصد و اهداف و ناسخ و منسوخ را دربر گرفته و آنچه از آیات مورد اختلاف است و نیز روایاتی که در فضیلت سوره وارد شده است.

همو پس از بیان مقاصد و اهداف صد و چهارده سوره قرآن، در بخش پایانی مجلد نخست به دسته‌بندی آیات قرآن بر اساس محتوا و مضمون می‌پردازد و می‌نویسد: «من هذه الجملة ألف آية وستمائة آية فی قِصَصِ الأنبياء، وألف ومائتان فی شرائع الإيمان، وألف وعشرون فی التوحید والصفات، وألف فی ترتیب الولايات، وأربعمائة فی الرُّقیة وتعوید الآفات،

۱. فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز، ج ۱، ص ۵۵۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۶۶.



وَأَرْبَعُمِائَةٍ فِي أَنْوَاعِ الْمَعَامَلَاتِ، وَمِائَةٌ فِي عِذْرِ جُرْمِ الْعُصَاتِ، وَمِائَةٌ فِي ضَمَانِ أَرْزَاقِ الْبَرِيَّاتِ، وَسَبْعُونَ فِي جِهَادِ الْغَزَاتِ، وَخَمْسُونَ فِيْمَا يَتَعَلَّقُ بِقِصْدِ مَكَّةَ وَعَرَفَاتِ. وَبِالْبَاقِي فِي أَحْكَامِ النِّكَاحِ، وَطَلَاقِ الْمُنْكَوحَاتِ<sup>١</sup> از این مجموع آیات، هزار و ششصد آیه در قصص انبیاء، هزار و دو بیست آیه در شرایع ایمان، هزار و بیست آیه در توحید و صفات، هزار آیه در ترتیب ولایت‌ها، چهارصد آیه در رقیه (تعویذ) و دفع آفات، چهارصد آیه در انواع معاملات، صد آیه در عذر گناه عاصیان، صد [آیه در ضمان روزی مخلوقات، هفتاد آیه در جهاد با عُزَّاءَ (جنگجویان)، پنجاه آیه در آنچه به قصد مکه و عرفات مربوط می‌شود و باقی مانده آیات در احکام نکاح و طلاق زنان شوهردار است.

باب دوم کتاب از جلد دوم آغاز می‌شود و مؤلف در جلد‌های دوم تا پنجم، به تفسیر واژگان قرآن به شیوهٔ راغب در المفردات می‌پردازد و آن‌ها را بر اساس حرف اول هر کلمه مرتب می‌نماید. مطالب هر جلد از جلد دوم، به تفصیل از قرار زیر است:

جلد دوم شامل هشت باب است که از باب دوم تحت عنوان «فی وجوه الکلمات المفتحة بحرف الألف» شروع می‌شود تا باب نهم «فی الکلمات المفتحة بحرف الدال» پایان می‌یابد.

---

<sup>١</sup>. همان، ج ١، ص ٥٦٠ و ٥٦١.



جلد سوم شامل نُه باب است که از باب دهم با عنوان: «فی الکلمات المفتوحة بحرف الذال» تا باب هجدهم «فی الکلمات المفتوحة بحرف الظاء» را دربرگرفته است.

جلد چهارم شامل هفت باب است که از باب نوزدهم با عنوان: «فی الکلمات المفتوحة بحرف العين» تا باب بیست و پنجم «فی اللم المفتوحة بحرف الميم» را دربرگرفته است.

جلد پنجم شامل چهار باب است که از باب بیست و ششم با عنوان «فی اللم المفتوحة بحرف النون» آغاز می‌شود تا باب بیست و نهم «فی الکلمات المفتوحة بحرف الياء» خاتمه می‌یابد.

جلد ششم دارای یک باب است با عنوان: الباب الثلاثون «فی بصائر أسماء الأنبياء عليهم السلام، و بصائر بعض الأعداء عليهم الغرام، و أعنى المذكورين فى القرآن العزيز» در این باب، ذیل نام هریک از انبیاء (ع) و شخصیت‌های دیگر، به بیان و تحلیل مباحث گوناگونی از قبیل اسامی و اوصاف مختلف انبیاء در قرآن، اشتقاق این کلمات و وجه تسمیه آنها، فضیلت و معجزات ایشان و به طور کلی، مطالب تاریخی مرتبط با ایشان که در قرآن کریم به آنها اشاره شده، پرداخته شده است.

محقق کتاب پس از معرفی روش بصائر، درباره این بخش از کتاب می‌نویسد: «ثم يعرض لتفسير مفردات القرآن على نحو عمل الراغب فى



مفرداته. ویصنّفها باعتبار الحرف الأول من الكلمة، فالمبدوء بحرف الألف في حرف الألف، وهكذا. ويصدّر مباحث كل حرف بالكلام على وصف الحرف ومعناه لغه، والنسبة إليه ونحو ذلك. ونراه قد يراعى الحرف الزائد في الكلمة، فنرى الإنزال في حرف الألف. ويأتي هذا القسم في تسعة وعشرين باباً على عدد حروف الهجاء. ثم يأتي الباب الثلاثون، فيذكر فيه الأنبياء المذكورين في القرآن، وأعداءهم وقصصهم، وما يدخل في هذا الباب، وبهذا ينتهي الكتاب<sup>۱</sup> (سپس [فیروزآبادی] به تفسیر مفردات قرآن به شیوه‌ای که راغب در مفردات خود عمل می‌کند می‌پردازد و آن‌ها را بر اساس حرف اول کلمه دسته‌بندی می‌نماید، مثلاً کلماتی شروع شده با حرف اَلِف در حرف اَلِف و همین‌طور. مباحث هر حرف را با گفتگو درباره ویژگی حرف و معنای لغوی و نسبت آن به موارد دیگر و مواردی از این قبیل آغاز می‌کند. می‌بینیم گاهی حروف زائد در کلمه را در نظر می‌گیرد، مثلاً «انزال» در حرف الف قرار می‌گیرد. این بخش در بیست و نه باب، بر اساس تعداد حروف الفبا تدوین شده است. سپس، باب سی‌ام، پیامبران ذکر شده در قرآن، دشمنان آن‌ها، داستان‌هایشان و موارد مرتبط با این باب ذکر می‌شود و با این فصل، کتاب پایان می‌یابد).

درباره کتاب بصائر و مؤلف آن، محقق معاصر شیخ سعید بن عبدالرحمن الأحمری، کتابی با عنوان «نُزْهَةٌ فِي بَصَائِرِ ذَوِي التَّمْيِيزِ فِي لَطَائِفِ

---

۱. ر.ک. فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز، مقدمه محقق، ج ۱، ص ۲۹.



الكتاب العزيز» (سیری در بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز) به نگارش درآورده است و به شیوهٔ نه چندان علمی و دقیق از شخصیت فیروزآبادی و کتاب بصائر و روش مؤلف آن سخن گفته است.

### برخی خصوصیات بصائر

فیروزآبادی در بیان عنوان هر سوره به روشی جالب و ابداعی عمل کرده است. به این صورت که عبارت «بصیره فی» را در ابتدای همهٔ عناوین تکرار کرده است و پس از آن، کلمه یا کلمات ابتدایی سوره موردنظر را ذکر کرده و سپس نام سوره را به دنبال آن آورده است. گاهی نام سوره در همان آیهٔ اول و دوم ذکر شده است؛ مثل «بصیره فی قد أفلح المؤمنون...» و «بصیره فی تبارک الذی نزل الفرقان..» گاهی نیز نام سوره در آیات میانی سوره آمده است و مؤلف پس از ذکر بخش آغازین آیه، نام سوره را آورده است؛ مانند «بصیره فی یُسَبِّح... الجمعة..» و «بصیره فی طسم.. القصص..»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. در ترجمهٔ حاضر، به دلیل وفاداری به اصل متن، عنوان آغاز هر سوره که خود مؤلف برگزیده، ذکر شده و پس از آن، نام هر سوره مطابق مصحف شریف بیان شده است.



لازم به ذکر است که نام‌های سوره‌های قرآن به لحاظ ساختار بر سه دسته است: ۱- کلمه مفرد مثل حمد، بقره، عَبَس، کوثر و... ۲- به صورت ترکیب اضافی مثل فاتحه‌الکتاب، ام‌الکتاب و... ۳- به صورت جمله‌ای مثل قُلْ أَوْحَىٰ (سوره جن)، آتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ (سوره نحل) و... فیروزآبادی در بصائر ذوی التمییز، به جز سوره حمد، از دسته سوم برای نامگذاری هر سوره استفاده کرده است. البته در آغاز هر سوره، به نام‌های دیگر آن و نیز علت نامگذاری هر سوره اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

به باور رژی بلاشر عنوان هر سوره یا از میان یکی از کلمات اولیه آن سوره انتخاب می‌شود (مثل الرحمن، النجم، البراءة) و یا نام داستان مشخصی است در میان سایر داستان‌ها (مانند نوح، ابراهیم، مریم) و یا منطبق بر محتوای آن سوره است (همچون النحل و یا عنکبوت).<sup>۲</sup>

یکی از ویژگی‌های برجسته که مؤلف در سر تا سر کتاب رعایت نموده اختصار در بیان است به نحوی که در شرح و توضیح مضامین و اهداف

---

<sup>۱</sup>. برای توضیح بیشتر درباره علت نامگذاری سوره‌ها ر.ک. حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۹۵-۹۹؛ معرفت، تاریخ قرآن، ص ۸۰-۸۵؛ دروزه، تاریخ قرآن، ۱۰۴-۱۰۷. «نام هر سوره با متن آن مناسبت و بستگی تام دارد. چنانکه سوره بقره را به مناسبت داستان بقره و حکمت شگفت‌آوری که در آن هست بدین نام خوانده‌اند و سوره نساء را به علت احکام درباره زنان و سوره انعام را به جهت احوال چارپایان چنین نامیده- اند.» (رامیار، تاریخ قرآن، ص ۵۸۱)

<sup>۲</sup>. ر.ک. بلاشر، در آستانه قرآن، ص ۱۶۲.



برخی سوره‌ها، از سه یا چهار سطر بیشتر تجاوز نمی‌کند. به عبارتی این بخش از کتاب، مصداق سخن «خیر الکلام ما قلّ و دلّ» است و نویسنده با کمترین عبارات بیشترین معانی را به خواننده انتقال می‌دهد.

به عبارتی کتاب بصائر از این نظر شایسته توجه است که در مجلد نخست و بخش مقاصد سوره، مؤلف کوشیده است اهداف و مضامین سوره‌ها، روشن و در عین حال، کوتاه بیان شود؛ به عبارتی مؤلف، جایی که اطاله نابجا بوده، راه ایجاز برگزیده و جایی که ایجاز، مخلّ بوده از تطویل و تفصیل پرهیز نکرده است.

نکته دیگر درباره این اثر، شیوه نگارش نویسنده است که حاکی از ظرافت و رعایت آهنگ جملات و کلمات در آن است. به عنوان نمونه نویسنده در بیان مقصود سوره ذاریات، از آنجا که جملات را با وزن «فعاله» ختم می‌کند، در مواردی برای آنکه جمله خود را با این سجع تمام کند، کلمات را جابه‌جا می‌کند یا از دستور زبان عربی تخطی می‌کند و این سجع را به کار می‌بندد. در عبارات زیر به وضوح نمایان است که مؤلف واژه‌های «بشاره»، «ملامه»، «خساره» و «هلاکه» را برای رعایت سجع و آهنگ جملات، با تغییراتی در پایان هر فراز به کار گرفته است: «ذکر القسم بحقیة البعث و القیامة، و الإشارة الی عذاب أهل الضلالة، و ثواب أرباب الهدایة، و حُجَّة الوحْدانیة، و کرامة ابراهیم فی باب الضیافة، و فی اسحاق له بالبشارة، و لقوم لوط بالهلاکه، و لفرعون و أهله من



الملامه، و لعاد و ثمود و قوم نوح من الدمار و الخسارة، و خلَق السماء و الأرض للَنفَع و الأفادة...»<sup>۱</sup>

محقق کتاب نیز در باب همین کاربرد الهلاکة می نویسد: «لم اقف على هذا المصدر في اللغة، و كأنه حمله حب النسق في ختام الفقرات فقال الهلاکة في الهلاک»<sup>۲</sup>

یا به عنوان مثال در بیان مقاصد سوره اعلى، از آنجا که همه عبارت با یک سجع به کار رفته است، مؤلف به جهت رعایت سجع، واژه زکات را با «تاء» به کار برده است: «بيان علو الذات و الصفات، و ذکر الحلقه و تربیه الحيوانات، و الإشاده بالثمار و النبات، و الأمن من نسخ الآيات و بیان سهوله الطاعات، و ذلّ الكبّار في قعر الدركات، و التحضيض على الصلاة و الزکات، و قی الدنيا بقاء الخيرات و فی الآخره بقاء الدرجات»<sup>۳</sup> محقق کتاب هم اشاره می کند که «زکاة» به خاطر رعایت سجع با تاء کشیده نگارش یافته است: «رسمت بالتاء المفتوحه من أجل السجع»<sup>۴</sup>

یا در آنجا که فیروزآبادی به دسته بندی آیات قرآن بر اساس محتوا و مضمون پرداخته است، واژه های العُصات و الغزات را با «تا»ی مفتوحه

۱. فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. همان، پاورقی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۱۴.

۴. همانجا.



ذکر نموده است: «من هذه الجملة ألف آية وستمائة آية في قصص الأنبياء، وألف ومائتان في شرائع الإيمان، وألف وعشرون في التوحيد والصفات، وألف في ترتيب الولايات، وأربعمائة في الرقية وتعويذ الآفات، وأربعمائة في أنواع المعاملات، ومائة في عذر جرم الغصات، ومائة في ضمان أرزاق البريات، وسبعون في جهاد الغزات، وخمسون فيما يتعلق بقصد مكه وعرفات. والباقي في أحكام النكاح، وطلاق المنكوحات»<sup>۱</sup> محقق کتاب هم در این باره اشاره می‌کند که «العصاة» با تاء کشیده نوشته شده تا با بقیه سجع‌ها هماهنگ و هم‌آوا شود: «کتب بالتاء المفتوحه للازدواج مع باقی السجعات» در جایی دیگر نیز درباره «الغزات» می‌آورد: «کتب بالتاء المفتوحه ليوافق باقی السجعات كما سبق»<sup>۲</sup>

نمونه‌های فراوان دیگری از این شیوه بیان مؤلف وجود دارد که محقق کتاب نیز به آن‌ها اشاره نموده است، از جمله در مجلد اول، صفحات ۱۳۰، ۲۶۳، ۲۷۹، ۳۶۷، ۵۰۶، ۵۱۴، ۵۶۰ و ۵۹۱.

شیوه جالب و بکر دیگری که فیروزآبادی در طرح مضامین و مقاصد سور قرآنی به کار می‌گیرد، ذکر آیه یا آیات پایانی هر سوره مرتبط با کلام در پایان بیانات خود با عبارت «بقوله» یا «فی قوله» است. به عنوان نمونه درباره سوره مبارک انسان می‌نویسد: «معظم مقصود السورة: بیان

۱. فیروزآبادی، بصائر، ج ۱، ص ۵۶۰ و ۵۶۱.

۲. همانجا، پاورقی.



مُدَّة خَلْقِهِ آدَمَ، وَهَدَايَهُ الْخَلْقَ بِمَصَالِحِهِمْ، وَذَكَرَ ثَوَابَ الْأَبْرَارِ، فِي دَارِ الْقَرَارِ، وَذَكَرَ الْمِنَّةَ عَلَى الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمْرَهُ بِالصَّبْرِ، وَقِيَامَ اللَّيْلِ، وَالْمِنَّةَ عَلَى الْخَلْقِ بِأَحْكَامِ خَلْقِهِمْ، وَإِضَافَةَ كَلِيَّةِ الْمَشِيئَةِ إِلَى اللَّهِ، فِي قَوْلِهِ: «يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (انسان/۳۱) يَا ذِيلِ سُورَةِ مَبَارَكِ اسْرَاءِ بِيَانِ مِی دَارِد: «...بِيَانِ الْحِكْمَةِ فِي تَفْرِقَةِ الْقُرْآنِ، وَأَدَابِ نَزُولِهِ، وَأَدَابِ الدَّعَاءِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَتَنْزِيهِ الْحَقِّ تَعَالَى عَنِ الشَّرِيكِ وَالْوَلَدِ فِي «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا» إِلَى قَوْلِهِ: «وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا» (اسراء/۱۱۱)

ذکر واژه بصائر در عنوان کتاب (بصائر ذوی التمییز...) و صفت مشبهه بصیره در سرآغاز عنوان هر سوره (بصیره فی...) حاکی از دقت نظر مؤلف در انتخاب و گزینش این واژه دارد.

بصیرت در لغت عرب به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت،<sup>۱</sup> و نیز معرفت و درک و بینش و آگاهی آمده است.<sup>۲</sup> در قرآن بصیرت به معنای معرفت، بینش، آگاهی و حجت‌های روشن آمده است

---

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲. راغب، المفردات، ذیل کلمه بصر.



و به وسیله آن هدایت را از ضلالت و حق را از باطل تمیز می‌دهند.<sup>۱</sup>

بصیرت اعتقاد قلبی نسبت به دین و حقایق امور است.<sup>۲</sup>

مراد از بصائر جهت‌ها و دلایل روشن و برهان‌های محکم است که به وسیله آن مردم به حق، آگاهی و معرفت و بینش پیدا می‌کنند و به سوی معارف حقه و هدایت و رستگاری حرکت می‌کنند.

همان‌طور که برای درک تام و کامل اشیاء به وسیله چشم سر از واژه بصر استفاده می‌شود، درک تام و کامل حقایق که به وسیله قلب محقق می‌شود را بصیرت می‌نامند.<sup>۳</sup>

بصیرت حس بینایی با چشم دل و به معنی درک با قلب و معرفت است.<sup>۴</sup> بصیرت نوعی نگرش و تفکر نسبت به مسایل و مبصرات است که در نتیجه این نگرش، انسان می‌تواند به درک باطن و حقایق مبصرات رسیده و از آن‌ها پی به عبرت‌هایی ببرد که مورد نظر خالق بوده است.<sup>۵</sup>

طبق آیات قرآن به درک قلبی صحیح به نحوی که به تشخیص و تمیز صراط مستقیم از غیر مستقیم بینجامد، بصیرت گفته می‌شود. پایه و اساس

---

۱. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۳، ص ۲۲۳.

۲. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۱۱۷.

۳. فخررازی، تفسیر کبیر (مفاتیح‌الغیب)، ج ۱۳، ص ۱۰۴.

۴. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

۵. آل‌رسول و سادات نصر، بصیرت در قرآن کریم و تفاوت آن با بصر، ص ۱۰.



قرآن بر مبنای بصیرت بنا نهاده شده و مایهٔ هدایت و رحمت برای کسانی است که اهل تذکر و ایمان و یقین باشند.<sup>۱</sup>

همچنین طبق آیه «بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهَمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص/۴۳) یکی از ویژگی‌ها و صفات تورات، بصیرت‌آفرینی آن است که این بصائر آیات و دلایلی است که موجب روشنایی قلب مؤمنان می‌شد و هدایت و رحمت نیز از لوازم آن است.

بنابراین این‌که فیروزآبادی از تعبیر بصائر در عنوان کتاب استفاده نموده و مفرد آن کلمه «بصیرت» را در عنوان بحث هر سوره ذکر می‌کند، به این مطلب توجه دارد که خواننده با درک قلبی صحیح و معرفت تام و کامل، در آیات قرآن بنگرد و بیندیشد. مؤلف با تکرار این عنوان در آغاز بحث هر سوره، خواننده را با آگاهی و بینش و معرفت و درک قلبی عمیق، دعوت به مطالعه کتاب می‌کند.

در ترجمه کتاب نهایت سعی مترجمان بر این بوده که به متن اصلی کتاب وفادار باشند و معنای دقیق متن اصلی را در چارچوب ساختارهای دستوری زبان مقصد بازآفرینند و حتی‌الامکان از کم یا زیاد نمودن عبارات اجتناب شود و ترجمه‌ای روان و قابل فهم ارائه شود. همچنین کوشیده‌اند، ضمن ترجمه عین متن و رعایت ترتیب جملات در ترجمه،

---

۱. همان، ص ۲۳.



به اهداف و مفهوم متن نویسنده وفادار باشند و از اصل متن فاصله نگیرند. در ترجمهٔ اثر، هر واژهٔ فارسی برابر واژهٔ عربی قرار گرفته و اگر نیازی به آوردن کلمه‌ای یا جمله‌ای بیرون از متن باشد، در کروشه [ ] آورده شده است.

نکتهٔ دیگر اینکه افزوده‌های محقق کتاب، محمد علی النجار در پاورقی، با عنوان (سخن محقق) و توضیحات مترجمان در پاورقی‌ها با عنوان (سخن مترجم) مشخص شده است تا با عبارات مؤلف اشتباه نگردد. بسیاری از آیات نیز که در متن عربی، بیان شده و مؤلف آدرس آیات را ذکر نکرده، نام و شمارهٔ آیات مقابل آن‌ها ذکر شده است.

در پایان مترجمان امید دارند که ترجمهٔ اثر فرارو، مورد حسن قبول و استقبال خوانندگان فرهیخته و علاقمندان به علوم و معارف قرآنی قرار گیرد و با یادآوری نقیصت و لغزش‌های احتمالی در آن، بر مترجمان منت نهند و موجبات اصلاح این لغزش‌ها را در آینده فراهم سازند. إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دُعَاءَ مَنْ دَعَاهُ.

فرزین حبیب‌زاده / علی‌اصغر لک

واپسین روزهای سدهٔ چهاردهم هجری خورشیدی / کرج



## ۱- بینشی<sup>۱</sup> در سوره حمد

دانشمندان در مورد محل نزول این سوره اختلاف نموده‌اند و میان ایشان در این باره اتحاد ایجاد نشده است. گفته شده که این سوره در مکه نازل شده است که نظر صحیح نیز همین است؛ زیرا در اسلام نمازی که فاقد فاتحه‌الکتاب باشد، پذیرفته نمی‌شود. همچنین گفته شده که این سوره یک بار در مکه نازل شده است و یک بار در مدینه؛ به همین جهت چون دوبار نازل شده است، به آن سبع‌المثنائی گفته‌اند.

تعداد آیات این سوره به اجماع، هفت آیه است، جز آنکه برخی، «أنعمت علیهم» را بدون بسمله یک آیه به حساب آورده‌اند، برخی دیگر نیز عکس این نظر را داده [و معتقدند بسمله یک آیه است و صراط الذین تا پایان سوره، یک آیه به شمار می‌رود]. گروهی نادر نیز مسیر دیگری پیموده و گفته‌اند: این سوره دارای هشت آیه است. گروه نادر دیگری هم این سوره را شش آیه پنداشته و تعیین نموده‌اند.<sup>۲</sup> تعداد کلمات آن

---

۱. در متن مؤلف، واژه «بصیرت» آمده که در اینجا به «بینش» ترجمه شد. بینش به معنای نگاهی ژرف و درکی عمیق است. در حقیقت واژه بصیرت در نگاه مؤلف، به معنای داشتن فهم و درک عمیق از مفاهیم و معانی سوره‌های قرآن است. (سخن مترجم)

۲. جمهور برآنند که سوره الفاتحه هفت آیه است. کوفیان و اهل مکه «بسم الله» را یک آیه شمرده‌اند نه «أنعمت علیهم» را، بقیه عکس این را معتقدند. و حسن گفته: هشت آیه است که هر دو (بسم الله و أنعمت علیهم) را جداگانه شمرده است و برخی



بیست و پنج کلمه و حروف آن صد و بیست و سه و فاصله‌های آیات این سوره، «م» و «ن» است.

اسامی این سوره نزدیک به سی نام است که عبارت‌اند از: فاتحه، فاتحه‌الکتاب، الحمد، سوره‌الحمد، الشافیة، الشفاء، سوره‌الشفاء، الأساس، اساس القرآن، أم القرآن، أم‌الکتاب، الوافیة، الکافیة، الصلاة، سوره‌الصلاة.<sup>۱</sup> در حدیث قدسی خداوند متعال فرموده است:<sup>۲</sup> «قسّمت الصلاة بینی و

---

شش آیه دانسته‌اند که هیچ‌یک از این دو را آیه مستقل به حساب نیاورده‌اند و دیگری نه آیه شمرده است که هر یک از آن دو و «ایاک نعبد» را جدا جدا آیه دانسته است. دارقطنی به سند صحیحی از عبد خیر نقل کرده که گفت: «از علی (ع) سؤال شد که سبع مثنی چیست؟ فرمود «الحمد لله رب العالمین» عرض شد: این سوره شش آیه است؟ فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم» یک آیه است. (سیوطی، الإیتقان، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۲۲۹) (سخن مترجم)

<sup>۱</sup>. درباره وجه تسمیه سوره حمد به نام‌های مذکور ر.ک. طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۸۷. (سخن مترجم)

<sup>۲</sup>. حدیث قدسی است و قرطبی در تفسیر خود، ص ۱۰۸ [طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴] این حدیث را چنین روایت کرده است: «ما أنزل الله فی التوراة و لا فی الانجیل مثل أم القرآن و هی السبع المثنی، و هی مقسومة بینی و بین عبدی و لعبدی ما سأل» (خداوند در تورات و انجیل چیزی مانند أم القرآن (فاتحه‌الکتاب) نازل نکرده است. و آن [سوره] سبع المثنی است و میان من و بندهام تقسیم شده است و برای بندهام هر آنچه درخواست کند) و ذکر کرده که ترمذی آن را از ابی بن کعب روایت کرد. در صفحه ۱۱۱ این حدیث را ذکر کرد: «قسّمت الصلاة بینی و بین عبدی نصفین» (نماز



بین عبدی نصفین»: نماز را میان خود و بندهام، به دو نصف تقسیم نمودم. منظور از الصلاة، فاتحه‌الکتاب است. السبع‌المثنی و آن به چند دلیل است: ۱. این سوره در هر نماز دو بار خوانده و تکرار می‌شود ۲. مشتمل بر ستایش و تمجید خداوند متعال است ۳. نزول آن دو مرتبه بوده است. (تکرار نزول) سوره‌الفاتحه، سوره‌الثناء، سوره‌أم‌القرآن، سوره‌أم‌الکتاب، سوره‌الأساس، الرقیه، به جهت سخن پیامبر اکرم (ص): «و ما أدراک أنها رقیه»<sup>۱</sup>

**مقصود از نزول این سوره عبارت است از: تعلیم بندگان برای تیمن و برکت‌جستن به نام خداوند بخشنده و مهربان در آغاز کارها، یادآوری**

---

بین من و بندهام به دو نیم تقسیم شده است) و این را به حدیث پیشین ارجاع داده است و نشان می‌دهد که این در برخی از روایات حدیث وجود دارد. این حدیث در روایت مسلم نیز آمده، همانگونه که در الترغیب و الترهیب به آن اشاره شده است. (سخن محقق)

۱. تفسیر قرطبی، ج ۱، ص ۱۱۳: این حدیث از ابوسعید خدری نقل شده است که در آن پیامبر اسلام (ص) به آن مردی که رئیس قبیله را با رقیه (درمان با دعا و اوراد) معالجه نمود، فرمود: «چه چیزی تو را آگاه ساخت که آن [سوره فاتحه]، رقیه است؟» او پاسخ داد: «ای رسول خدا، چیزی بود که به عمق جان و قلب من افتاد.» این حدیث را ائمه نیز نقل کرده‌اند. (سخن محقق)

(رقیه به معنای بالابردن که در آیه ۹۳ سوره مبارک اسراء آمده است: «أَوْ يَكُونُ لَكَ يَتِّتٌ مِّنْ ذُرْفٍ أَوْ تَرْفِي فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا».) (سخن مترجم)



شکر نعمت‌های ولی نعمت و بخشنده، توکل و تکیه بندگان به خداوند در مورد روزی مقدر و معاش تقسیم‌شده، تقویت امید بنده به رحمت خداوند متعال، هشدار و آگاه‌سازی بنده به انتظار برای حساب و جزا در روز قیامت، خالص کردن عبودیت و بندگی از شرک، درخواست توفیق و مصونیت از گناه از خداوند، یاری جستن و مددجویی در انجام عبادات، درخواست پایداری و استقامت در راه بندگان خاص خدا و رغبت و اشتیاق در پیمودن راه‌های آنان، درخواست پناه و امان از غضب [الهی] و گمراهی در همه احوال و اعمال، ختم همه اینها با کلمه «آمین» است؛<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. طبق فتوای فقهای اهل سنت، پس از قرائت سوره حمد در نماز، واجب یا مستحب است که «آمین» گفته شود. اما فقیهان شیعه گفتن این واژه در نماز را حرام و موجب بطلان نماز می‌دانند. در روایات شیعه نقل شده که در نماز جماعت، پس از قرائت سوره حمد توسط امام، مستحب است ذکر «الحمد لله» گفته شود، نه کلمه آمین. در کتاب الاستبصار در باب «النهی عن قول آمین بعد الحمد» روایتی از امام صادق در این مضمون نقل شده است: «عن ابی عبدالله (ع) قال: إذا كنت خلف إمام فقرأ الحمد و فرغ من قرائتها فقل أنت الحمد رب العالمین و لاتقل آمین» (طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۳۱۸) شیخ طوسی پس از نقل این روایات بیان می‌دارد که روایتی خلاف این روایت از همین راوی نقل شده که آن را بر نوعی تقیه حمل می‌کنیم، زیرا اجماع طایفه برحق بر ترک عمل است. (همان، ص ۳۱۹) شیخ در تبیان نیز می‌نویسد: «و لایجوز عندنا ان یقول القارئ عند خاتمة الحمد: آمین فأن قال ذلک فی الصلاة معتمداً بطلت صلاته لأنه کلام لایتعلق بالصلاة و لأنه کلام لایستقل بنفسه و أما یفید إذا کان تأمیناً علی ما تقدم و متی قصد بما تقدم الدعاء لم یکن تالیاً للقرآن فتبطل صلاته...»



زیرا آمین، اجابت دعا و فرود آوردن رحمت است و آن، مَهر و خاتمهٔ رحمتی است که خداوند با آن، فاتحه و سرآغاز کتابش را مَهر کرده و به پایان رسانده است.

## ۲- بینشی در سورهٔ الم. ذلک الکتاب...

### (سورهٔ بقره)

این سوره مدنی است و اولین سوره‌ای است که پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه نازل شده است. تعداد آیات آن، به شمارش و عقیدهٔ کوفیان، ۲۸۶ آیه و به اعتقاد بصریان، ۲۸۷ آیه است. از دیدگاه اهل حجاز، ۲۸۵ آیه و به شمارش شامیان، ۲۸۴ آیه است. برترین و صحیح‌ترین گزارش‌ها و شمارش‌ها در این باره، همان شمارش کوفی است، چراکه سلسلهٔ سند آن به علی بن ابی طالب (ع) متصل است. تعداد کلمات آن،

---

(طوسی، الثبیبان، ج ۱، ص ۴۶) (نزد ما جایز نیست که نمازگزار هنگام اتمام سورهٔ حمد بگوید: آمین. اگر آن را عمداً در نماز بگوید، نمازش باطل می‌شود، زیرا آن کلامی است که متعلق به نماز نیست، و نیز کلامی است که به خودی خود مستقل نیست بلکه تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که تأمینی باشد بر آنچه پیش از آن آمده است (یعنی دعایی که پیش از آن آمده) و هرگاه آنچه پیش از آن (آمین) آمده (سورهٔ حمد) را به قصد دعا بخواند دیگر تلاوت‌کنندهٔ قرآن نیست و نمازش باطل می‌شود.) (سخن مترجم)



۶۱۲۱ کلمه و حروف آن، ۲۵۵۰۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، دوازده آیه است: «الم» (بقره/۱)، «عذابِ أليم» (بقره/۱۰)، «مصلحون» (بقره/۱۱)، «خائفین» (بقره/۱۱۴)، «قولاً معروفاً» (بقره/۲۳۵)، «ماذا ينفقون» (بقره/۲۱۹)، «تتفكرون» (بقره/۲۱۹)، «خلاق» (بقره/۲۰۰)، «يا أولی الألباب» (بقره/۱۹۷)، «الحیّ القيوم» (بقره/۲۵۵)، «من الظلمات إلى النور» (بقره/۲۵۷)، «و لا شهید» (بقره/۲۸۲)

مجموع فاصله‌های آیات آن، حروف «ق»، «م»، «ل»، «ن»، «د»، «ب»، «ر» است و آن را در عبارت «قم لندبر» جمع می‌کنند. تنها یک آیه به فاصله لام: «فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (بقره/۱۰۸) و یک آیه به فاصله قاف: «وَمَا لَهُ فِي الْأَخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ...» که آخر آیه دویست است.

این سوره دارای چهار نام است:<sup>۱</sup>

**اول:** «بقره»، به جهت اینکه شامل داستان گاو بنی اسرائیل است. در بعضی روایات از پیامبر (ص) نقل شده است: «السورة التي تذكّر فيها البقره»: یعنی آن سوره که قصه بقره در آن ذکر می‌شود.

---

<sup>۱</sup>. یکی دیگر از نام‌های این سوره مبارک، «فسطاط القرآن» (خیمه قرآن) است که منابع دیگر از آن یاد کرده‌اند، اما فیروزآبادی در اینجا آن را ذکر نکرده است. (سخن مترجم)



**دوم:** «سورة الكرسی»، به دلیل دربرداشتن آیت الکرسی که از باعظمت-ترین آیات قرآن است.

**سوم:** «سنام القرآن» (کوهان قرآن)، به جهت سخن پیامبر (ص) که فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا وَ سَنَامُ الْقُرْآنِ سُورَةُ الْبَقْرَةِ»<sup>۱</sup>: برای هر چیزی اوج و نقطه بلندی است و اوج قرآن، سورة بقره است.

**چهارم:** «الزّهراء»، طبق فرمایش پیامبر (ص): «اقرأوا الزهراوین البقره و آل عمران»<sup>۲</sup>: دو سورة نورانی و درخشنده بقره و آل عمران را تلاوت کنید.<sup>۳</sup>

**مقصود از این سوره به اجمال عبارت است از:** مدح و ستایش مؤمنان اهل کتاب، نکوهش و مذمت کافران مکه و منافقان مدینه، ردّ و پاسخ به منکران نبوت، داستان آفرینش و آموزش و تلقین آدم، سرزنش علمای

---

<sup>۱</sup>. این حدیث را ابن حبان و دیگر محدثان روایت کرده‌اند، همان‌گونه که در کتاب الإیتقان فی علوم القرآن جلال‌الدین سیوطی در نوع ۷۲ ذکر شده است. (سخن محقق)

<sup>۲</sup>. این سخن در ضمن حدیثی وارد شده که احمد بن حنبل آن را روایت کرده است، همان‌طور که در الإیتقان در همان نوع پیشین ذکر شده است. (سخن محقق)

<sup>۳</sup>. زهراء به معنای درخشان و پرفروغ است و چون سورة بقره و آل عمران از لحاظ احتواء بر اسماء و احکام الهی، درخشان و تابناک است، از آن جهت به «زهراوان» (تشبیه زهراء) نامبردار شدند. (ر.ک. حجّتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ص ۱۰۵) (سخن مترجم)



یهود در مواضع متعدد، داستان موسی و طلب باران او، وعده او با پروردگارش و منت او بر بنی اسرائیل و شکایتش از آن‌ها، داستان گاو، داستان سلیمان و هاروت و ماروت<sup>۱</sup> و ساحران، ردّ و پاسخ بر مسیحیان، آزمایش و امتحان ابراهیم (ع)، ساختن کعبه و وصیت یعقوب به فرزندان، تغییر قبله و بیان صبر بر مصیبت و پاداش آن، وجوب سعی بین صفا و مروه<sup>۲</sup>، بیان دلیل یگانگی خداوند، طلب حلال و مباح بودن

---

۱. در مورد ماهیت و شخصیت هاروت و ماروت اقوال مختلفی است از جمله اینکه آن دو فرشته یا دو پادشاه سرزمین بابل و یا دو موجود شیطان صفت بودند. بر اساس آیه ۱۰۲ سوره مبارک بقره و روایات صریح، هاروت و ماروت دو فرشته الهی بودند که خداوند آن‌ها را به صورت انسان در میان جامعه به شهر بابل فرستاد و به این دو فرشته سحر آموخت، تا هم راه ابطال سحر را به مردم آموزش دهند و هم نشان دهند که میان سحر و معجزه فرق است، چراکه در عصر سحر و ساحران، معجزه در ذهن مردم همپای سحر قرار گرفته بود. (بیرجندی، هاروت و ماروت در قرآن، ص ۳۴۴-۳۵۷)

۲. صفا و مروه نام دو کوه در ضلع شرقی مسجدالحرام است. فاصله میان این دو کوه محل انجام یکی از مناسک حج و عمره به نام سعی صفا و مروه است. صفا و مروه جزو علائم عبادی است و در قرآن کریم از این دو کوه و سعی میان آن دو یاد شده و این دو کوه از شعائر الهی شمرده شده‌اند: «أَنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» (بقره/۱۵۸) اعراب جاهلی روی دو کوه صفا و مروه بت‌هایی نصب کرده بودند. از این رو برخی مسلمانان صدر اسلام به گمان اینکه سعی بین آن دو بت ناروا است، از سعی بین صفا و مروه پرهیز می‌کردند. خدای سبحان در رفع این توهم و تحاشی فرمود: صفا و مروه از شعائر



مردار در زمان ضرورت، حکم قصاص، امر به روزه رمضان، امر به دوری از حرام، امر به جنگ با کافران، امر به حج و عمره، برشمردن نعمت‌ها بر بنی‌اسرائیل، حکم جنگ در ماه‌های حرام،<sup>۱</sup> سؤال از شراب و قمار و

---

الهی است و وجود آن دو بت (اساف) (اثاف) و نائله) نباید مانع سعی پنداشته شود. (جوادی آملی، جرعه‌ای از صهبای حج، ص ۱۹۹ و ۱۴۶) درباره‌ی اسرار سعی و راز تسمیه‌ی آن به صفا و مروه ر.ک. همان، ص ۱۹۹، ۱۴۵ و ۱۴۶. (سخن مترجم)

۱. طبق آیه ۲۱۷ سوره مبارک بقره، جنگ در ماه‌های حرام، گناهی بزرگ است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ» اما اگر جنگ به اجبار بر مسلمانان تحمیل شود و آن‌ها آغازکننده جنگ نباشند، ناگزیر برای دفاع از خود و دین وارد جنگ می‌شوند. ماه‌های حرام عبارت‌اند از: ذیقعد، ذیحجه، محرّم، رجب. حرمت جنگ در ماه‌های حرام میان اعراب جاهلی نیز مرسوم بود، اما گاهی بنا به دلایلی، حرمت یکی از این ماه‌ها را برمی‌داشتند و آن را به تأخیر می‌انداختند و ماه دیگری را حرام اعلام می‌کردند تا بتوانند در آن ماه حرام جنگ کنند. این عمل در قرآن کریم، «نَسِءٌ» نامیده شده و گناه بزرگ و موجب زیادت در کفر به شمار می‌رود: «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَاماً وَ يُحَرِّمُونَهُ عَاماً...» (سخن مترجم)



مال یتیمان، حیض،<sup>۱</sup> طلاق، ازدواج‌ها، ذکر عِدّه،<sup>۲</sup> محافظت بر نمازها، ذکر صدقات و انفاق‌ها، پادشاهی طالوت<sup>۳</sup> و قتل جالوت، مناظره و گفتگوی خلیل (ع) و نمرود، زنده کردن مردگان به دعای ابراهیم (ع)، حکم اخلاص و نیت خالص در انفاق، تحریم ربا و بیان (زنان زانیه)،<sup>۴</sup> اختصاص دادن شب معراج به ایمان توسط رسول (ص)<sup>۵</sup> آنجا که فرمود:

---

۱. حیض خون ماهیانه زنان که اغلب سیاه‌رنگ و غلیظ است، توأم با حرارت و سوزش. از سه روز کمتر نیست و از ده روز بیشتر نیست. (فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۳۲۳) در قرآن کریم در آیه ۲۲۲ سوره مبارک بقره، از حکم حیض و زنان حایض یاد شده است. (سخن مترجم)

۲. عِدّه مدتی است که زن انتظار می‌کشد تا پاکی رحم خود را از آبستنی، احراز کند و یقین به عدم، برای او حاصل گردد. عِدّه اقسامی دارد: عِدّه وفات که چهار ماه و ده روز است، عِدّه آبستن که وضع حمل است، عِدّه طلاق که در زن مدخوله، سه طهر است، عِدّه متعه که دو حیض است، عِدّه وفات در متعه که چهار ماه و ده روز است. (فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۳۴۹ و ۳۵۰) (سخت مترجم)

۳. درباره داستان طالوت ر.ک. بلاغی، قصص قرآن، ص ۱۶۵-۱۷۷.

۴. به اعتقاد محقق کتاب، کلمه (زنی=الزانیات) در این موضع جایی ندارد و گویا تحریفی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد، «المداینات» باشد که اشاره دارد به آیه دین: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ...» (بقره/۲۸۲) (سخن محقق)

۵. در کتاب تنویرالمقیاس من تفسیر ابن عباس آمده است: هنگامی که آیه قبلی نازل شد که در آن آمده است: «وَإِنْ تُبْذُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُا يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ» (بقره/۲۸۴) این امر بر مؤمنان سخت و دشوار آمد. پس هنگامی که پیامبر (ص) به



«ءَامَنَ الرَّسُولُ» (بقره/۲۸۵) تا پایان سوره. این‌ها مقاصد اصلی این سوره کریمه است.

### ۳- بینشی در الم. الله

#### (سوره آل عمران)

یکی از نام‌های این سوره، آل عمران است و همان سوره که در آن داستان آل عمران بیان شده است. نام دیگر این سوره نیز، الزهراء است. عمران مذکور در این سوره، عمران پدر موسی و هارون (ع) است که پسر یصهر بن فاهث بن لاوی بن یعقوب است. اما عمران پدر مریم (س)، پسر ماتان بن أسعراء بن اُبی‌ثور است.

این سوره به اتفاق تمامی مفسران، مدنی است و همچنین هر سوره‌ای که مشتمل بر ذکر اهل کتاب است مدنی به شمار می‌رود. تعداد آیات آن به اجماع قاریان، ۲۰۰ آیه است. دارای ۳۴۸۰ کلمه و ۱۴۵۲۵ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، هفت آیه است: «الم» (آل- عمران/۱)، «الإنجیل» دوم، (بقره/۴۸)، «أنزل الفرقان» (آل عمران/۴)، «و

---

آسمان عروج کردند، برای پروردگارشان سجده کردند. خداوند متعال در مقام مدح و ثنای پیامبرش فرمود: «ءَامَنَ الرَّسُولُ» (بقره/۲۸۵) (سخن محقق)



رسولاً إلى بني إسرائيل» (آل عمران/٤٩)، «مما تحبون» (آل عمران/٩٢)،  
«مقام إبراهيم» (آل عمران/٩٧) و انجيل اول در سخن برخی علما.

مجموع فاصله‌های آیات این سوره، «ل»، «ق»، «د»، «ا»، «ط»، «ن»، «ب»،  
«م»، «ر» است که آن را در عبارت «لقد أظنُّ مرَّ» جمع می‌کنند. حرف  
قاف، آخر یک آیه است: «ذوقوا عذاب الحريق» (آل عمران/١٨١)، همزه،  
آخر سه آیه آمده است: «لا يخفى عليه شيء في الأرض و لا في السماء»  
(آل عمران/٥) «إنك سميع الدعاء» (آل عمران/٣٨) و «كذلك الله يفعل ما  
يشاء» (آل عمران/٤٠)

**مضمون و محتوای این سوره عبارت است از:** مناظره هیئت نجران<sup>۱</sup> تا  
حدود هشتاد آیه از ابتدای آن، بیان [آیات] محکم و متشابه، نکوهش  
کافران، مذمت دنیا و شرافت آخرت، مدح و ستایش صحابه، شهادت به  
یگانگی خداوند، ردّ بر اهل کتاب، داستان ولادت مریم، داستان کفالت  
و سرپرستی زکریا و دعای او، یادکردن از ولادت عیسی و معجزاتش،

---

<sup>۱</sup>. نجران: شهری در یمن از ناحیه مکه. (سخن محقق)



قصهٔ حواریون،<sup>۱</sup> واقعهٔ مباحله<sup>۲</sup> و احتجاج و استدلال بر مسیحیان، سپس چهل آیه در ذکر مرتدین و کسانی که از اسلام برگشتند، سپس ذکر خیانت علمای یهود، ذکر کعبه و وجوب حج، برگزیدن این امت به عنوان برترین امت، نهی از دوستی و هم‌پیمانی با کافران و اهل کتاب و مخالفان ملت اسلامی. سپس پنجاه و پنج آیه در داستان جنگ اُحُد<sup>۳</sup> [از

---

۱. حواریون جمع حواری است که در قرآن کریم پنج مرتبه در مورد یاران عیسی (ع) به کار رفته است و هنگامی که عیسی (ع) در میان بین‌اسرائیل افرادی را طلبید که یاران او در راه خدا باشند، حواریون دعوت او را اجابت کردند. (سخن مترجم)

۲. از «بعله» به معنای لعنت گرفته شده و در سخن خداوند ذکر شده است: «ثُمَّ تَبْتِهَلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱) (سخن محقق)

واقعهٔ مباحله پیامبر با مسیحیان نجران از رویدادهای مشهور صدر اسلام است که از دو جهت حائز اهمیت فراوان است: یکی اینکه نشانهٔ حقانیت دعوت پیامبر (ص) است و دیگر اینکه فضیلت پیامبر و همراهان او در مباحله، یعنی امام علی (ع)، حضرت فاطمه (ص) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را نشان می‌دهد. از این واقعه در آیهٔ ۶۱ سورهٔ مبارک آل عمران یاد شده و منابع تفسیری و تاریخی اهل سنت و شیعه، آن را نقل کرده‌اند. (سخن مترجم)

۳. جنگ اُحُد از مشهورترین جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) با مشرکان مکه است که در سال سوم هجری در نزدیکی کوه احد در جنوب غرب عربستان. به وقوع پیوست. در این جنگ پس از شکست مشرکان از مسلمانان در جنگ بدر رخ داد. با این توضیح که مشرکان به خونخواهی کشتگان جنگ بدر، به فرماندهی ابوسفیان با مسلمانان به جنگ پرداختند. نخست مسلمانان در این جنگ پیروز شدند. اما گروهی از تیراندازان به گمان پیروزی کامل مسلمانان، کوه را ترک نموده و مشرکان با عبور از همین منطقه



آیه [۱۲۱]، دربارهٔ خالص و پاک گرداندن مؤمنان،<sup>۱</sup> شکایت از اهل مرکز،<sup>۲</sup> عذرخواهی شکست‌خوردگان، منع از فرو رفتن و ورود به باطل منافقان، بیان و تصدیق داستان شهدا و تفصیل جنگ بدر صغری،<sup>۳</sup> سپس

---

به مسلمانان حمله کردند و آنان را شکست دادند. مسلمانان در این جنگ متحمل خسارات سنگینی شدند؛ از جمله شهادت هفتاد تن از مسلمانان و شهادت حمزه عموی پیامبر و مثله‌شدن وی، جراحی بر صورت پیامبر (ص) و شکستن دندان حضرت. (سخن مترجم)

۱. در متن فیروزآبادی کلمه «التخصیص» آمده است اما محقق کتاب در این باره بیان می‌دارد: «به نظر می‌رسد که این کلمه تحریف‌شده از «التمحیص» است و اشاره به این فرموده خداوند متعال دارد: «وَلْيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيُمَحِّقَ الْكَافِرِينَ» (آل-عمران/۱۴۱) (سخن محقق)

۲. مرکز مکانی است که به سربازان دستور داده می‌شود در آنجا بمانند. و اهل مرکز تیراندازی هستند که پیامبر (ص) به آن‌ها دستور داد در کنار احد در جای خود بمانند. (سخن محقق)

۳. پس از پایان غزوه احد، مسلمانان و قریش توافق نمودند که در سال آینده در بدر با هم ملاقات کنند. زمانی که موعد مقرر فرارسید، قریش دچار ترس شد و کسانی را به سوی مسلمانان فرستاد تا آنان را از رفتن به بدر منصرف سازند. اما این تلاش کارساز نیفتاد و مسلمانان و رسول خدا (ص) به سمت بدر حرکت کردند، اما دشمنی را نیافتند. این واقعه «بدرالصغری» (بدر کوچک) نام گرفت.

اما «بدرالکبری» (بدر بزرگ) که رویدادی پیش از غزوه احد بود، پیروزی قاطع و بزرگی برای مسلمانان به همراه داشت. در خصوص بدرالصغری، این آیه شریفه نازل



بازگشت به ذکر منافقان) در بیست و پنج آیه. طعنه زدن بر علمای یهود و شکایت از آن‌ها به دلیل پیمان‌شکنی و عدم بیان اوصاف رسول خدا (ص) که در تورات ذکر شده است، سپس دعا‌های صحابه [پیامبر] و جدیت و تلاش آن‌ها در حضور در غزوات و بهره‌مندی و غنیمت‌شمردن درجه شهادت توسط آن‌ها، و به پایان رساندن سوره با آیات صبر، پایداری، مرابطه و استقامت.

#### ۴- بینشی در یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ...

(سوره نساء)

این سوره طبق اجماع قاریان، مدنی است. تعداد آیات آن طبق شمارش کوفیان، ۱۷۵ آیه و طبق شمارش بصریان و شامیان، به ترتیب دارای ۱۷۶ و ۱۷۷ آیه است. دارای ۳۷۴۵ کلمه و ۱۶۰۳۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره عبارت‌اند از: «أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ» (نساء/۴۴) و «عَذَاباً أَلِيماً» (نساء/۱۷۳)

مجموع فاصله‌های آیات آن، «م»، «ل»، «ا»، «ن» است که آن را در عبارت «مِلْنَا» جمع می‌کنند. یک آیه دارای فاصله لام: (نساء/۴۴) و یک آیه نیز

---

گردید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/۱۷۳) و آیات بعد از آن. (سخن محقق)



فاصله نون دارد (نساء/۱۴) فاصله پنج آیه از این سوره هم حرف میم مضموم است (نساء/۱۲، ۱۳، ۲۵، ۲۶، ۱۷۶) سایر آیات سوره نیز بر فاصله الف استوار است. نام این سوره، «سوره النساء الكبرى» و نام سوره طلاق، «سوره النساء الصغرى» است.

**آنچه این سوره به طور اجمالی دربردارد عبارت است از:** بیان آفرینش و خلقت آدم و حوا، دستور به صله رَحِم، نهی از خوردن مال یتیم و آنچه از بزرگی گناه و عذاب الهی برای خوردندگان آن در پی دارد، بیان ازدواج‌ها، تعداد زنان، حکم صدق<sup>۱</sup> (مهریه)، حفظ مال از سفیهان و کم‌خردان، آزمودن یتیم پیش از پرداخت و برگرداندن مال به او، مهربانی و مدارا با خویشاوندان در هنگام تقسیم ارث، حکم ارث صاحبان فرض<sup>۲</sup>، ذکر محارم، بیان توانایی ازدواج با زن آزاده مؤمن، جواز ازدواج

---

<sup>۱</sup>. صدق همان کابین و مهر زن است که طبق قرآن، واجب مالی بر عهده شوهر در هنگام عقد است و بنابر آموزه‌های اسلامی، یکی از شرایط صحت عقد است. (سخن مترجم)

<sup>۲</sup>. قوانین و احکام مربوط به ارث بردن صاحبان فروض معین در فقه اسلامی. جرجانی می‌نویسد: «الفرایض دانشی است که توسط آن کیفیت تقسیم آنچه از میت به جای مانده را در میان مستحقان ارث می‌شناسند.» (جرجانی، التعریفات، ص ۱۲۴) «اصحاب فرایض عبارت از ورثه‌ای هستند که برای آنان در قرآن یا سنت یا اجماع سهام معینی فرض شده است.» (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل اصحاب فرایض) این افراد شامل پدر، مادر، همسر، دختر، خواهر و غیره می‌شوند. (سخن مترجم)



با کنیز، دوری از گناهان کبیره، برتری مردان بر زنان، بیان حقوق، حکم مستی در وقت نماز، آیه تیمم، سرزنش و مذمت یهود، تحریف آن‌ها از تورات، برگرداندن امانت‌ها به صاحبانشان، خصوصیت منافقان در خودداری و سرپیچی آن‌ها از پذیرش دستورات قرآن، دستور به جنگ، و جواب پاسخ‌دادن به سلام، نهی از دوستی و هم‌پیمانی با مشرکان، تفصیل و بیان جزئیات قتل عمد و خطا، فضیلت و برتری هجرت و گناه کسانی که از آن تأخیر نموده و بازماندند، اشاره به نماز خوف در حال جنگ، نهی از حمایت خائنان، برقراری صلح و آشتی بین زن و شوهر و همسران، برپایی شهادت‌ها، مدح و ستایش عدالت، مذمت منافقان، سرزنش و نکوهش یهود و یادکردن از قصد و نیت آن‌ها برای قتل عیسی (ع)، فضیلت راسخان در علم، آشکار کردن فساد اعتقادات مسیحیان، افتخار ملائکه و مسیح به مقام بندگی و عبودیت، ذکر [حکم] ارث کلاله<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> کلاله یعنی وارثانی که خواهر و برادر (پدری یا مادری) میت هستند. صاحب التبیان در معنی کلاله می‌نویسد: «وعندنا أن الكلاله هم الاخوة والاخوات، فمن ذکر فی هذه الآية هو من كان من قبل الام، ومن ذکر فی آخر السورة فهو من قبل الاب والام، أو من قبل الاب» (طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۱۳۵) (نزد ما، کلاله همان برادران و خواهران (مادری و پدری) هستند. پس هر کس در این آیه ذکر شده، از طرف مادر است و هر کس در آخر سوره ذکر شده، از طرف پدر و مادر، یا از طرف پدر است) به اعتقاد علامه مغنیه در الکاشف، کلاله یعنی میتی که وارثان او برادران و خواهرانش باشند.



[نساء/۱۲ و ۱۷۶]، اشاره به اینکه هدف و غرض از بیان احکام، حفظ و صیانت خلق از گمراهی است، در این فرموده خداوند: «يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْاَنْ تَضِلُّوا» (نساء/۱۷۶) یعنی [خداوند] از اینکه گمراه شوید کراهت دارد.

## ۵- بینشی در یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...

### (سورة مائده)

بدان که این سوره به اجماع، مدنی است جز این یک آیه: «اليوم اكملت لكم دينكم...» (مائده/۳) که در روز عرفه و در موقف<sup>۱</sup> نازل شده است و رسول خدا (ص) بر ناقه خود غُضِّبَاء، سوار بودند و شتر از سنگینی وحی و شرافت آیه بر زانوهایش افتاد.

---

به تعبیر دیگر، میّتی که ورثه نزدیک مانند پدر، مادر و اولاد نداشته باشد. (مغنیه، کاشف، ج ۲، ص ۲۶۸) (سخن مترجم)

۱. محل توقف حاجیان در عرفات. یکی از سیزده اعمال واجب در حج تمتع، وقوف در عرفات است. اولین مرحله از مناسک حج تمتع بعد از احرام آن، وقوف در سرزمین عرفات در نیمه دوم روز عرفه، یعنی نهم ذیحجه است. (جوادی آملی، جرعه‌ای از صهبای حج، ص ۲۰۳) وقوف در مشعرالحرام نیز، همچون وقوف در عرفات از ارکان حج است. (سخن مترجم)



تعداد آیات این سوره در شمارش کوفیان، ۱۲۰ آیه، در شمارش اهل-حجاز و شام، ۱۲۲ آیه و نزد بصریان، ۱۲۳ آیه است. دارای ۲۸۰۴ کلمه و ۱۱۹۳۳ حرف است. سه آیه در این سوره مورد اختلاف است: «العقود» (مائده/۱)، «و یعفوا عن کثیر» (مائده/۱۵)، «فإنکم غالبون» (مائده/۲۳)

فواصل آیات آن، حروف «ل»، «م»، «ن»، «د»، «ب»، «ر» است که آن را در عبارت «لم ندبر» جمع می‌کنند. حرف لام کلاً در فاصله سه آیه است که همه، کلمه «سبیل» است (مائده/۱۲، ۶۰، ۷۷)

**این سوره دو نام دارد:** سوره «مائده» و سوره «الأخبار» (روحانیون یهودی) اولی به دلیل دربرگرفتن داستان نازل شدن مائده (سفره طعام) از آسمان و دومی به جهت اشاره به نام آن‌ها در این سوره در آیاتی مانند: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ...» (مائده/۴۴) و «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده/۶۳)

**همه مقاصد مشتمل بر این سوره عبارت است از:** دستور به وفای به عهدها، بیان آنچه خداوند متعال از حیوانات حلال کرده، ذکر تحریم حرام‌ها، بیان کامل شدن دین، ذکر شکار و حیوانات شکاری، حلال بودن طعام اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آن‌ها، تفصیل و جزئیات غسل و طهارت و نماز و حکم شهادت‌ها و بینه‌ها، خیانت اهل کتاب به



قرآن و کسی که بر او نازل شده، ذکر منکرات از گفته‌های مسیحیان، داستان بنی‌اسرائیل با عمالقه<sup>۱</sup> و حبس کردن خداوند متعال آن‌ها را در بیابان به دعای بلعام<sup>۲</sup>، داستان قتل هابیل توسط برادرش قابیل، حکم راهزنان و حکم دزدی و حد دزدان، نکوهش اهل کتاب و بیان نفاق و جاسوسی آن‌ها و بیان حکم و داوری میان آن‌ها، بیان قصاص در جراحات و آسیب‌های وارده به بدن و غیر آن، نهی از دوستی و هم‌پیمانی با یهود و نصاری، پاسخ و رد بر اهل ارتداد و از دین برگشتگان، فضیلت

---

۱. عمالیق یا عمالقه جمع عملیق، قومی از عرب باندۀ که در شمال حجاز سکونت داشتند و از فرزندان عملیق بن لاود بن ارم بن سام بن نوح و امتی با قامتی بلند و تنومند بودند. عمالقه در عهد فراعنه مصر را گشودند و در آن کشور فرمانروایی می‌کردند. دولت عمالیق در مصر از سال ۲۲۱۳ قبل از میلاد شروع شده و تا سال ۱۷۰۳ قبل از میلاد ادامه داشته است. پس از آن مردم مصر بر ایشان شوریدند و از پادشاهی، خلع و از مصر بیرون راندند عمالیق پس از اخراج از مصر در جزیره العرب متفرق شدند و در یمن و حجاز و سایر نقاط جزیره حکومت‌هایی تشکیل دادند. (بلاغی، قصص قرآنف ص ۳۸۷ و ر.ک. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل عمالقه)

۲. بلعام بن باعورا شخصی مستجاب‌الدعوه در زمان موسی (ع) بود. در تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۳۱۹ آمده است: روایت شده که بلعام بن باعورا به شهر جباران و ستمگران وارد نشود و دعایش مستجاب شد و بنی‌اسرائیل در صحرای سرگردانی (تبه) باقی ماندند. با این داستان تفسیر شده است کسی که از دین بیرون رفت در فرموده خداوند: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (اعراف/۱۷۵) (سخن محقق)



جهاد، اثبات ولایت خدا و رسولش برای مؤمنان، نکوهش یهود به سبب زشتی‌های گفتارشان، نکوهش مسیحیان به دلیل اعتقاد فاسدشان، بیان کمال دشمنی دو گروه با مسلمانان، ستایش اهل کتابی که از حبشه بازگشتند، حکم قَسَم و کَفَّارَه آن، تحریم شراب و تحریم شکار بر مُحرَم، نهی از پرسش‌های فاسد و باطل، حکم شهادت‌های اهل کتاب، پایان‌دادن اختلافات و خصومت‌ها، محاوره و گفتگوی امت‌ها با پیامبرانشان در قیامت، ذکر معجزات عیسی و نزول مائده [سفره آسمانی] و سؤال‌کردن حق تعالی از عیسی در قیامت به عنوان توبیخی برای مسیحیان، بیان سودمندی صداقت در روز قیامت برای راستگویان.

## ۶- بینشی در الحمد لله الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...

### (سورة انعام)

این سوره مکی است، به جز شش آیه آن که از این قرار است: «و ماقدروا الله حق قدره» تا آخر سه آیه (انعام/ ۹۱، ۹۲، ۹۳)، «قل تعالوا اتل ما حرم ربکم» تا آخر سه آیه (انعام/ ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳) این شش آیه، دوبار در مدینه نازل شده‌اند و باقی سوره، به یک باره در مکه نازل شده است. تعداد آیات آن نزد کوفیان، ۱۶۵ آیه است و به ترتیب نزد اهل بصره و شام، ۱۶۶ آیه و نزد اهل حجاز، ۱۶۷ آیه را دربردارد. تعداد کلمات آن،



۳۰۵۲ کلمه و حروف آن، ۱۲۲۴۰ حرف است. چهار آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الظُّلُمَاتِ وَ النُّورِ» (انعام/۱)، «بُوكَيْلٍ» (انعام/۶۶)، «كُنْ فَيَكُونُ» (انعام/۷۳)، «الِي صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ» (انعام/۱۶۱) فاصله‌های آیات آن، «ل»، «م»، «ن»، «ظ»، «ر» است که آن را در عبارت «لَمْ نَظُرْ» جمع می‌کنند.

### این سوره دو نام دارد:

اول سوره «انعام»؛ زیرا در آن مکرر از چهارپایان نام برده است: «وَقَالُوا هَذِهِ اَنْعَامٌ وَّحَرْتٌ» (انعام/) «وَمِنَ الْاَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَّفَرَشَاتٌ» (انعام/۱۴۲)

دوم سوره «حجّه»؛ زیرا منحصر به ذکر حجت نبوت است و همچنین حجّه در آن تکرار شده است: «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا اِبْرَاهِيمَ عَلٰى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاْءِ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ» (انعام/۸۳) «قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ اَجْمَعِيْنَ» (انعام/۱۴۹)

مقصود از این سوره به طریق اجمال مشتمل است بر: آفرینش آسمان‌ها و زمین، تعیین و اندزه‌گیری نور و تاریکی، سررسیدن اجل (زمان و مهلت) مخلوقات، پاسخ به منکران نبوت، یادآوری انکار کافران در قیامت و آرزوی آن‌ها به بازگشت به دنیا، ذکر تسلی و دل‌داری دادن به پیامبر (ص) در برابر تکذیب تکذیب‌کنندگان، الزام حجت و دلیل قاطع بر کافران، نهی از آزار رساندن به فقرا، عجله‌کردن کافران در درخواست



عذاب، اختصاص علم غیب به خداوند متعال و قهر و غلبه او بر مخلوقات، نهی از همنشینی و مجالست با ناقضان [عهد و پیمان] و انس گرفتن با آنها، اثبات برانگیخته شدن و قیامت، ولادت خلیل، حضرت ابراهیم (ع) و ارائه ملکوت به او و استدلال او هنگام خروجش از غار و افتادن نگاه او به ستارگان، خورشید و ماه و مناظره با قومش، شکایت از اهل کتاب و یادآوری حالت نزع و جان دادن آنها در قیامت، نشان دادن و اثبات برهان توحید با بیان پدیده‌ها و شگفتی‌ها [خلقت]، امر به روی گردانی از مشرکین، نهی از دشنام دادن به بت‌ها و پرستندگان آنها، زیاده‌روی کافران در طغیان و سرکشی، نهی از خوردن ذبایح و قربانی‌های کافران، مناظره و گفت‌وگو با کافران در قیامت، بیان شریعت عمرو بن لُحی<sup>۱</sup> در مورد حلال و حرام کردن حیوانات، تفصیل و جزئیات محرّمات شریعت اسلامی و آیات محکم قرآن و اوامر و نواهی از این فرموده خداوند: «قُلْ تَعَالَوْا» (انعام/۱۵۱) تا آخر سه آیه، ظهور و پدیدار شدن نشانه‌ها و علائم قیامت در آخرالزمان، ذکر پاداش یک احسان به ده برابر، سپاسگزاری از پیامبر (ص) برای پاک ساختن [جامعه] از شرک و مشرکان و بازگشت او به سوی حق در زندگی و مرگش، یادآوری خلافت و جانشینی مخلوقات و تفاوت درجات آنها، و ختم

---

<sup>۱</sup> او فردی جاهلی از قبیله خزاعه بود و گفته می‌شود که نخستین کسی بود که دین اسماعیل را تغییر داد، پس بت‌ها را برپا کرد و بحیره را رها ساخت و سائبه را آزاد نمود و با دام‌ها کارهایی کرد که قرآن آن را انکار کرد و ناپسند شمرد. (سخن محقق)



سوره با یادآوری سرعت عقوبت خداوند برای مستحقان آن و رحمت و مغفرت او برای مستوجبان و کسانی که سزاوار آن هستند، با این فرموده: «إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام/۱۶۵)

## ۷- بینشی در المص.

### (سوره اعراف)

این سوره به اجماع در مکه نازل شده است و تعداد آیات آن در شمارش قاریان کوفه و حجاز، ۲۰۶ آیه و در شمارش اهل شام و بصره، ۲۰۵ آیه است. دارای ۳۳۲۵ کلمه و ۱۴۳۱۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، پنج آیه است: «المص» (اعراف/۱)، «بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف/۲۹)، «مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ» (اعراف/۲۹)، «ضِعْفًا مِنَ النَّارِ» (اعراف/۳۸)، «عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (اعراف/۱۳۷)

مجموع فواصل این سوره «م»، «ن»، «د»، «ل» است. تنها یک آیه به فاصله دال: «المص» (اعراف/۱) و یک آیه به فاصله لام که پایان آن، اسرائیل است: «حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتَكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (اعراف/۱۰۵)

این سوره سه نام دارد:



اول سوره «اعراف»؛ به جهت اشتغال آن بر نام اعراف در آیه «وَ نَادَىٰ اَصْحَابُ الْاَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُوْنَهُمْ بِسِيْمَاهُمْ قَالُوْا مَا اُعْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ» (اعراف/۴۸) و آن (اعراف) دیواری میان بهشت و جهنم است.

دوم سوره «میقات»؛ به دلیل دربرگرفتن بر نام میقات موسی در آیه مبارک: «وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِیْقَاتِنَا وَ کَلِمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ اُرْنِیْ اَنْظُرْ اِلَیْکَ قَالَ لَنْ تَرَانِیْ...» (اعراف/۱۴۳)

سوم سوره «میثاق»، به جهت اشتغال آن بر حدیث میثاق در آیه: «وَ اِذْ اَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ اَشْهَدَهُمْ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ اَسْتَبْرَیْکُمْ قَالُوْا بَلٰی شَهِدْنَا اَنْ تَقُوْلُوْا یَوْمَ الْقِیَامَةِ اِنَّا کُنَّا عَنْ هٰذَا غٰفِلِیْنَ» (اعراف/۱۷۲) و مشهورترین آن‌ها، همان اعراف است.

**مقصود از این سوره اجمالاً از این قرار است:** دلداری و تسلی دادن به پیامبر (ص) در برابر تکذیب کافران پیامبر را، یادآوری سنجش اعمال در روز قیامت، یادآوری آفرینش آدم و امتناع و سر باز زدن ابلیس از سجده بر آدم و وسوسه کردن او به آن دو برای خوردن از درخت [ممنوعه] و هشدار به فرزندان آدم از پذیرش وسوسه‌های ابلیس، دستور به زینت و آراستگی و پوشاندن عورت در هنگام نماز، پاسخ به تکذیب‌کنندگان [حق]، حرام کردن زشتی‌ها و گناهان، چه آشکار و چه پنهان، بیان خواری و ذلت کافران در آتش (جهنم) و مشاجره و گفتگوی



آن‌ها با یکدیگر و ناامیدی‌شان از ورود به بهشت، یادآوری ندادهنده میان بهشت و دوزخ، ندای اهل اعراف به هر دو گروه [بهشتیان و دوزخیان] و آرزوی آن‌ها برای بازگشت به دنیا، حجت توحید و دلیل بر یگانگی، برهان و اثبات بر ذات خداوند متعال و صفات او، داستان نوح و طوفان و یادآوری هود و هلاکت قوم عاد و داستان صالح و قهر و غلبه الهی بر قوم ثمود، خبر لوط و قومش و خبر شُعَیب و اهل مَدَین،<sup>۱</sup> ترساندن کسانی که خود را از مکر الهی در امان می‌دانند، شرح تفصیلی احوال موسی (و فرعون و جادوگران و استغاثه و کمک خواستن بنی‌اسرائیل، یادآوری نشانه‌های روشن و آشکار و داستان جانشینی هارون و وعده‌گاه میقات موسی)، داستان گوساله سامری در غیاب موسی و بازگشت موسی به سوی قومش و خطاب او به برادرش هارون، یادآوری پیامبر

---

<sup>۱</sup> مَدَین نام منطقه‌ای است در شمال غربی شبه جزیره عربستان که حضرت شعیب برای هدایت مردمان آن مبعوث گردید. اهل مدین به سبب تکذیب پیامبرشان و سایر انحرافات اجتماعی گرفتار عذاب الهی شدند. داستان شعیب و اهل مَدَین در قرآن سوره مبارک اعراف ذکر شده است. مردم مَدَین از عرب و اولاد اسماعیل بوده‌اند و با مردم فلسطین و لبنان و مصر روابط بازگانی داشته‌اند. نام این شهر اکنون «معان» است و مورخین مسافت جزیره سینا تا حدود فرات را مدین می‌نامند. (ر.ک. بلاغی، قصص قرآن، ص ۴۰۷) (سخن مترجم)



اُمّی عربی (ص)، اشاره به یادکردن اَسباط<sup>۱</sup> و داستان اصحاب سَبْت<sup>۲</sup> (شنبه) و اهل اَیله،<sup>۳</sup> مذمت علمای اهل کتاب، داستان پیمان و عهدبستن خداوند متعال با فرزندان و ذریّه آدم و راندن بلعام (باعورا) به سبب تمایل او به دنیا، سهم و نصیب جهنم از جنیان و انسان‌ها، ترساندن بندگان از نزدیکی روز قیامت و پنهان بودن علم آن بر جهانیان، داستان هم‌نشینی آدم و حوا در آغاز [خلقت]، مذمت بت‌ها و پرستندگان آن‌ها، دستور پیامبر به [رعایت] اخلاق نیکو و مکارم اخلاقی، دستور به مخلوقات به سکوت و گوش فرا دادن هنگام قرائت قرآن، خطبه

---

۱. اسباط به معنای فرزندان و نوادگان و در قرآن کریم، منظور از آن، قبایل دوازده‌گانه قوم موسی یا پیامبرانی از بنی اسرائیل است. در آیه ۱۶۰ سوره مبارک اعراف آمده است: «قَطَعْنَاهُمْ اِثْنَيْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَّمًا» ما [قوم موسی] را به دوازده قبیله که هر یک اُمّتی بودند تقسیم کردیم. (اعراف/۱۶۰) (سخن مترجم)

۲. اصل سبت به معنای قطع عمل است. (قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۰۷) اصحاب سبت گروهی از بنی اسرائیل که به سبب نافرمانی از حدود و قوانین الهی و صید ماهی در روز شنبه که از آن نهی شده بود، گرفتار عذاب الهی شدند. حفظ حرمت روز سبت و کار نکردن در آن، یکی از ده فرمان حضرت موسی بوده است. (ر.ک. همان‌جا) (سخن مترجم)

۳. آیه از شهرهای باستانی و بندری فلسطین در ساحل شرقی دریای سرخ است. در قرآن کریم، این لفظ به طور صریح نیامده و تنها در برخی آیات به ماجراهای مربوط به آن اشاره شده است؛ از جمله آیه ۶۵ سوره مبارک بقره، آیه ۷۸ سوره مبارک مائده، آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره مبارک اعراف و آیه ۷۷ سوره مبارک کهف. (سخن مترجم)



سخنرانان در روز جمعه، خبردادن از فروتنی فرشتگان در [عالم] ملکوت و اطاعت و تسلیم آن‌ها در محضر و پیشگاه جلال [الهی] در این فرموده: «يُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ» (أعراف/۲۰۶)

## ۸- بینشی در یسألونک عن الأنفال...

### (سوره انفال)

بدان که این سوره به اجماع، مدنی است و تعداد آیات آن نزد شامیان، ۷۷ آیه، نزد کوفیان، ۷۵ آیه و نزد اهل حجاز و بصره، ۷۶ آیه است. تعداد کلمات آن، ۱۱۹۵ کلمه و حروف آن، ۵۲۸۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، سه آیه است: «یغلبون» (انفال/۳۶)، «بنصره و بالمؤمنین» (انفال/۶۲)، «أمرأً كان مفعولاً» (انفال/۴۲)

فاصله‌های آیات آن، «ن»، «د»، «م»، «ق»، «ط»، «ر»، «ب» است که آن را در عبارت «نَدِمَ قَطْرُب» یا «نطق مدبر» جمع می‌کنند. تنها یک آیه از آن به فاصله دال: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنْ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيد» (انفال/۵۱) و یک آیه به فاصله قاف: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيق» (انفال/۵۰) و چهار آیه دیگر این سوره، به فاصله باء که پایان آن، «عقاب» است: «...شَدِيدُ الْعِقَاب» (انفال/۱۳، ۲۵، ۴۸، ۵۲)



این سوره دو نام دارد: سوره «انفال»؛<sup>۱</sup> به دلیل اینکه با آن آغاز شده و در آن تکرار شده است و سوره «بدر»؛ زیرا بیشتر آن در ذکر جنگ بدر و آنچه در آن رخ داده آمده است.

مقصود این سوره به اجمال عبارت است از: قطع طمع‌های فاسد و باطل از غنیمتی که حق خدا و رسول اوست، ستایش کسانی که در زمان گوش فرادادن به قرآن، ترس و خشوع دارند، برانگیخته شدن مؤمنان به حق، اشاره به آغاز جنگ بدر، یاری‌رساندن خداوند متعال به یاران پیامبرش با فرشتگان مقرب، نهی از فرار از صف کافران، امر مؤمنان به اجابت خدا و رسولش، هشدار و برحذر داشتن از فتنه، نهی از خیانت به خدا و رسولش، ذکر مکر کافران مکه در حق پیامبر (ص)، گستاخی گروهی از آنان در درخواست تعجیل عذاب، یادآوری تباه کردن هزینة- هایشان در گمراهی و باطل، بیان تقسیم غنایم، برخورد و رویارویی لشکریان اسلام و لشکریان مشرکان، سفارش خداوند به مؤمنان به ثبات و پایداری در صف جنگ، فریب دادن گروهی از کافران توسط ابلیس،

---

<sup>۱</sup> نفل در لغت به معنای زیادت و افزونی است و جمع آن انفال است. آن مالی است که به پیغمبر (ص) و پس از او به امام علی (ع) اختصاص دارد و چون افزون بر سهم سایر بنی‌هاشم است بدان نفل گفته می‌شود. انفال در اصطلاح فقه، عطایایی است که خدای تعالی به پیامبر خود و امامان پس از او عطا کرده است و برای اداره حکومت اسلامی به کار گرفته می‌شود. (فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۲۹۵ و ۳۹۰) (سخن مترجم)



مذمت منافقان در خوار کردن مؤمنان، کيفر و مجازات پيمان‌شکنان تا ديگران از آنان عبرت گيرند، آماده‌کردن عذر جنگيدن و محاربه، تمايل به صلح هنگام درخواست صلح از سوي آنان (کافران)، منت نهادن بر مؤمنان با محبت و الفت‌دادن دل‌هايشان، بيان تعداد لشکر اسلام و لشکر شرک، حکم اسيران بدر، ياری‌دادن هم‌پيمانان با مسلمانان، اختصاص خویشاوندان و صاحبان ارحام (خویشاوندان نسبی) به ميراث در فرموده: «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» (انفال/۷۵) تا پايان سوره.

## ۹- بينشی در براءة من الله و رسوله...

### (سورة توبه)

این سوره به اتفاق، مدنی است و تعداد آیات آن نزد کوفیان، ۱۲۹ آیه و نزد بقیه، ۱۳۰ آیه است. دارای ۲۴۹۷ کلمه و ۱۰۷۸۷ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، سه آیه است: «بریء من المشرکین» (توبه/۳)، «و عادٍ و ثمود» (توبه/۷۰)، «عذاباً أليماً» (توبه/۳۹) فاصله‌های آیات آن، «ل»، «م»، «ن»، «ر»، «ب» است که آن را در عبارت «لم نرب» جمع می‌کنند. تنها یک آیه از این سوره، به فاصله لام است: «إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه/۳۸) و یک آیه به فاصله باء: «وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (توبه/۷۸) هر آیه‌ای از این سوره که حرف آخر آن «راء» است، حرف ماقبل آن، «ياء» است.



## این سوره هشت نام دارد:

اول سوره «برائت»؛ به دلیل اینکه با این کلمه آغاز شده است.

دوم سوره «توبه»؛ به دلیل کثرت ذکر توبه در آن؛ از جمله: «...ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه/۱۱۸) «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ...» (توبه/۱۱۷)

سوم «الفاضحة»؛ زیرا منافقان هنگام نزول آن رسوا شدند.

چهارم «المبعثرة»؛ زیرا رازهای منافقین را پراکنده و آشکار می‌سازد. این دو نام (الفاضحه و المبعثرة) از ابن عباس روایت شده است.

پنجم «المُقَشِّشَةُ»؛ زیرا مؤمن را پاک می‌کند و او را از نفاق تطهیر می‌کند. این نام از ابن عمر روایت شده است.

ششم «الْبَحْوثُ»؛ زیرا آن درباره نفاق منافقین بحث می‌کند. این نام از ابو ایوب انصاری روایت شده است.

هفتم «سورة العذاب» به دلیل آنکه در آن کافران را به تکرار و استمرار عذاب گره زده است: «...سَعَدْتُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ» (توبه/۱۰۱)



هشتم «الحافره»: زیرا دل‌های اهل نفاق را می‌کند، مانند فرموده: «لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الْاَلْدَىٰ بَنَوْا رَبَّهُۥٓ فِى قُلُوْبِهِمْ اِلَّا اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوْبُهُمْ وَ اَللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ» (توبه/۱۱۰) «فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوْبِهِمْ...» (توبه/۷۷)

**مقصود این سوره به اجمال عبارت است از:** داغ نهادن بر قلب‌های کافران با برائت و بیزاری، بازگرداندن پیمان به آنان، در امان بودن شنونده قرآن، سرکوب پیشوایان کفر و کشتن آنان، منع بیگانگان از آبادکردن مسجدالحرام و اختصاص دادن آن به مسلمانان، نهی از دوستی و هم-پیمانی با کافران، اشاره به واقعه جنگ حنین<sup>۱</sup>، منع مشرکان از ورود به کعبه و حرّم و حضور در موسم حج، دستور به کشتن کافران اهل کتاب و گرفتن جزیه از آنها<sup>۲</sup>، تقبیح و زشت شمردن سخن یهود و نصاری دربارۀ عَزِيز و عِيسَى (ع)، تأکید بر رسالت فرستاده راستین و بر حق،

---

<sup>۱</sup>. جنگ حنین جنگی که پس از فتح مکه در سال هشتم هجری در منطقه حنین در شمال شرقی مکه، میان پیامبر (ص) و مشرکان رخ داد و سرانجام مسلمانان به پیروزی رسیدند و غنایم بسیاری از این جنگ به دست آوردند. از این نبرد در آیه ۲۵ سوره توبه، تعبیر به «یوم حنین» شده است. (سخن مترجم)

<sup>۲</sup>. جزیه در اصطلاح فقهی یک نوع مالیات عادلانه است که از غیرمسلمانان اهل کتاب (اهل ذمه) در برابر مسئولیتی که دولت اسلامی به منظور تأمین امنیت جانی، مالی و عرضی بر عهده می‌گیرد دریافت می‌گردد. (سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۶۳۹)



عیب‌جویی از عالمان یهود در خوردن اموال به ناحق و باطل، عذاب منع‌کنندگان زکات، اختصاص دادن ماه‌های حرام از ماه‌های سال، جلو‌انداختن و به تأخیر انداختن ماه محرم توسط کافران،<sup>۱</sup> دستور به جنگ تبوک<sup>۲</sup> و شکایت از کسانی که از [حضور در] جنگ سرباز زدند و تخلف کردند، خروج پیامبر (ص) با صدیق از مکه به غار در کوه ثور،<sup>۳</sup> احتراز و دوری جستن منافقان از غزوه تبوک و کمین کردن و

---

۱. این عبارت به یکی از اعمال دوران جاهلیت عرب اشاره دارد که در آن برخی قبایل کافر، برای رعایت مصالح و منافع خود یا جنگیدن در زمانی مناسب‌تر، با جابه‌جا کردن ترتیب ماه‌های حرام، ماه محرم را به تأخیر می‌انداختند. این عمل در اسلام به شدت نکوهش شده و در قرآن کریم از آن نهی شده است: «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحَلِّوْنَهُ عَامًا وَيَحْرِمُونَهُ عَامًا لِيُؤْطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ» (توبه / ۳۷) آیه ۲۱۷ سوره مبارک بقره نیز درباره پرسش مشرکان یا مسلمانان از حضرت محمد درباره حکم جنگ در ماه حرام و پاسخ به آن است. (سخن مترجم)

۲. تبوک منطقه‌ای در شمال غربی عربستان است که محل وقوع آخرین غزوه پیامبر اسلام (ص) در سال نهم هجری بود. برخی از اصحاب و منافقان مدینه از حضور در این جنگ که نبرد با رومیان بود، سر باز زدند و سعی داشتند در دل مسلمانان ترس و هراس بیفکنند. درباره این غزوه آیاتی نازل شد و خداوند، اهداف و نقشه منافقان را برملا ساخت. (سخن مترجم)

۳. اشاره دارد به آیه ۴۰ سوره مبارک توبه که در آن پیامبر اکرم (ص) با همراهی ابوبکر در فار ثور پناهنده شدند: «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ



منتظر ماندن آن‌ها برای گرفتاری و آسیب دیدن مسلمانان و بازگرداندن هزینه‌هایشان به خودشان، تقسیم صدقات بین مستحقان، مسخره کردن پیامبر (ص) و قرآن توسط منافقان، توافق و هم‌رای بودن مؤمنان با یکدیگر و رسیدن آن‌ها به خشنودی بزرگ‌تر به دلیل موافقتشان، تکذیب حق برای منافقان در ایمانشان، نهی پیامبر از استغفار برای زندگان آن‌ها و [نهی] از نماز خواندن بر مردگانشان، عیب‌جویی از کوتاهی‌کنندگان به دلیل عذرخواهی آن‌ها با عذرهای باطل، نکوهش بادیه‌نشینان به دلیل سرسختی و پابندی آن‌ها به دین باطل و ستایش برخی از آن‌ها به دلیل سرسختی‌شان در دین حق، یادکردن از پیشگامان از مهاجران و انصار و یادکردن از اعتراف‌کنندگان به کوتاهی خود، پذیرش صدقات از فقرا و دعای آن‌ها بر این عمل، قبول توبه توبه‌کنندگان، ذکر ساختن مسجد ضرار<sup>۱</sup> برای غرض و هدف فاسد، ساختن مسجد قبا بر پایه اطاعت و

---

إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّا نَلْقَى اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا» این آیه به «آیه غار» شهرت دارد. (سخن مترجم)

۱. تنها مسجدی که در قرآن از آن به بدنامی یاد شده، مسجد ضرار است که با هدف تفرقه‌انداختن در بین مسلمانان بنا شد. خداوند از طریق وحی، پیامبر را در جریان نیت پلید منافقان و مسجدی که شالوده و اساس آن از روز نخست بر کفر و نفاق و بی‌دینی و تفرقه بنا شده بود، قرار داد: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى



تقوا،<sup>۱</sup> معامله خداوند متعال با بندگانش با خریدن جان‌ها و اموالشان و عوض دادن آن‌ها در برابر این عمل با بهشت، نهی ابراهیم خلیل (ع) از استغفار برای مشرکان، پذیرش توبه صادقانه و از روی خلوص نیت کسانی که از جنگ تبوک تخلف کردند، دستور دادن گروهی از مردم به طلب علم و فهم در دین، رسواساختن منافقان و فتنه‌انگیزی آن‌ها در هر زمان، رأفت و رحمت پیامبر (ص) برای امتش و دستور خداوند به پیامبرش برای توکل بر او در همه احوالش، با این فرموده: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ» (توبه/۱۲۹)

---

وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \* لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...» (توبه/۱۰۷ و ۱۰۸) (ر.ک. حبیب‌زاده، پرستشگاه‌های ادیان آسمانی در قرآن و حدیث، ص ۲۲۱ و ۲۲۲) (سخن مترجم)

۱. مسجد قبا نخستین مسجدی که در اسلام هنگام هجرت رسول خدا (ص) از مکه به مدینه ساخته شده و بر اساس روایات فراوان، این مسجد مصداق آیه ۱۰۸ سوره مبارک توبه است: «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (ر.ک. همان، ص ۲۱۶-۲۱۸) (سخن مترجم)



## ۱۰- بینشی در الر. تلک آیات الکتاب...

(سوره یونس)

بدان که این سوره به اتفاق، مکی است. تعداد آیات آن نزد شامیان، ۱۱۰ آیه و نزد بقیه، ۱۰۹ آیه است. دارای ۱۴۹۹ کلمه و ۷۰۶۵ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، چهار آیه است: «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (یونس/۲۲)، «و شَفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (یونس/۵۷)، «مِنَ الشَّاكِرِينَ» (یونس/۲۲) مجموع فاصله‌های این سوره، «ملن» است و تنها یک آیه از آن به فاصله لام است: «...وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (یونس/۱۰۸) و هر آیه‌ای که بر فاصله «میم» است، قبل آن، حرف «یاء» قرار دارد.

این سوره به دلیل آنکه در پایان آن از برداشتن عذاب از قوم یونس به برکت ایمان آن‌ها به هنگام ناامیدی یاد شده، سوره «یونس» نامیده شده است، در این آیه: «فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ قَرِيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ» (یونس/۹۸)

**مقصود این سوره عبارت است از:** اثبات نبوت و بیان فساد اعتقاد کافران درباره پیامبر (ص) و قرآن، یادآوری کیفر آن‌ها برای این عمل در آخرت، تعیین جایگاه‌های خورشید و ماه برای مصالح و منافع مخلوقات،



مذمت کسانی که به دنیای فانی قناعت می‌کنند و از نعمت باقی باز می‌مانند، ستایش مؤمنان در طلب بهشت، درخواست زود هنگام کافران برای عذاب، و آزمودن مخلوقات از سوی خدای تعالی با جانشینی آن‌ها بر روی زمین، ذکر (عدم تعقل و فهم) کافران به کلام خدا و نسبت دادن آن به دروغ و اختلاف، اشاره به باطل بودن بت‌ها و پرستش‌کنندگان آن‌ها، بیان منت خداوند بر بندگان به نجات از هلاکت در خشکی و دریا، مثال زدن دنیا به نزول باران، ظهور رنگ‌های گیاهان و گل‌ها، دعوت مخلوقات به سوی سرای صلح (دارالسلام)، بیان خواری کافران در قیامت و مشاهده مخلوقات در آخرت، با آنچه از اطاعت و معصیت پیش فرستاده‌اند، بیان اینکه حق، یکی است و جز آن باطل است، اثبات برانگیخته شدن دوباره و روز قیامت با دلیل و حجت آشکار، بیان فایده نزول قرآن و امر به ابراز سرور و شادی به واسطه نماز و قرآن، شناخت و تشخیص دوستداران خدا [اهل ولایت] از گناهکاران [اهل جنایت]، دلداری و تسلی دادن پیامبر (ص) با یادآوری بخشی از داستان موسی و واقعه بنی اسرائیل با قوم فرعون، ذکر نابودی اموال قبطیان،<sup>۱</sup> نجات اسرائیلیان از دریا و هلاکت دشمنان آن‌ها از فرعونیان، نجات قوم یونس

---

<sup>۱</sup>. قبطی‌ها مردم کهن و بومی مصر و اغلب مسیحی هستند. در زمان حضرت موسی (ع) گروه قبطی مردمی بودند که به حضرت موسی ایمان نیاوردند و در مقابل بنی-اسرائیل بودند. (سخن مترجم)



به دلیل اخلاص در ایمان در زمان ناامیدی، تأکید بر نبوت پیامبر (ص)، و دستوردادن به پیامبر (ص) به صبر بر جفای مشرکان و آزار آن‌ها، در این فرموده: «حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس/۱۰۹)

## ۱۱- بینشی در الر . کتاب احکمت...

(سوره هود)

این سوره به اجماع، مکی است و تعداد آیات آن نزد شامیان، ۱۲۲ و نزد اهل مکه و بصره، ۱۲۱ و نزد اهل کوفه، ۱۲۳ آیه است. دارای ۱۹۱۱ کلمه و ۷۶۰۵ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، هفت آیه است: «بَرِيءٌ مِّمَّا تَشْكُرُونَ» (هود/۵۴)، «فِي قَوْمٍ لُّوطٍ» (هود/۷۴)، «مِنْ سَجِيلٍ» (هود/۸۲)، «مَنْضُودٍ» (هود/۸۲)،<sup>۱</sup> «إِنَّا عَامِلُونَ» (هود/۱۲۱)، «إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود/۸۶)، «مُخْتَلِفِينَ» (هود/۱۱۸) مجموع فاصله‌های این

---

<sup>۱</sup>. برخی از قاریان، فاصله آیه را کلمه «سَجِيلٍ» قرار داده‌اند و برخی کلمه «مَنْضُودٍ»: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سَجِيلٍ مَنْضُودٍ» (هود/۸۲) (سخن محقق)



سوره، «ق ص د ت ل ن ظ م ط ب ر ز د» است که آن را در عبارت  
«قصدت لنظم طبر زد»<sup>۱</sup> جمع می‌کنند.

این سوره به دلیل آنکه مشتمل بر داستان حضرت هود (ع) و تفصیل و  
شرح جزئیات آن است، به سوره «هود» نامبردار شده است.

**مقصود کلی و اجمالی این سوره عبارت است از:** بیان حقیقت قرآن،  
آگاهی خداوند سبحان از اسرار و نیت‌های پنهان مخلوقات، ضمانت و  
تعهد خداوند متعال برای روزی حیوانات، اشاره به آفرینش عرش و  
ابتدای حالت آن، تفاوت احوال کافران و سخنان آن‌ها، تحدی پیامبر  
(ص) با عرب‌ها برای آوردن مانند قرآن، مذمت جویندگان دنیا که از  
آخرت رویگردانند، لعنت و راندن ستمکاران، داستان کافران و مؤمنان،  
تفصیل و بیان جزئیات داستان نوح و ذکر طوفان، داستان هود و هلاکت  
قوم عاد، قصه صالح و ثمود، بشارت فرشتگان به ابراهیم و ساره درباره  
اسحاق، داستان لوط و هلاکت قومش، ذکر شعیب و مناظره قومش با او،  
اشاره به داستان موسی و فرعون، بیان اینکه فرعون پیشوای قومش به  
سوی جهنم خواهد بود، ذکر تمام [احوال] قیامت، برتری دادن دو گروه  
[مؤمنان و کافران] و دو راه [هدایت و گمراهی]، دستور به پیامبر (ص)

---

<sup>۱</sup>. طبرزد: شکر است و گفته می‌شود با «ذال» نقطه‌دار (معجمه) نیز می‌آید و در  
قاموس المحيط تنها به همین معنا بسنده شده است. (سخن محقق)



به استقامت و دوری از ظالمان و گمراهان، پایبندی و مراقبت بر نمازهای پنجگانه و طهارت، ذکر رحمت در اختلاف و تفاوت نظر امت،<sup>۱</sup> بیان قصه‌ها و اخبار پیامبران برای تثبیت و تقویت قلب پیامبر (ص) و امر به توکل بر خدا در همه حال.

## ۱۲- بینشی در الر. تلك آيات الكتاب المبين...

(سورة يوسف)

این سوره به اتفاق، مکی است و تعداد آیات آن بدون اختلاف، ۱۱۱ آیه است. دارای ۱۷۷۶ کلمه و ۷۱۶۶ حرف است و هیچ آیه‌ای در این سوره،

---

۱. اشاره به فرموده: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود/۱۱۸) در منابع روایی متأخر، حدیثی از امام صادق (ع) به نقل از عبدالمؤمن الانصاری با این مضمون نقل شده است: «إِنَّ اخْتِلَافَ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» (صدوق، معانی- الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۷ و طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۵، ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۰۶) از پیامبر اکرم (ص) نیز همین سخن در منابع روایی اهل سنت از جمله کنز العمال متقی هندی (ج ۱۰، ص ۱۳۶، ح ۲۸۶۸۶) روایت شده است. حدیث دیگری نیز با این مضمون وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مثل أصحابی فیکم کمثل النجوم بأیها أخذ اهدی و بأی أقاویل أصحابی أخذتم اهدیتم و اختلاف أصحابی لکم رحمة قبل یا رسول الله من أصحابک: قال أهل بیتی» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۵) (سخن مترجم)



مورد اختلاف نیست. مجموع فاصله‌های آیات این سوره که آن را در عبارت «لم نر» جمع می‌کنند. تنها یک آیه در آن به فاصله لام: «...قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ» (یوسف/۶۶) این سوره نام دیگری جز سوره یوسف ندارد؛ به دلیل اینکه شامل داستان یوسف (ع) است.

**مقصود این سوره به اجمال عبارت است از:** ارائه شگفتی‌هایی که در آن وجود دارد؛ از داستان یوسف و یعقوب و وقایعی که در این قصه رخ داده است: از تعبیر خواب و حسادت برادران و حيله‌های آن‌ها برای جدایی انداختن میان او و پدرش، تفصیل و شرح جزئیات صبر جمیل از جانب یعقوب، بشارت مالک بن دُعر<sup>۱</sup> به یافتن یوسف، فروختن برادران، برادرشان را به بهایی اندک و ناچیز و عرضه کردن او برای فروش و خرید در بازار مصر، تمایل زلیخا و عزیز مصر به خریدن او، نگاه زلیخا

---

<sup>۱</sup>. در تفسیر بیضاوی به صورت «ذغر» آمده و «الخزاعی» بدان اضافه شده است. آنچه در اینجا آمده موافق است با آنچه در تاریخ طبری آمده است و نسب او را به حضرت ابراهیم خلیل (ع) رسانده است. پس او خزاعی نبوده، همان‌طور که در تفسیر بیضاوی آمده است. (سخن محقق)

نام آب‌آور قافله‌ای از نسل ابراهیم و اسماعیل که از مدین به سوی مصر حرکت می‌کردند و نزدیک چاهی که یوسف در آن بود وارد آمدند. وی یوسف را از چاه بیرون آورد و به عنوان برده به مصر برد و او را به عزیز مصر فروخت. بعدها وی از یاران وفادار یوسف شد و همواره در ملازمت وی بود. (سخن مترجم)



به یوسف و دوری گزیدن یوسف از او، داستان دیدن برهان (دلیل روشن)، شهادت شاهد و سرزنش زلیخا توسط زنان و حیرت آن‌ها از حُسن و زیبایی یوسف، زندانی شدن او در زندان و ورود ساقی و آشپز به نزد او و سؤال کردن آن‌ها از او و دعوت آن‌ها به توحید توسط یوسف،<sup>۱</sup> نجات ساقی و هلاکت آشپز و سفارش یوسف به ساقی که او را نزد پادشاهش یاد کند، داستان خواب پادشاه و ناتوانی تعبیرکنندگان از تعبیر آن، به یاد آوردن یوسف توسط ساقی و تعبیر او از خوابش در زندان و طلب یوسف توسط پادشاه و بیرون آوردن او از زندان و سپردن کلید خزانه‌ها به او، آمدن برادرانش برای طلب آذوقه، پیمان یعقوب با فرزندان و سفارش آن‌ها در چگونگی ورود به مصر، قاعده شناساندن یوسف خودش را به بنیامین، برآوردن نیاز برادران توسط یوسف، پنهان کردن پیمانه در بارهای آن‌ها و بازداشت بنیامین به بهانه دزدی، درخواست آن‌ها از او که دیگری از برادران را به جای او بازداشت کند، بازگرداندن برادران به نزد پدرشان توسط یوسف و شکایت یعقوب از جور هجران و درد فراق، فرستادن یعقوب آن‌ها را برای یافتن یوسف و برادرش، تضرع و زاری برادران در برابر یوسف و آشکار کردن یوسف

---

<sup>۱</sup>. خداوند در قرآن هر دو زندانی را مورد خطاب قرار داد: «يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَرَبَابٌ

مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف/۳۹) (سخن محقق)



برای آن‌ها آنچه را که از بدی با او کرده بودند و عفو او از آن‌ها، فرستادن پیراهنش همراه آن‌ها به سوی یعقوب، حرکت و روی آوردن یعقوب از کنعان<sup>۱</sup> به سوی مصر، نسبت دادن یوسف گناه برادرانش را به مکر و حيله‌های شیطان و شکر و سپاسگزاری او برای خداوند متعال به آنچه از مُلک و حکومت به او عطا کرده، و دعا و درخواست او برای پایان نیک و سرانجام نیکو و طلب سعادت و شهادت، سرزنش کافران به روی گردانی [و امتناع] از دلیل و حجت، اشاره به اینکه داستان یوسف عبرتی برای جهانیان است در این فرموده: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف/۱۱۱) تا پایان سوره.

### ۱۳- بینشی در المر . تلك آيات الكتاب والذی أنزل إليك من

ربك الحق...

(سورة رعد)

این سوره، مکی است و تعداد آیات آن نزد شامیان، ۴۷ آیه و نزد کوفیان، ۴۳ آیه و نزد اهل حجاز، ۴۴ و نزد اهل بصره، ۴۵ آیه است. دارای ۸۶۵

---

<sup>۱</sup>. محلی در شام است. گفته شده که اقامتگاه یعقوب در نابلس [شهری در کرانه باختری در کشور فلسطین] بود و نیز گفته شده در اردن بود. (سخن محقق)



کلمه و ۳۵۰۶ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، پنج آیه است: «جدید» (رعد/۵)، «والنور» (رعد/۱۶)، «البصیر» (رعد/۱۶)، «سوء الحساب» (رعد/۱۸)، «من کُلِّ بابٍ» (رعد/۲۳)

فاصله‌های آیات آن را در عبارت «نقر دَعِبِل» جمع می‌کنند. از میان آن‌ها، تنها یک آیه به فاصله عین است: «...وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد/۲۶) هرچه به فاصله «نون» است، قبل آن، حرف «واو» دارد و سایر آیاتی که به فاصله «باء» است، قبل از آن، «الف» آمده است؛ مانند مآب، متاب، به جز «القلوب» (رعد/۲۸) که قبل از آن، «واو» است.

این سوره، به دلیل این فرموده خداوند در آن: «وَيَسِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ...» (رعد/۱۳) سوره «رعد» نامیده می‌شود.

**مقصود این سوره عبارت است از:** بیان دلیل یگانگی خداوند در آفرینش آسمان‌ها و زمین، بیرون آوردن نهرها و درختان و میوه‌ها، تهدید کافران و وعده [عذاب] به آن‌ها، یادآوری آفرینش فرزندان در رحیم‌های مادران بر اساس درجات متفاوت و همراه با کاهش و افزایش در روزها و ساعت‌ها، آگاهی خداوند متعال از باطن اسرار و نیت‌های نیکوکاران



و بدکاران، ذکر ابر، رعد، برق، صاعقه‌ها و انتظار [قیامت]<sup>۱</sup>، ردّ بر پرستش بت‌ها، داستان نزول قرآن از آسمان<sup>۲</sup> و فاداری به عهد و پیمان و شکستن میثاق، ورود فرشتگان با سلام و درود بر بهشتیان، الفت و انس گرفتن مؤمنان با یاد رحمت و مهربانی [الهی]، بیان تأثیر قرآن در آثار و اشیاء (آثار معنوی و مادی) و اینکه سرانجام مؤمنان به سوی بهشت است و جایگاه و بازگشت کافران به سوی آتش است، پاک‌شدن و ثابت‌شدن [محو و اثبات] در لوح [محفوظ] بر اساس مشیت و اراده‌ی خداوند دادگر و حسابرس، تقدیر حق در اطراف زمین همراه با افزایش و کاهش<sup>۳</sup>، تأیید و بیان نبوت مصطفی (ص) (پیامبر اکرم) با نزول کتاب و تبیین قرآن در این فرموده‌ی خداوند: «يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا» (رعد/۴۳) تا پایان سوره.

---

<sup>۱</sup>. ظاهر این است که کلمه‌ی انتظار، تحریف شده از «انکار» است و آن اشاره دارد به این فرموده‌ی خداوند: «وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» (رعد/۱۳)

<sup>۲</sup>. تابع آنچه در کتاب تنویرالمقباس در تفسیر فرموده‌ی خداوند: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا...» آمده است: منظور از ماء، قرآن است و این تفسیر، بعید و دور از ذهن است و مفسران بدان نپرداخته‌اند. بلکه منظور، باران نازل‌شده از آسمان است که گاهی سیل‌آسا می‌شود و برای حق و باطل مثال زده شده است. (سخن محقق)

<sup>۳</sup>. اشاره به آیه ۴۱ سوره مبارک رعد: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا»



## ۱۴- بینشی در الر . کتاب أنزلناه إليك..

### (سورة ابراهيم)

این سوره به اجماع، مکئی است، به جز این یک آیه: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» (ابراهیم/۲۸) تا پایان آیه. تعداد آیات آن نزد شامیان، ۵۵ آیه و نزد کوفیان، ۵۲ آیه و نزد حجازیان، ۵۴ آیه و نزد بصریان، ۵۱ آیه است. دارای ۸۳۱ کلمه و ۶۴۳۴ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، هفت آیه است: «إِلَى النُّورِ» (ابراهیم/۱ و ۵)، «و عاد و ثمود» (ابراهیم/۹)، «بِخَلْقِ جَدِيدٍ» (ابراهیم/۱۹)، «و فرعها فی السَّمَاءِ» (ابراهیم/۲۴)، «اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (ابراهیم/۳۳)، «عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ» (ابراهیم/۴۲) فاصله‌های آیات آن در عبارت «آدم نظر، صبّ ذلّ» جمع شده است.

این سوره، سورة «ابراهیم» نامیده می‌شود، به دلیل آنکه مشتمل بر داستان سکونت دادن فرزندش، اسماعیل (ع) در سرزمین غیرذی زرع (دره بدون کشت و زرع) است و همچنین شکرگزاری آن حضرت از خداوند متعال برای نعمتی که به او ارزانی داشته است؛ یعنی دو فرزندش اسماعیل (ع) و اسحاق (ع).



مقصود این سوره عبارت است از: بیان حقیقت ایمان و برهان نبوت، و اینکه خداوند متعال هر رسولی را به زبان قومش فرستاده است، یادآوری منت بر بنی اسرائیل به نجات آنها از فرعون، و اینکه برپاخواستن به شکرگزاری نعمت‌ها، موجب فزونی آنها می‌شود و کفران و ناسپاسی آنها موجب زوال، یادآوری رفتار و شیوه برخورد امت‌های گذشته با پیامبران و رسولان پیشین، دستور به پیامبران به توکل بر خداوند هنگام تهدید کافران بر آنها، بیان خواری و ذلت کافران در عذاب و عقوبت، باطل بودن اعمال آنها و کمال ذلتشان در قیامت و بیان جزع و بی‌تابی آنها از عذاب و لزوم حجت و دلیل بر آنها و احاله و نسبت‌دادن سرزنش به آنها از سوی ابلیس (ابراهیم/۲۲)، بیان سلامتی بهشتیان و کرامت آنها، تشبیه ایمان (و توحید به درخت طیبه و پاک که همان نخل است و تشبیه کفر به درخت ناپاک و پلید که همان حنظل است، ثابت‌قدم داشتن اهل ایمان) بر کلمه حق و صواب در هنگام سوال منکر و نکیر، شیکوه از کافران به دلیل ناسپاسی و کفران نعمت، دستور به مؤمنان برای به‌پاداشتن نمازها و عبادات، یادآوری منت بر مؤمنان با نعمت‌های فراوان، دعای ابراهیم برای امن‌کردن حرم مکه و سپردن اسماعیل به کرم خداوند حق تعالی و مهربانی و شکرگزاری او از خداوند برای اعطای فرزندش، تهدید بزرگ ستمکاران به خواری و ذلت آنها



در قیامت، یادآوری اینکه کافران همنشینان شیاطین در عذاب هستند، اشاره به این حقیقت که قرآن بلیغ‌ترین پند و موعظه و تذکر و یادآوری برای خردمندان است، در این فرموده خداوند: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ» (ابراهیم/۵۲) تا پایان سوره.

## ۱۵- بینشی در الر . تلک آیات الکتاب و قرآن مبین..

(سوره حجر)

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن بدون هیچ اختلافی، ۹۹ آیه است. دارای ۶۵۴ کلمه و ۲۷۶۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «ملن» جمع شده و تنها دو آیه از این سوره به فاصله لام است: «حِجَارَةٌ مِنْ سِجِّيلٍ» (حجر/۷۴) و «فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/۸۵) این سوره به دلیل دربرداشتن آن بر داستان قوم حجر و این فرموده: «وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ» (حجر/۸۰)، سوره «حجر» نامیده می‌شود.

هدف کلی این سوره به اجمال عبارت است از: بیان حقیقت و حق بودن قرآن، حفظ کردن حق و برهان نبوت و حفظ کتاب عزیز از تغییر



و تبدیل توسط خداوند [حجر/۹]، آراستن و زینت دادن آسمان‌ها با دسته‌های سیارات و حفظ آن‌ها (آسمان‌ها و ستارگان) از گوش دادن مخفیانه و دزدکی شیاطین با پرتاب ستارگان، تقدیر و اندازه‌گیری خداوند متعال آب و ابر را از خزانه‌های احسان و نیکی او، علم خداوند به احوال کسانی که در اطاعت پیشی گرفته‌اند و کسانی که از آن تأخیر نموده‌اند، بیان حکمت در آفرینش آدم و فرمان به فرشتگان مقرب به سجده کردن بر او، سرزنش ابلیس و ملامت او به سبب سرپیچی و تکبر و انکارش و استحقاق او به لعنت از سوی خدا به سبب نافرمانی و طغیانش و جسارت و گستاخی او در به مناظره‌کشاندن خالق و معبودش، بیان تقسیم درکات و درجات دوزخ (بر اهل لذات و خوشگذرانی) و گمراهی‌ها، ذکر مؤمنانی که شایسته و سزاوار بهشت هستند، خبر دادن خداوند متعال به بندگانش از رحمت و آمرزش و تهدید آن‌ها به عذاب و کیفر، اشاره به ذکر مهمانان ابراهیم خلیل (ع) و نهی از ناامیدی از رحمت، یادکردن خاندان لوط و مستی آن‌ها در راه نابینایی و جهل و گمراهی، دلجویی و تسلی دادن به پیامبر (ص) از جفای کافران و زشتی و ناپسندی سخنان آن‌ها، منت نهادن بر پیامبر (ص) با نزول سبع المثانی



[سوره حمد]<sup>۱</sup> و بخشیدن [یا سوره‌های] قرآن عظیم، شیکوه از طعنه-زندگان و عیب‌جویان در قرآن، یادکردن قَسَم به وقوع پرسش و بازخواست در قیامت، دستور به رسول (ص) به آشکارکردن دعوت و منت‌نهادن بر او با هلاکت دشمنان دینش و سفارش او به عبادت تا روز حق و یقین در فرموده: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر/۹۹)

## ۱۶- بینشی در اُتی امرُ الله..

(سوره نحل)

این سوره مکی است، به جز این آیه: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا» (نحل/۱۲۶) تا پایان سوره [آیات ۱۲۷ و ۱۲۸]. گفته شده چهل آیه از آن، مکی و بقیه، مدنی است. قول اول شایسته‌تر است. تعداد آیات آن، ۱۲۸ آیه و دارای ۲۸۴۰ کلمه و ۷۷۰۷ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «نمر» جمع شده است. دو آیه از این سوره به فاصلهٔ راء است که آخر آن‌ها، «قدیر» است: (نحل/۷۰ و ۷۷) این سوره به دلیل آنکه در آن از شگفتی‌های زنبور عسل یاد شده، سوره «نحل» نامیده شده است.

---

<sup>۱</sup>. اشاره به آیه ۸۷ سوره مبارک حجر: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»



بیشتر آنچه این سوره دربردارد عبارت است از: ترساندن بندگان با آمدن و فرارسیدن قیامت، اقامه حجت و دلیل یگانگی خداوند، ذکر آنچه در دامها از منافع و نعمتهاست و آنچه در مرکبها و وسایل نقلیه از زیبایی و زینت است، و ذکر حیوانات چراکننده<sup>۱</sup> و گیاهان و درختان، مسخرکردن خورشید و ماه، استوارکردن زمین و کوهها و سنگها، هدایت گرفتن از ستارگان در سفر و حَضْر [شهر و وطن]، نعمتهای فراتر از (شمارش و احصاء)، انکار بر منکران و مجازات مکر حيله گران و مکاران، لعنت و نفرین فرشتگان بر اشرار هنگام احتضار و جان کندن و سلام آنها در آن لحظه بر نیکوکاران و برگزیدگان، بیان احوال پیامبران و رسولان با امتهای گذشته، یادکردن هجرت و مهاجران، ذکر توحید، شناساندن نعمت‌دهنده و نعمتهای فراوان او، سرزنش و نکوهش مشرکان درباره دختران [عمل زنده به گورکردن]، بیان نامها و صفات [خداوند]، منت نهادن بر مخلوقات با فرستادن رحمتها و شمردن آنها از جمله انعام و بخشش نعمتها در باب دامها و حیوانات، بیان فواید زنبور عسل و یادآوری آنچه از حالات شگفت‌انگیزی که در آن وجود دارد، برتری دادن به مخلوقات در باب روزیها و خوراکیها، بیان حال مؤمن و کافر، مسخرکردن پرندگان در آسمان در حالی که صف بسته‌اند،

---

۱. اشاره به این فرموده خداوند: «وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ» (نحل/۱۰)



منت نهادن به سبب خانه‌ها و صحراها و بیابان‌ها، شکایت متکبران و ذکر آنچه از عقوبت‌ها و عذاب‌ها برای آن‌ها آماده شده است، امر به عدالت و نیکوکاری، نهی از شکستن پیمان و خیانت‌ها و اینکه زندگی پاکیزه در گرو اطاعت‌ها و عبادات است، یادگیری و آموختن پناه‌بردن به خداوند در حال تلاوت آیات محکمات، رد کردن سلطه و نفوذ شیطان از مردان و زنان مؤمن، تبدیل و جایگزین کردن آیات با آیات دیگر برای مصالح و منافع مردان و زنان مسلمان، اجازه برای به زبان آوردن کلمه کفر در زمان اجبار و ضرورت‌ها، بیان حرام‌شدن و حلال‌شدن در برخی حالات، ذکر ابراهیم خلیل (ع) و آنچه از درجات و مقام‌ها به او عطا شد، یادآوری روز شنبه و دعوت به راه خداوند با حکمت و اندرزهای نیکو، دستور-دادن به برابری در پاداش‌ها و مجازات‌ها، امر به صبر بر بلاها و گرفتاری‌ها، وعده دادن به پرهیزکاران و نیکوکاران به بزرگترین پاداش‌ها، با این فرموده: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل/۱۲۸)



## ۱۷- بینشی در سُبْحان الَّذی أُسْرِی بَعْدَهُ..

### (سورة اسراء)

این سوره به اتفاق، مکی است. تعداد آیات آن نزد کوفیان، ۱۱۱ آیه<sup>۱</sup> و نزد بقیه، ۱۱۰ آیه است. دارای ۱۵۶۳ کلمه و ۶۴۶۰ حرف است. تنها یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «لِللَّذِقَانِ سُجْدًا» (اسراء/۱۰۷) فاصله‌های آیات آن، حرف «الف» است، به جز آیه اول که فاصله آن، «راء» است.

**این سوره دو نام دارد:** سوره «سبحان»؛ به دلیل آغاز آن با این کلمه، و سوره «بنی اسرائیل»؛ به دلیل این فرموده خداوند: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» (اسراء/۴)

**هدف این سوره و بیشتر آنچه دربردارد عبارت است از:** پاک و منزّه- دانستن خداوند بلندمرتبه، ماجرای معراج پیامبر اکرم (ص) و اسراء (سیر شبانه) ایشان به مسجدالأقصی، یادآوری شکرگزاری حضرت نوح (ع)،

---

<sup>۱</sup>. در متن کتاب، تعداد آیات این سوره در نزد کوفیان، ۱۱۵ آیه ذکر شده است و محقق کتاب در پاورقی آورده است که میان شمارش کوفیان و دیگران، یک آیه مورد اختلاف است و به گمان، این اشتباه ناسخ کتاب است و صحیح آن، ۱۱۱ آیه است. (سخن مترجم)



بیان فساد و تباهی حال بنی‌اسرائیل، پاداش نیکوکاری و [کیفر] بدکرداری، استواری هدایت قرآن برای مخلوقات، آفرینش شب و روز، بیان حکمت در حرکت خورشید و ماه و گردش آن‌ها، همراهی اقبال با انسان،<sup>۱</sup> قرائت و خواندن نامه‌های اعمال در روز قیامت، بیان حکمت در فرستادن پیامبران، شکایت از اقوام و امت‌های گذشته، یادآوری طلب دنیا و آخرت، برتری دادن بعضی از مخلوقات بر بعضی دیگر، قراردادن نیکی به پدر و مادر و توحید در یک ردیف، نیکی کردن به خویشاوندان، دستور به ترک اسراف و نکوهش بخل و تنگ‌نظری، نهی از کشتن فرزندان، [نهی] از زنا و کشتن انسان به ناحق و خوردن مال یتیم، [نهی] از تکبر و خودبزرگ‌بینی و ناپسندداشتن همه این‌ها، پرسش از گفته‌ها و شنیده‌ها، پاسخ‌دادن به مشرکان و رد استدلال‌های آن‌ها، تسبیح و ستایش خداوند توسط موجودات، سرزنش کافران به سبب طعنه‌زدن آن‌ها به قرآن، دعوت حق (خداوند) از مخلوقات و پاسخ دادن آن‌ها به

---

۱. محقق محترم بیان می‌دارد که در نسخه دیگر به جای کلمه البخت، واژه «البحث» آمده است. محقق می‌گوید: در اینجا معنایی برای آن ندیدم و آن اشاره می‌کند به فرموده خداوند: «و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه» (اسراء/۳۱) و آن (طائر) گاهی به عمل تفسیر شده و گاهی به سعادت و شقاوت تفسیر شده است و به نظر می‌رسد که منظور او از واژه بخت همان «حظ» (بهره و نصیب) است، یعنی آنچه انسان از سعادت و شقاوت بدان دست می‌یابد. (سخن محقق)



دعوت خداوند متعال، برتری دادن بعضی از پیامبران بر بعضی دیگر، تقرّب و نزدیکی مقربان به حضور و درگاه الهی، نابودی آبادی‌ها و شهرها پیش از قیامت، امتحان و آزمایش مردم توسط خواب و رویای پیامبر (ص)، سرباز زدن ابلیس از سجده کردن به آدم و مسلط کردن او بر مخلوقات توسط خداوند، شمردن نعمت‌های خداوند بر بندگان، گرمی- داشتن فرزندان آدم و بیان اینکه هر کسی در روز قیامت با نامه عمل، دین و پیشوای خود فراخوانده می‌شود، قصد و تلاش مشرکان برای گمراه کردن پیامبر (ص) و خوارساختن او، دستور به برپایی نمازهای پنج‌گانه در وقت‌هایشان، دستور به پیامبر (ص) به شب‌زنده‌داری و وعده دادن او به مقام ستوده و اختصاص دادن او به ورود و خروج صادقانه و راستین، نزول قرآن به عنوان شفا و رحمت، شکوه از روی گردانی بندگان، بیان اینکه از هر کسی آنچه شایسته اوست، صادر می‌شود، اشاره به پاسخ مسئله روح، ناتوانی مخلوقات از آوردن مانند قرآن، پیشنهادهای مشرکان به پیامبر (ص) و تفصیل حال آن‌ها در مجازات و عذاب‌های آخرت، بیان معجزات حضرت موسی (ع) و مناظره او با فرعون، بیان حکمت در جداجدا نازل شدن قرآن (نزول تدریجی قرآن) و آداب نزول



آن<sup>۱</sup> و آداب دعا و خواندن قرآن، پاک و منزّه دانستن خداوند متعال از شریک و فرزند در آیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا» (اسراء/۱۱۱) تا فرموده: «وَكَبِّرُهُ تَكْبِيرًا» (اسراء/۱۱۱)

## ۱۸- بینشی در الحمد لله الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ..

### (سورة كهف)

این سوره به اتفاق علما، مکی است و تعداد آیات نزد کوفیان، ۱۱۰ آیه، نزد شامیان ۱۰۶ آیه، نزد حجازیان، ۱۰۵ آیه و نزد بصریان، ۱۱۱ آیه است. دارای ۱۵۷۹ کلمه و ۶۳۰۶ حرف است. یازده آیه در این سوره مورد اختلاف است: «وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف/۱۳)، «إِلَّا قَلِيلًا» (کهف/۲۲)، «ذَلِكَ غَدَاً» (کهف/۲۳)، «زَرَعًا» (کهف/۳۲)، «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کهف/۸۴)، «هَذِهِ أُبْدَاءُ» (کهف/۳۵)، «عِنْدَهَا قَوْمًا» (کهف/۸۶)، «فَأَتَّبِعْ سَبَبًا» (کهف/۸۵)، «ذَرِيَّتَهُ» (کهف/۵۰)، «الْأُخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (کهف/۱۰۳)

---

<sup>۱</sup> محقق محترم بیان می‌دارد که در اصل، کلمه «تلاوت» صحیح است که اشاره به این فرموده خدای تعالی است: «و قرآنًا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» (اسراء/۱۰۶) بنابراین فرموده خداوند: «لتقرأه علی الناس علی مکث» یعنی «علی تمهل» (آهسته و با درنگ خواندن) و آن از آداب تلاوت قرآن است. (محقق کتاب)



فاصله‌های آیات آن، بر حرف «الف» است. این سوره به دلیل دربرگرفتن داستان اصحاب کهف با تفصیل و شرح جزئیات آن، سوره «کهف» نامیده شده است.

**مقصود این سوره به اجمال عبارت است از:** بیان نزول قرآن بر پایه سنت‌های درست و استوار، تسلی خاطر و دلداری به پیامبر (ص) در مورد تأخیر کافران از ایمان آوردن، شرح شگفتی‌های داستان اصحاب کهف،<sup>۱</sup> دستور به پیامبر (ص) برای صبر و بردباری با فقیران، تهدید کافران به عذاب و بلا، وعده دادن به مؤمنان به پاداش نیکو و شایسته، ترسیم و تمثیل حال مومن و کافر به حال داستان دو برادر اسرائیلی، تشبیه دنیا به آب آسمان و گیاهان زمین، بیان اینکه باقی مانده از دنیا، تنها اطاعت خداست، ذکر احوال قیامت، خواندن کتاب‌ها (اعمال)، عرضه شدن مخلوقات بر حق، امتناع و خودداری ابلیس از سجده کردن، خواری کافران هنگام داخل شدن و ورود آن‌ها به آتش، جدال و بحث اهل باطل با اهل حق نیکوکار، ترساندن از هلاکت و نابودی امت‌های گذشته و ذلت و خواری آن‌ها، داستان موسی و یوشع و خضر (علیهم السلام) و

---

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر درباره داستان اصحاب کهف ر.ک. بلاغی، قصص قرآن،



شگفتی‌های احوال آن‌ها، داستان ذوالقرنین<sup>۱</sup> و رسیدن او به مشرق‌ها و مغرب‌ها و ساختن سدّی در مقابل سدّ یأجوج و ماجوج توسط او و نیز آنچه برای آن‌ها در آخرالزمان هنگام خروج رخ می‌دهد، یادآوری رحمت اهل قیامت، تباه‌شدن عمل کفر و ثمرات تلاش‌های مؤمنان نیکوکار، بیان اینکه کلمات قرآن دریا‌های علم است: که پایانی برای آن‌ها نیست و نه نهایی برای زمان و امتداد آن، دستور به اخلاص دائمی و همیشگی در عمل صالح، در این فرموده: «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰)

---

۱. ذوالقرنین شخصیتی است که از آن با عنوان پادشاهی مؤمن تعبیر می‌شود و در قرآن و متون مقدس از آن یاد شده است. وی پادشاهی جهانگشا بوده که بالشگرکشی به شرق و غرب عالم، مناطق وسیعی را به تصرف درآورد و به عدالت بر آن‌ها حکمرانی می‌نمود. «قرآن برای ذوالقرنین فتوحاتی در غرب و فتوحاتی در شرق و بناکردن سدّی آهنین در برابر قوم یأجوج و ماجوج را بیان می‌کند. نخستین صفت اخلاقی ذوالقرنین در قرآن، موضوع عدل و داد و رعیت‌نوازی او است. مهم‌ترین صفت او در قرآن اخلاص او در عبادت خدای یگانه و ایمان به حیات آخرت است.» (بلاغی، قصص قرآن، ص ۳۶۰، ۳۶۹ و ۳۷۰) درباره شخصیت و داستان ذوالقرنین اینکه اسکندر مقدونی بوده یا کوروش کبیر یا شخصی دیگر و ارتباط او با یأجوج و ماجوج ر.ک. همان، ص ۲۷۰-۲۷۲ و ص ۳۵۹-۳۷۵ و ر.ک. تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل آیه ۸۳ تا ۹۸ سوره مبارک کهف. (سخن مترجم)



## ۱۹- بینشی در کهیعض..

### (سورهٔ مریم)

این سوره به اجماع، مکی و دارای ۹۹ آیه است.<sup>۱</sup> تعداد کلمات آن، ۱۱۹۲ کلمه و حروف آن، ۳۸۰۲ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، شش آیه است: «ع ص»،<sup>۲</sup> «مریم/۱»، «فی الکتابِ ابراهیم» (مریم/۴۱)، «الرَّحْمَنُ مَدًّا» (مریم/۷۵) فاصله‌های آیات آن در عبارت «مدن» جمع شده است. آیه اول به فاصلهٔ دال: «صاد» (مریم/۱) حروف ماقبل هر آیه‌ای که آخر آن به فاصلهٔ «الف» است، حروف «ز»، «ی»، «د» (زید) است.

---

۱. این عدد نزد مکیان و اهل مدینه است، اما نزد کوفیان و شامیان و مدنیان و معاصران، ۹۸ آیه دربردارد. همچنین در مصحف ما بنا بر قرائت حفص از عاصم چنین است. (سخن محقق)

۲. اختلاف تنها در دو موضع واقع شده: «ابراهیم» و «مدأ». همانطور که ذکر شده عقل نمی‌پذیرد که اختلاف در «ع ص» باشد، زیرا همهٔ حروف در رسم الخط (نوشتار) واحد هستند و آن (کل حروف مقطعه آغاز سوره)، یک آیه به شمار می‌رود. (سخن محقق)



این سوره دو نام دارد: سوره «کهیعص»؛ به دلیل آغاز آن با این حروف، و سوره «مریم»؛ به دلیل اینکه داستان حضرت مریم را به تفصیل و شرح جزئیات دربردارد.

مقصود این سوره و بیشتر مراد از آن به طریق اجمال عبارت است از: وعده خداوند به بندگانش بر کفایت و هدایت، اجابت دعای زکریا و منت نهادن بر او به فرزندش یحیی و اعطای علم کتاب به او، ذکر شگفتی‌های ولادت عیسی و مادرش، خبر دادن از احوال قیامت، نصیحت ابراهیم به آزر (و مناظره آزر با او)<sup>۱</sup>، اشاره به نزدیکی موسی، ذکر راستگویی وعده اسماعیل، بیان رفعت مرتبه و مقام بلند ادریس، شکایت از فرزندان ناشایست و گمراه<sup>۲</sup>، حکایت بهشتیان و ذلت و خواری کافران در قیامت، عبور خلائق از گردنه صراط و گرفتار و مبتلا شدن برخی از آن‌ها به عذاب، پاسخ به کافران در فخر فروشی آن‌ها به مال و ثروت، خواری بت‌ها و پرستندگان آن‌ها در قیامت، و بیان حال بهشتیان و

---

<sup>۱</sup>. به اعتقاد مؤلف مراد از آزر پدر ابراهیم است و سزاوارتر این بود که معرفی و تعیین او به عنوان پدر را ترک کند، زیرا گفته شده است که آزر عمومی او بود و گفته شده که او نام بتی است و در واقع نام پدرش تارح بود. (سخن محقق)

<sup>۲</sup>. یعنی او به لحاظ اخلاقی و رفتاری، ناپسند و منحرف و فاسد است. اشاره دارد به فرموده خداوند: «فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات...» (مریم/۵۹) (سخن محقق)



جهنمیان، سختی و دشواری سخن کافران در جسارت آن‌ها بر اثبات فرزند و شریک برای خدای یگانه قهار، منت‌نهادن بر پیامبر با آسان ساختن قرآن بر زبان او، تهدید کافران به عذاب و مجازات امت‌های گذشته، در این فرموده: «هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا» (مریم/۹۸)

## ۲۰- بینشی در طه..

### (سورة طه)

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن نزد شامیان، ۱۴۰ آیه، نزد کوفیان، ۱۳۵ آیه، نزد حجازیان ۱۳۴ آیه و نزد بصریان، ۱۳۲ آیه است. دارای ۱۳۴۱ کلمه و ۵۲۴۲ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، ۲۱ آیه است: «طه» (طه/۱)، «ما عَشِيْتُمْ» (طه/۷۸)، «رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا» (طه/۹۲)، «نُسَبِّحُكَ كَثِيرًا» (طه/۳۳)، «و نَذْكُرُكَ كَثِيرًا» (طه/۳۴)، «مَجِبَةٌ مَنِ» (طه/۲۹)، «فتونا» (طه/۴۰)، «لنفسی» (طه/۴۱)، «ولاتحزن» (طه/۴۰)، «أهل مدین» (طه/۴۰)، «معنا بنی اسرائیل» (طه/۴۷)، «ولقد أوحینا إلی موسی» (طه/۷۷)، «أَسْفًا» (طه/۸۶)، «إله موسی» (طه/۸۸)، «وعداً حسناً» (طه/۸۶)، «إلیهم قولاً» (طه/۸۹)، «السّامری» (طه/۸۷)،



«فنی» (طه/۸۸)، «صفصفا» (طه/۱۰۶)، «منی هدی» (طه/۱۲۳)، «زهره الحیاء الدنیا» (طه/۱۳۱) فاصله‌های آیات آن در عبارت «یوماً» جمع شده است. یک آیه به فاصله میم: «ما غشیهم» (طه/۷۸) و یک آیه به فاصله واو: «ضَلُّوا» (طه/۹۲)

این سوره دو نام دارد: «طه» به دلیل آغاز این سوره و سوره «موسی» به دلیل آنکه داستان حضرت موسی (ع) را به تفصیل و شرح جزئیات دربردارد.

مقصود این سوره و بیشتر آنچه دربردارد عبارت است از: تسهیل و آسان نمودن امر بر پیامبر (ص)، ذکر استواء (استیلاء و تسلط خداوند بر تخت و عرش فرمانروایی)، علم خداوند متعال به نزدیک و دور (آشکار و نهان)، ذکر حضور موسی (ع) در وادی مقدس و نمایان ساختن شگفتی‌های عصای او و ید بیضاء، درخواست شرح صدر و آسان‌سازی امر [توسط موسی]، انداختن صندوق (تابوت حاوی موسی) در دریا، اثبات محبت موسی در دل‌ها، برگزیدن موسی توسط خداوند متعال و اختصاص دادن او به رسالت به سوی فرعون و آنچه بین آن دو از گفتگوها گذشت، وعده و قرار ملاقات در روز زینت (جشن)، حیل‌های فرعون و ساحران او با ریسمان‌ها و عصاها، (و ایمان ساحران)، و شکنجه فرعون برای آن‌ها، منت بر بنی اسرائیل با نجات آن‌ها از غرق شدن، تعجیل



و شتاب موسی و آمدن به طور، حیلۀ سامری در ساختن گوساله و گمراه کردن قوم، سرزنش موسی بر هارون به سبب گمراهی آن‌ها، سخن از قیامت، حال کافران در عذاب و مجازات آن‌ها، متلاشی شدن کوه‌ها، گردن‌نهادن و تسلیم شدن متکبران در بند اطاعت از خداوند زنده و پابنده، آداب خواندن قرآن، درخواست افزایش علم و بیان، سرزنش آدم به سبب فراموشی و آگاه ساختن او به وسوسه و حیلۀ شیطان، بیان مجازات فراموش کردن قرآن،<sup>۱</sup> نهی پیامبر از نگاه کردن به احوال کافران و طغیانگران و [نهی از] توجه کردن به آنچه از اموال و فرزندان به آن‌ها داده شده است، لزوم دلیل و حجت بر منکران با فرستادن رسولان همراه با برهان و آگاه ساختن کافران توسط پیامبر به انتظار خداوند در این فرموده: «قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ» (طه/۱۳۵) تا پایان سوره.

---

۱. این مطلب اشاره به فرمودۀ خداوند در آیه ۱۲۶ سوره مبارک طه است: «قال کذلک أتتک آیاتنا فَنَسِیتَها و کذلک الیومَ تُنسی» حمل آیات قرآن بر آیات دیگر جریان یافته است و این روش در مورد این آیه نیز گفته شده است. و گفته‌اند که نسیان و فراموشی آیات قرآن به معنای عمل نکردن به آن‌هاست. ظاهر کلام مؤلف این است که آن را بر فراموش کردن قرآن از یاد و عدم حفظ آن حمل می‌کند و این عدم حفظ می‌تواند در عدم عمل به آن نیز داخل شود. (سخن محقق)



## ۲۱- بینشی در اقترب للناس حسابهم..

(سوره انبیاء)

این سوره به اتفاق علما، مکی است. تعداد آیات آن نزد کوفیان، ۱۱۲ آیه و نزد بقیه، ۱۱۱ آیه است. دارای ۱۱۶۸ کلمه و ۴۸۷۰ حرف است. تنها یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «وَلَا يَضُرُّكُمْ» (انبیاء/۶۶) مجموع فاصله‌های آیات آن، «م» و «ن» (من) است.

این سوره به دلیل دربرگرفتن آن بر داستان‌های پیامبران، از جمله ابراهیم، اسحاق، یعقوب، لوط، نوح، سلیمان، داود، ایوب، اسماعیل، صالح، یونس، زکریا، یحیی و عیسی (علیهم‌السلام)، سوره «انبیاء» نامیده شده است.

هدف این سوره و آنچه به اجمال در بردارد عبارت است از: هشدار به حسابرسی در قیامت و نزدیکی زمان آن، توصیف غفلت و بی‌خبری کافران، اثبات نبوت و پیامبری، پیروزی و غلبه اهل حق بر اهل ضلالت، دلیل و حجت یگانگی خدا، خبر دادن از فرشتگان و اطاعت آن‌ها، بیان آفرینش آسمان‌ها و زمین با کمال قدرت الهی، سیر و حرکت ستارگان و گردش افلاک، خبر دادن از مرگ مخلوقات و نیستی و فناي آن‌ها، حفظ



و حراست بندگان در برابر آفات و خطرات توسط خداوند متعال،<sup>۱</sup> ذکر میزان و ترازوی عدالت در روز قیامت، ذکر ابراهیم با رشد فکری و هدایت‌یافتگی و انکار بت‌ها و بت‌پرستان توسط او، نجات و سلامت ابراهیم از آتش نمرود و تسلیم آن‌ها، نجات لوط از قومش که ستمگر بودند، نجات نوح و همراهانش از طوفان، حکم [و قضاوت] داود (ع) و فهم [و دانش] سلیمان (ع) و بیان تسخیر شیطان توسط او، تضرع و زاری ایوب (ع) [در بلاها و سختی‌ها]، دعای یونس (ع) [در شکم ماهی]، درخواست زکریا [و اجابت دعای او]، صلاحیت مریم (ع) [اشاره به پاکدامنی و برگزیدگی مریم] هلاکت و نابودی شهرها و روستاهایی که در طغیان و سرکشی، زیاده‌روی کردند، بازشدن سدّ یأجوج و مأجوج در آخرالزمان،<sup>۲</sup> ذلّت و خواری کافران و بت‌ها در ورود به آتش جهنم، عزت و سربلندی اهل طاعت و ایمان از ازل تا ابد در همهٔ زمان‌ها بر

---

۱. وكلاء الله یعنی حراست و حفاظت خداوند. اشاره به فرمودهٔ خداوند در آیهٔ ۴۲

سورهٔ مبارک انبیاء: «قُلْ مَنْ يَكْفُرْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ» (سخن محقق)

۲. یأجوج و مأجوج نام اقوامی که در قرآن و متون دینی یهودیت و مسیحیت از آن‌ها با عنوان قومی ظالم یاد شده است. بر اساس آیات قرآن، ذوالقرنین، سدّی را برای مقابله با نفوذ و فساد و آزار و اذیت آن‌ها احداث کرد. از بین رفتن سد و طغیان دوبارهٔ یأجوج و مأجوج از علائم آخرالزمان در متون دینی دانسته شده است. (سخن



بالاترین درجات بهشت، در هم پیچیدن آسمان‌ها در زمان وقوع قیامت، یادآوری [سرگذشت] امت‌های گذشته، منزلت و جایگاه کتاب‌ها [نازل-شده] در زمان‌های گذشته، مبعوث شدن پیامبر مصطفی (ص) با مهربانی، رحمت و نیکی، ابلاغ رسالت بر اساس قانون برابری و بدون کاستی و ترجیح یک طرف بر طرف دیگر، درخواست حکم و قضاوت خداوند مطابق با حق و حکمت در فرموده: «رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ» (انبیاء/۱۱۲)

## ۲۲- بینشی در یأیها الناس اتقوا ربکم..

### (سوره حج)

این سوره به اتفاق آرا، مکی است، جز شش آیه از آن که مدنی است: از آیه «هَذَا نِ حَصْمَانِ» (حج/۱۹) تا فرموده خداوند: «صِرَاطِ الْحَمِيدِ» (حج/۲۴) تعداد آیات آن طبق شمارش کوفیان، ۷۸ آیه، شمارش مدنیان، ۷۷ آیه، شمارش بصریان ۷۵ آیه و شمارش شامیان، ۷۴ آیه است. دارای ۲۲۹۱ کلمه و ۵۰۷۵ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، پنج آیه است: «الحمیم» (حج/۱۹)، «الجلود» (حج/۲۰)، «عاد و ثمود» (حج/۴۲)، «وَقَوْمِ لُوطٍ» (حج/۴۳) و «سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ» (حج/۷۸).



فاصله‌های آیات آن در عبارت «انتظم زبرجد قطّ» جمع شده است و یک آیه به فاصله همزه: «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج/۱۸) -

این سوره به دلیل دربرگرفتن آن بر مناسک حج و تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی و نیز فراخوان و ندادادن ابراهیم (ع) به مردم برای ادای فریضه حج، سوره «حج» نامیده شده است.

مقصود این سوره به طور خلاصه عبارت است از: سفارش به پرهیزگاری و اطاعت، بیان ترس و وحشت [ناشی از فرا رسیدن] روز قیامت و زلزله قیامت، دلیل و استدلال بر اثبات حشر و نشر، (ارائه استدلال و برهان بر اثبات زنده شدن و برانگیخته شدن مردگان و رستاخیز)، مجادله و ستیز اهل باطل با اهل حق، شکایت از منافقان پس از ثبات و پایداری، نکوهش و مذمت بت‌ها و پرستش آن‌ها، یادآوری نصرت و یاری رساندن به پیامبر اکرم (ص)، اقامه و ارائه برهان و دلایل روشن، خصومت و دشمنی مؤمن و کافر در دین توحید (اعتقاد به یگانگی خداوند)، دعوت و اذن دادن ابراهیم (ع) [توسط خداوند] به مسلمانان برای حج، بزرگداشت حرمت‌ها و شعائر (مناسک دینی)،



برتری و فضیلت قرآن<sup>۱</sup> در موسم حج، منت نهادن بر بندگان با دفع فساد و تباهی مفسدان، داستان چاه متروک و بدون استفاده، ذکر نسیان و فراموشی پیامبر (ص) و سهو ایشان در تلاوت قرآن، انواع حجت و دلیل بر اثبات [وقوع] قیامت، عجز و ناتوانی بت‌ها و پرستش‌کنندگان آن‌ها، برگزیدن رسول از [میان] فرشتگان و انسان‌ها، دستور مؤمنان به انواع عبادت و نیکوکاری و منت نهادن بر آن‌ها با نام اسلام و مسلمانان، پناه‌بردن و تمسک به حفظ و یاری خداوند و حمایت او در فرموده: «واعتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ» (حج/۷۹) تا فرموده: «وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج/۷۸)

## ۲۳- بینشی در قد أفلح المؤمنون..

### (سوره مؤمنون)

این سوره به اجماع علما، مکی است و تعداد آیات آن نزد کوفیان، ۱۱۸ آیه و نزد بقیه، ۱۱۹ آیه است. دارای ۱۲۴۰ کلمه و ۴۸۰۱ حرف است.

---

<sup>۱</sup> محقق محترم در پاورقی بیان می‌دارد که کلمه قرآن، محرّف کلمه «قربان» است و مراد از آن، «ذبح الهدی» (قربانی حیوانی شتری) که حاجیان برای قربانی به مکه آوردند) است. (خوارزمی، مفاتیح‌العلوم، ص ۲۱) (سخن مترجم)



آیه مورد اختلاف در آن: «وَأَخَاهُ هَارُونَ» (مؤمنون/۴۵) مجموع فاصله‌های آیات آن، «م» و «ن» (من) است.

این سوره به دلیل آغاز شدن آن با فلاح و رستگاری مؤمنان، سوره «مؤمنون» نامیده شده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون/۱)

مقصود این سوره و بیشتر آنچه در بردارد عبارت است از: بیان و تصریح به رستگاری مؤمنان، دلالت و راهنمایی به اخلاق مسلمانان، یادآوری شگفتی‌های آفرینش فرزندان در رَحِم‌ها، اشاره به مرگ و رستاخیز (برانگیخته شدن در قیامت)، منت خداوند بر مخلوقات با رویاندن درختان و جاری کردن رودها و یادآوری وسایل حمل و نقل (مراکب)، اشاره به هلاکت و نابودی قوم نوح، نکوهش و سرزنش کافران و منکران، ذکر [داستان] عیسی و مریم و پناه دادن و سکونت آن‌ها به مکانی بلند و با ثبات و امنیت، مهلت دادن به کافران در [انجام] گناهان و مخالفت‌ها، بیان حال مؤمنان در [انجام] عبادات و طاعات، بیان دلیل یگانگی خداوند و برهان و اثبات نبوت پیامبران، ذلت و خواری کافران پس از مرگ و عجز و ناتوانی آن‌ها در جهنم هنگام مجازات و مکافات و کیفر آن‌ها در آخرت، مطابق با رفتار و اعمالشان در دنیا در همه حالات، تهدید اهل لهو و لعب و سرگرمی‌های بیهوده و غفلت از یاد خدا، دستور



به پیامبر (ص) برای دعای امت و طلب آمرزش و رحمت الهی برای  
آن‌ها در فرموده: «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (فرقان/۱۱۸)

## ۲۴- پیشی در سورهٔ آنزلناها..

### (سورهٔ نور)

این سوره به اتفاق نظر علما، مدنی است. تعداد آیات آن در شمارش  
عراقی و شامی، ۶۴ آیه و در شمارش حجازی، ۶۲ آیه است. دارای  
۱۳۱۶ کلمه و ۵۶۸۰ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف  
است: «بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ» (نور/۳۶) و «يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ» (نور/۴۳) فاصله-  
های آیات آن در عبارت «لم نرب» جمع شده است. تنها یک آیه به  
فاصله لام: «بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ» (نور/۳۶) و دو آیه به فاصلهٔ باء: «بِغَيْرِ  
حِسَابٍ» (نور/۳۸) و «سَرِيْعِ الْحِسَابِ» (نور/۳۹)

این سوره به دلیل کثرت ذکر کلمهٔ نور در آن، سوره «نور» نامیده شده  
است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... مَثَلُ نُورِهِ... نُورٌ عَلَى نُورٍ... يَهْدِي  
اللَّهُ لِنُورِهِ» (نور/۳۵) «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور/۴۰)



مقصود این سوره و بیشتر آنچه در بردارد عبارت است از: بیان واجبات مختلف، آداب حد زناکار مرد و زن، نهی و بازداشتن از تهمت زدن به زنان پاکدامن و عفیف، حکم تهمت ناروا (قذف)<sup>۱</sup>، حکم لعان<sup>۲</sup>، داستان تهمت ناروا (افک)<sup>۳</sup> به زن پاکدامن و صدیقه (عایشه) و شکایت منافقین و وارد شدن و دست داشتن آن‌ها در این ماجرا، حکایت حال مخلصین در حفظ زبان، بیان عظمت کیفر و مجازات تهمت و بهتان، سرزنش و نکوهش رواج و اشاعه فحشا و ناپاکی، نهی از پیروی و تبعیت شیطان، منت به پاکیزه‌ساختن احوالات مؤمنان، شفاعت و وساطت برای

---

۱. قذف به معنای تهمت و نسبت دادن زنا یا لواط به شخصی است که در فقه اسلامی،

شرایطی برای آن ذکر شده است. (سخن مترجم)

۲. لعان به معنای لعن و نفرین کردن است و در فقه و حقوق اسلامی چنین است که شوهر همسر خود را متهم به زنا کند بدون اینکه شاهدی داشته باشد. در قرآن کریم سوره مبارک نور آمده است که شوهر برای اثبات اتهام خود باید چهار بار سوگند یاد کند که درباره این اتهام به همسر، راست می‌گوید. (سخن مترجم)

۳. افک به معنای بهتان و تهمت زدن است و ماجرای تهمت ناروا و فحشا به یکی از همسران پیامبر (ص) است که توطئه منافقان بر ضد پیامبر و تهمت به عایشه بود. خداوند در آیات سوره نور این توطئه دشمنان را بیان نموده و آن را از بین برده است. (سخن مترجم)



مسطح<sup>۱</sup> نزد صدیق (ابوبکر) در آغاز نیکی و احسان، مدح و ستایش عایشه به اینکه زنی پاکدامن و باوقار است، بیان اینکه زنان پاک برای مردان پاک‌اند، لعنت فرستادن بر کسانی که در ماجرای افک و تهمت به عایشه فرو رفتند و به آن پرداختند، نهی از ورود به خانه‌ها بدون اجازه و اعلام حضور قبلی، دستور به حفظ فروج (عفت و پاکدامنی) و پایین‌انداختن و فرو بستن چشم‌ها [از نامحرم]، دستور به توبه و بازگشت به سوی خدا برای همه مؤمنان، بیان [احکام] نکاح<sup>۲</sup> و ازدواج و شروط آن، ناخوشایند و ناپسند دانستن اجبار کسی بر زنا، تشبیه معرفت و آگاهی به چراغ و قندیل و درخت زیتون [در درخشندگی و برکت]، تمثیل و ارائه

---

۱. مسطح بن أثاثه با ابوبکر خویشاوندی داشت و ابوبکر هزینه‌اش را تأمین می‌کرد. او در ماجرای افک وارد شد، به همین دلیل، ابوبکر، انفاق و مخارج خود را بر او قطع کرد. خداوند درباره او این آیه را نازل کرد: «ولایاتل اولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا اولی القربی...» (نور/۲۲) پس ابوبکر به انفاق بر او بازگشت و دوباره مخارج او را تأمین کرد. (سخن محقق)

۲. برخی نکاح را به معنای وطیء گرفته‌اند و به کار رفتن آن را در معنی ازدواج، مجاز دانسته‌اند و فیروزآبادی آن را مشترک بین هر دو معرفی می‌کند. (فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۳۹۱) به نظر راغب، اصل نکاح برای عقد وضع شده است و از باب استعاره به جماع نیز گفته می‌شود و نکاح، محال است که در اصل برای جماع وضع شده باشد و از باب استعاره به عقد اطلاق شود. (راغب، المفردات، ذیل نکح) (سخن مترجم)



مثالی از اعمال و احوال کافران، ذکر پرندگان و تسبیح و ذکر آن‌ها، آشکارساختن شگفتی‌های آفرینش خداوند در فرستادن باران، توضیح و تفصیل انواع و گونه‌های حیوانات، تسلیم و فروتنی در برابر فرمان خداوند با تواضع و فروتنی، خلافت و جانشینی صدیق (ابوبکر)<sup>۱</sup>

---

۱. برگرفته از آیه ۵۵ سوره مبارک نور: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَكُمْ فِي الْأَرْضِ...» پس در این آیه، خداوند سبحان کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، جانشین خواهد کرد. پس خلافت برای ابوبکر واقع شد. او از کسانی است که ایمان آورد و عمل صالح انجام داد، بنابراین خلافت او پسندیده است. خداوند در خلافتش پس از ترس، او را با پیروزی‌اش در جنگ‌های رده و گشایش سرزمین‌ها توسط او و استقرار یافتن امر دین، ایمن گردانید. همان‌گونه که این آیه برای [خلافت] ابوبکر شهادت می‌دهد برای سایر خلفای راشدین نیز شهادت می‌دهد (سخن محقق)

درباره این آیه و شأن صدور آن اختلاف فراوان است. طبق تفاسیر امامیه و روایات شیعه، این آیه جانشینی حضرت علی (ع) را بیان می‌کند و اینکه مصداق کامل آن، حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است. (سخن مترجم) برای توضیح بیشتر درباب این آیه ر.ک. طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹-۲۱۷) علامه در پایان بحث خود درباره این آیه می‌نویسد: «حق مطلب این است که اگر واقعا بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم و همه تعصبات را کنار بگذاریم، آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی (ع) به زودی منعقد می‌شود قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست. و اما اگر پای مسامحه و سهل‌انگاری در تفسیر مفردات و جملات آن راه دهیم، آن وقت ممکن است بگوییم مراد از استخلاف (الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) استخلاف همه امت است، (نه همان طور که گفتیم دسته‌ای مخصوص)، آن وقت در



استحکام و پایداری پیوند برادری، بیان حکم اجازه‌خواستن کودکان و بردگان، برداشتن مشقّت و رفع تکلیف از نابینایان و بیماران و افراد لنگ، دستور به حفظ حرمت و احترام سرور انس و جان (پیامبر اکرم)، تهدید منافقان و هشدار دادن و برحذر داشتن آن‌ها از نافرمانی، ختم و پایان یافتن این سوره به این‌که پادشاهی و ملکوت از آن خداست با این فرموده: «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور/۶۴) تا پایان آن: «علیم» (نور/۶۴)

## ۲۵- بیشی در تبارک الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ..

### (سورة فرقان)

این سوره به اتفاق نظر علما، مکی و تعداد آیات آن، ۷۷ آیه است. دارای ۸۷۲ کلمه و ۳۷۳۳ حرف است. مجموع فاصله‌های آیات آن، «لا» است. تنها یک آیه به فاصله لام است: «ضَلُّوا السَّبِيلَ» (فرقان/۱۷)

---

جواب اینکه همه امت مصداق (الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) نیستند، بگوئیم این از باب تغلیب است، که از آن باب به شمس و قمر می‌گوئیم: شمسين، (دو آفتاب) یا قمرین (دو ماه) و یا پاسخی نظیر آن بدهیم. (طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۷)



این سوره، چون در آغاز آن، ذکر فرقان آمده، سوره «فرقان» نامیده شده است، در فرموده: «نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهِ» (فرقان/۱) -

**مقصود این سوره و بیشتر آنچه در بردارد عبارت است از: منت نهادن** به نازل کردن قرآن و اعلامیه رسالت سرور فرزندان عدنان،<sup>۱</sup> و پاک و منزهدانستن خداوند متعال از فرزند و شریک، نکوهش بت‌ها، و شکایت از مشرکان به سبب طعن زدن به پیامبران به بهانه خوردن غذا در پست‌ترین مکان، درخواست‌های محال و پیاپی معجزات از پیامبران در هر زمانی، ذلت مشرکان در عذاب و خواری، عزت مؤمنان در پاداش آن‌ها با بهشت‌های فردوس، سخن گفتن و خطاب خداوند با فرشتگان در قیامت به عنوان تهدیدی برای کافران و طغیان‌گران، بشارت فرشتگان

---

<sup>۱</sup>. عدنان یکی از اجداد پیامبر (ص) است. عدنانی یا اعراب مستعربه به عرب‌های شمالی شبه جزیره عربستان اطلاق می‌شود که خود را از نژاد عدنان، نواده حضرت اسماعیل (ع) می‌دانند، در مقابل قحطانی یا اعراب عاربه که به عرب‌های جنوبی شبه جزیره عربستان گفته می‌شود. (سخن مترجم) تقسیم کلی قبایل عرب به قحطانی و عدنانی در دوره اسلامی پیدا شده است. تقسیم همه قبایل به دو شاخه و شعب بزرگ یمانی و نزاری در اوایل اسلام صورت گرفته است. قریش که ساکنان مکه بودند، نسب خود را به نزار پسر معد بن عدنان می‌رسانند به همین جهت نزاری یا معدی یا عدنانی محسوب می‌شدند. اما ساکنان یثرب (مدینه) که به طور عمده از دو قبیله اوس و خزرج بودند و از جنوب آمده بودند. «(زریاب خویی، سیره رسول‌الله، ص ۲۷)



به مجرمان به مجازات در آتش، باطل شدن اعمال کفار در روزی که میزان و ترازو برپا می‌شود، خبردادن از جایگاه مؤمنان در درجات بهشت، شکافته شدن آسمان‌ها به سبب فرمان هیبت و عظمت و تدبیر بندگان، خبردادن از پشیمانی ستمکاران در روز هیبت و سخن گفتن اعضا و جوارح، ذکر ترتیب و ترتیل در نزول قرآن، حکایت حال امت‌های گذشته، تشبیه کفار به چهارپایان، پست‌ترین حیوانات و برتری دادن چهارپایان بر آن‌ها از هر جهت، شگفتی‌های آفرینش الهی در ضمن [پدیده‌هایی مانند] سایه و خورشید، آفرینش شب و روز، آفت‌ها و زمان‌ها، منت‌نهادن به نازل کردن باران، رویاندن درختان در هر مکان، بیان حجت و دلیل در [وجود] آب‌های مختلف در دریاها، ذکر نسب و خویشاوندی و پیوند ازدواج در نوع انسان، شگفتی‌های ستارگان، برج‌ها، گردش فلک، حرکت خورشید و ماه، تفصیل و شرح صفات بندگان و ویژگی‌های آن‌ها از جمله فروتنی و تواضع، دستور به شب زنده‌داری و پناه‌بردن به خدا از آتش، ذکر تنگدستی و فقر و نیز میانه‌روی و اعتدال در خرج کردن و مخارج زندگی، پرهیز و دوری گزیدن از شرک و زنا و کشتن انسان با ستم و دشمنی (تجاوز)، روی آوردن به توبه، روی گرداندن از سخنان لغو و بیهوده و دروغ، وعده‌دادن غرفه‌ها [اتاق‌های بهشتی] به کسانی که در راه عبادت خدای رحمان صبر می‌کنند، و بیان اینکه حکمت در آفرینش مخلوقات، تضرع و دعا و زاری به درگاه خداوند



کریم و بخشنده است، با این فرموده: «مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»  
(فرقان/۷۷) تا پایان آیه.

## ۲۶- بینشی در طسم . تلک.. الشعراء..

### (سورة شعراء)

این سوره مکی است، به جز یک آیه: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»  
(شعراء/۲۲۴) تا آخر آن. تعداد آیات آن در شمارش کوفی و شامی، ۲۲۷  
آیه و در شمارش بقیه، ۲۲۶ آیه است. دارای ۱۲۷۷ کلمه و ۵۵۴۲ حرف  
است. آیات مورد اختلاف در این سوره، چهار آیه است: «طسم»  
(شعراء/۱)، «فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (شعراء/۴۹)، «أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ»  
(شعراء/۹۲)، «وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ» (شعراء/۲۱۰) فاصله‌های آیات  
آن در عبارت «مِلَن» جمع شده است. چهار آیه به فاصله لام که آخر آن،  
«اسرائیل» است (شعراء/۱۷، ۲۲، ۵۹ و ۱۹۷).

این سوره به دلیل پایان یافتن آن با ذکر شاعران در فرموده: «وَالشُّعْرَاءُ  
يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء/۲۲۴)، سوره «شعراء» نامیده شده است.



مقصود و هدف این سوره و تمام آنچه دربرگرفته عبارت است از: یادآوری سوگند با بیان آیات قرآن، تسلی خاطر و دلداری به رسول (ص) از تأخیر منکران در ایمان آوردن، یادآوری موسی و هارون، مناظره فرعون ملعون، یادآوری ساحران و مکرشان در ابتدا و ایمان و تسلیم شدن آنها در انتها، خروج و مهاجرت موسی با بنی اسرائیل از مصر و تعقیب آنها توسط فرعون، شکافته شدن دریا و غرق شدن قبطیان [مصریان، لشکریان فرعون]، یادآوری کوه [طور] و ذکر مناجات [حضرت موسی با خداوند]، دعای ابراهیم خلیل، یادآوری استغاثه و فریادخواهی کافران از عذاب آتش، داستان نوح و یادآوری طوفان، تجاوزگری قوم عاد، یادآوری هود، ذکر مجازات ثمود، یادآوری قوم لوط و اعمال زشت آنها، داستان شعیب و هلاکت و نابودی اصحاب ایکه<sup>۱</sup> به سبب تباهی و فساد آنها، نزول جبرئیل بر پیامبر (ص) با قرآن عربی (نزول قرآن عربی توسط جبرئیل بر پیامبر)، تفصیل و بیان حال امت‌های گذشته فراوان، دستور به رسول

---

۱. اصحاب الایکه تعبیری قرآنی و نام قوم حضرت شعیب است که چهار بار در قرآن از آنها یاد شده است؛ از جمله آیه ۱۷۶ سوره مبارک شعراء. این قوم بر اثر کم‌فروشی و تکذیب پیامبر خود گرفتار عذاب الهی و هلاک شدند. «ایکه به معنی درخت درهم پیچیده و مفرد کلمه ایک است و هر درخت درهم پیچیده‌ای (باغ دارای گیاه‌های فراوان و درهم پیچیده) نزد عرب، ایکه نامیده می‌شود و اصحاب الایکه همان، اهل مدین هستند.» (طبری، جامع‌البیان، ج ۱۷، ص ۶۳۲ و ۶۳۳)



(ص) برای انذار و هشدار عشیره و خویشاوندان و تواضع و فروتنی او نسبت به مؤمنان و اخلاق نرم و مهربانش، بیان گمراهی و انحراف شاعران جاهلی و اینکه عذاب، عاقبت و سرانجام کسانی است که ستم می‌کنند در این فرموده خداوند: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/۲۲۷)

## ۲۷- پیشی در طس . تلک آیات القرآن..

### (سوره نمل)

این سوره به اتفاق نظر مکی است و تعداد آیات آن در شمارش حجاز ۹۵ آیه، در شمارش شام و بصره، ۹۴ آیه و در شمارش کوفه، ۹۳ آیه است. دارای ۱۱۴۹ کلمه و ۴۷۹۹ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره عبارت‌اند از: «وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ» (نمل/۳۳) و «مَنْ قَوَّارِبًا» (نمل/۴۴) مجموع فاصله‌های آیات آن، «من» است.

این سوره به دلیل دربرگرفتن گفتگوی مورچگان با سلیمان در فرموده: «قَالَتْ نَمَلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمَلُ ادْخُلُوا» (نمل/۱۸) سوره «نمل» نامیده شده است.



مقصود اصلی این سوره و بیشتر آنچه در بردارد عبارت است از: بیان منزلت و شرافت قرآن و نصیب و بهره‌ای که اهل ایمان از آن دارند، شکوه و شکایت از حيله‌گری مشرکان و گناهکاران، اشاره به ذکر وادی مقدس و موسی بن عمران، یادآوری داستان داود و سلیمان و تفضل و احسان خداوند متعال بر آن دو با تعلیم و آموختن زبان پرندگان و سایر حیوانات به ایشان، داستان مورچگان، ذکر هدهد و ماجرای بلقیس و [رساندن] نامه هدهد از جانب سلیمان به او، مشورت بلقیس با بزرگان و ارکان دولت خود، بیان تأثیر و پیامد حضور پادشاهان، هنگامی که در مکانی وارد شوند و فرود آیند، هدیه فرستادن بلقیس به سلیمان، تهدید او توسط سلیمان، فراخواندن آصف [توسط داود] برای حاضرکردن تخت بلقیس در سریع‌ترین زمان و تغییر وضعیت تخت برای امتحان بلقیس و ایمان آوردن او به دست سلیمان، داستان حضرت صالح (ع) و نیرنگ و توطئه قومش در حق او، ذکر گوشه‌ای از داستان قوم لوط که سرکش و طغیان‌گر بودند، برهان و دلایل [توحید و قدرت الهی] در باغ‌ها و درختان و دریاها و رودخانه‌ها، اجابت و پذیرش دعای اهل - تضرع توسط خداوند و زاری و التماس خالصانه به درگاه خداوند رحمان، هدایت مخلوقات در تاریکی‌های خشکی و دریا توسط خداوند، آگاهی خداوند متعال بر اسرار پنهان و غیب، دلداری و تسلی دادن به



پیامبر (ص) در برابر روی‌گردانی منکران از پذیرش قرآن و قبول ایمان، بیرون آمدن جنبندگان و موحدات زنده و آشکارشدن نشانه‌های قیامت و خبردادن از وضعیت کوه‌ها در آن روز، بیان مجازات و جزای مجرمان، روی‌گردانی پیامبر از مشرکان و روی‌آوردن ایشان به قرآن کریم، امر خداوند به پیامبر برای حمد و ستایش به سبب آشکارکردن حجت و دلیل، یعنی قرآن، در این فرموده: «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ» (نمل/۹۳)

## ۲۸- بینشی در طسم.. الْقَصَص..

### (سوره قصص)

این سوره به اتفاق نظر، مکی و تعداد آیات آن، ۸۸ آیه است. دارای ۱۴۰۱ کلمه و ۵۸۰۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، دو آیه است: «طسم» (قصص/۱) و «يَسْتَفُونَ» (قصص/۲۳). فاصله‌های آیات آن، «لم تر» است.

این سوره به دلیل دربرداشتن آن بر قصص و داستان‌ها، در فرموده: «وَقَصَّ عَلَيَّ الْقَصَصَ» (قصص/۲۵)، سوره «قَصَص» نامیده شده است؛ یعنی موسی داستان [زندگی خود] را برای شعیب بازگو کرد.



هدف این سوره عبارت است از: بیان ستم فرعون بر بنی اسرائیل، ولادت موسی و محبت آسیه به او، بازگرداندن موسی به مادرش، داستان [نزاع و درگیری] قبطی (مصری) و اسرائیلی، مهاجرت موسی از مصر به مدین و آب دادن او به [گوسفندان] دختران شعیب، استخدام موسی توسط شعیب، خروج موسی از مدین، ظهور نشانه‌های پیامبری و نبوت، [داستان] ید بیضاء (دست نورانی و درخشان)، تبدیل شدن عصا [به اژدها]، یاری رساندن خداوند متعال به او به وسیله برادرش هارون، حيله‌گری و نیرنگ هامان در مخالفت با موسی، خبر دادن خداوند متعال از آنچه در کوه طور [سینا] اتفاق افتاد، ستایش مؤمنان اهل کتاب، داستان هلاکت و نابودی امت‌های گذشته، مناظره مشرکان در روز قیامت، اختیار و انتخاب خداوند متعال بر آنچه او بخواهد، اقامه برهان و دلیل بر وجود حق [خداوند] با قهر و غلبه او،<sup>۱</sup> وعده دادن به پیامبر (ص) مبنی بر بازگشت به مکه، و بیان اینکه هر آنچه غیر از حق باشد، در معرض نابودی و زوال است، و بی‌گمان اختیار و زمام حکومت و فرمانروایی در دست خداوند متعال است، در این فرموده: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص/۸۸)

---

۱. اشاره به این فرموده خداوند است: «وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (قصص/۷۵)



## ۲۹- پیشی در الم . أَحْسِبَ النَّاسَ..

### (سوره عنكبوت)

این سوره به اجماع، مکی و به اتفاق علما، دارای ۶۹ آیه است. دارای ۹۸۰ کلمه و ۴۱۹۵ حرف است. سه آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الم» (عنكبوت/۱)، «وَتَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ» (عنكبوت/۲۹) و «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (عنكبوت/۶۵) فاصله‌های آیات آن، «نَمِر» است. تنها یک آیه به فاصلهٔ راء: «قدیر» (عنكبوت/۲۰).<sup>۱</sup>

این سوره به دلیل تکرار ذکر عنكبوت در آن، سوره «عنكبوت» نامیده شده است: «كَمَثَلِ الْعُنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنكَبُوتِ» (عنكبوت/۴۱)

هدف اصلی این سوره عبارت است از: توبیخ و سرزنش مدعیان [ایمان] و تشویق پرهیزگاران، سفارش به نیکوکاران به نیکی و احسان به پدر و مادر، شکایت از منافقان در مورد جسارت و گستاخی آن‌ها در پذیرفتن بار گناهان، اشاره به بلا و امتحان نوح و خلیل (ع) (ابراهیم) به منظور دلداری و تسلی خاطر حبیب [پیامبر اکرم (ص)]، مهاجرت

---

<sup>۱</sup>. مؤلف به اشتباه، یک آیه را به فاصله راء ذکر کرده، اما آیه نوزدهم این سوره: «عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» و آیه بیست و دوم: «مَنْ وُلِّيَ وَلَا نَصِيرَ» نیز دارای فاصلهٔ راء است. (سخن مترجم)



ابراهیم از میان قومش به مکانی غریب و ناآشنا، موعظه و اندرز لوط به قومش به سبب انتخاب پلیدی<sup>۱</sup> و عدم پندگرفتن آن‌ها و [در نتیجه] نابودی‌شان توسط خداوند، اشاره به داستان شعیب، سرزنش بت پرستان و توییح آن‌ها، مثال زدن و تشبیه بت به خانه عنکبوت، اقامه دلایل و استدلال‌های توحید، نهی و بازداشتن نماز از فحشاء و منکر (اعمال ناشایست و ناپسند)، [بیان] آداب بحث و مجادله با منکران و بدعت‌گذاران، بیان حکمت در اُمّی بودن (درس ناخوانده) پیامبر ما (ص)، خبر دادن از عجله کافران در طلب و درخواست عذاب و اینکه هر نفسی<sup>۲</sup> (جانی) ناگزیر می‌میرد، وعده پاداش به مؤمنان، ضمانت الهی بر روزی هر جنبنده‌ای، بیان اینکه دنیا سرای نیستی و مرگ است و اینکه آخرت، سرای پایداری و زندگی است، بیان حرمت حرم [مکه] و امنیت آن، خبر دادن به اینکه جهاد، بهای هدایت است و اینکه عنایت خداوند با نیکوکاران است، در این فرموده خداوند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» (عنکبوت/۶۹) تا پایان سوره.

---

۱. خُبْتُ جمع خبیث، گروهی ناپاک و پلید که قصد انتخاب کردن مردان و آمدن نزد آن‌ها (برای انجام عمل منافی عفت) را دارند. (سخن محقق)

۲. این مطلب بر اساس تفسیر نفس به انسان است و در قرآن مؤنث بودن نفس آمده است؛ مانند: «كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت/۵۷)



### ۳۰- بینشی در الم . غُلبت الروم..

#### (سوره روم)

این سوره به اجماع، مکی و تعداد آیات آن نزد مکیان، ۶۵ آیه و نزد بقیه، ۶۰ آیه است. دارای ۸۰۷ کلمه و ۳۵۳۰ حرف است. آیات مورداختلاف در این سوره، چهار آیه است: «الم» (روم/۱)، «غُلِبَتِ الرُّومُ» (روم/۲)، «فِي بَضْعِ سِنِينَ» (روم/۴) و «يُقَسِّمُ الْمُجْرِمُونَ» (روم/۵۵) فاصله‌های آیات آن، «نمر» است. دو آیه بر فاصله راء: «قدیر» (روم/۵۰ و ۵۴) در دو موضع. این سوره به دلیل ذکر غلبه و پیروزی روم در آن. سوره «روم» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** پیروزی و غلبه رومیان بر ایرانیان، عیب کافران در توجه و روی آوردنشان به دنیا، اخبار امت‌های گذشته، یادکردن برپایی قیامت، آیات و نشانه‌های توحید، برهان‌ها و حجّت‌های پی‌درپی و متعدد دالّ بر ذات و صفات الهی، بیان برانگیخته شدن در قیامت، تمثیل و توصیف حال مؤمنان و کافران، تثبیت و قابت- قدم ساختن مؤمنان بر ایمان، امر به معروف و نیکی و احسان به خویشاوندان، وعده پاداش در برابر پرداخت زکات، خبردادن از آشکارشدن فساد در خشکی و دریا و درباره نشانه‌های قیامت، یادآوری شگفتی‌های آفرینش در ابرها و باران‌ها، آشکارشدن نشانه‌های رحمت



در بهار، پافشاری کافران بر کفر، آفرینش مخلوقات توسط خداوند همراه با ضعف و ناتوانی، زنده کردن دوباره مخلوقات پس از مرگ، حشر [جمع نمودن انسان‌ها در روز قیامت به منظور حسابرسی] و نشر [پراکندن انسان‌ها از قبور برای حضور در صحنه محشر]، تسلی و دلداری دادن رسول خدا (ص) و آرام کردن ایشان در برابر جفا و بی‌مهری مشرکان و آزار و اذیت آن‌ها در این فرموده: «وَلَا يَسْتَحْفِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ» (روم/۶۰)

### ۳۱- پیشی در الم.. لقمان..

#### (سوره لقمان)

سوره مکی است، به جز دو آیه ۲۷ و ۲۸ که مدنی هستند: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و «مَا خَلَقُكُمْ وَلَا بَعْنُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ». تعداد آیات آن نزد اهل حجاز، ۳۳ آیه و نزد بقیه، ۳۴ آیه است. دارای ۵۴۸ کلمه و ۲۱۱۰ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الم» (لقمان/۱) و «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (لقمان/۳۲) فاصله‌های آیات آن در عبارت «ظن مرد» و «مد نظر» جمع



شده است و تنها یک آیه بر فاصله دال: «... هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (لقمان/۲۶)<sup>۱</sup> و یک آیه بر فاصله ظاء است: «نُمَتَّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ» (لقمان/۲۴) این سوره به دلیل اینکه داستان لقمان را دربردارد، سوره «لقمان» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت‌اند از:** بشارت مؤمنان به نزول قرآن و دستور به اقامه نماز و ادای زکات، شکوه از قومی که به سخن بیهوده و لغو اشتغال دارند و شکایت از مشرکان در اعراض و روی‌گرداندن از حق و اقامه دلیل و برهان بر آن‌ها، منت و نعمت بر لقمان به سبب آنچه از حکمت به او عطا شده و سفارش به احسان و نیکی به پدر و مادر، سفارش و توصیه لقمان به فرزندانش، منت بر کامل‌کردن و پراکندن نعمت، لزوم حجت و دلیل بر گمراهان، بیان اینکه کلمات قرآن سرشار از دریاهای معانی است، دلیل و حجت بر حقانیت برانگیختن و قیامت، شکایت از مشرکان به دلیل روی‌آوردن به حق در زمان سختی و رنج، و روی‌گرداندن آن‌ها از حق در زمان نعمت، ترساندن مردم به سختی‌های قیامت و رعب و وحشت آن، و بیان اینکه پنج علم مختص و منحصر به

---

<sup>۱</sup>. مؤلف به اشتباه، یک آیه را به فاصله دال ذکر کرده، اما آیه دوازدهم این سوره نیز دارای

فاصله دال است: «فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (سخن مترجم)



پروردگار یگانه بلندمرتبه است، در فرموده: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»  
(لقمان/۳۴) تا پایان سوره.

## ۳۲- بینشی در الم. تنزیل..

### (سوره سجده)

این سوره بنا بر اتفاق نظر، مکی است، به جز سه آیه که مدنی هستند:  
«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا» (سجده/۱۸) تا پایان سه آیه. تعداد  
آیات آن نزد بصریان، ۲۹ آیه و نزد بقیه، ۳۰ آیه است. دارای ۳۳۰ کلمه  
و ۱۵۹۹ حرف است. دو آیه در این سوره، مورد اختلاف است: «الم»  
(سجده/۱) و «خَلَقَ جَدِيدًا» (سجده/۱۰) فاصله‌های آیات آن، «م»، «ل»،  
«ن» (ملن) است و دو آیه به فاصله میم: «الم» (سجده/۱) و «الْعَزِيزُ  
الرَّحِيمُ» (سجده/۶) و یک آیه به فاصله لام است: «هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ»  
(سجده/۲۳)



این سوره سه نام دارد: سوره سجده؛ به دلیل اشمال آن بر سجده تلاوت، دوم سجده لقمان؛ برای تمایز از «حم السجده»<sup>۱</sup> و سوم المضاجع؛ به دلیل فرموده: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» (سجده/۱۶) هدف اصلی این سوره عبارت است از: نازل کردن قرآن، انذار و هشدار دادن به سرور پیامبران (ص)، آفرینش آسمان و زمین و آفرینش مخلوقات و اختصاص دادن و برگزیدن انسان از میان آن‌ها، گماشتن و مسلط کردن فرشته مرگ برای گرفتن جان‌ها و روح‌ها، رویاروساختن گناهکاران با اعمالشان در روز قیامت<sup>۲</sup> (ترسیم صحنه‌های ناخوشایند و سرنوشت شوم گناهکاران در قیامت)، پُرساختن دوزخ از منکران و گمراهان، به سجده افتادن و خضوع کامل بندگان خاص در دل شب‌ها برای عبادت<sup>۳</sup> و خبردادن آن‌ها به آنچه در آخرت از انواع کرامت برایشان ذخیره شده است، جداکردن و تمایز میان فاسقان و راستگویان در جزا و پاداش در روز بازگشت (قیامت)، دلداری و تسلی خاطر به پیامبر (ص)

---

۱. نام دیگر سوره فصلت، «حم سجده» است.

۲. رسواکردن گناهکاران از طریق انجام عملی که برایشان ناخوشایند است. گفته می‌-

شود: شور به: یعنی با او کاری کرد که از آن شرم می‌شود. (سخن مترحم)

۳. منظور به خاک افتادن آن‌ها در سجده است، همانطور که این فرموده خداوند به آن

اشاره دارد: «أَمَّا يَوْمُنَا بآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا» (سجده/۱۵) (سخن

محقق)



با بیان احوال پیامبران گذشته، بیان دلایل و برهان منکران توحید و یگانگی خداوند، دستور به رسول (ص) به روی گرداندن از مکافات و پاداش دادن به کافران و دستوردادن به او به انتظار نصرت و پیروزی الهی، با فرموده: «فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ» (سجده/۳۰)

### ۳۳- بینشی در یایّها النّبی اتق الله..

(سوره احزاب)

این سوره به اتفاق نظر علما، مدنی و دارای ۷۳ آیه است. دارای ۱۲۸۰ کلمه و ۵۷۹۶ حرف است. فاصله‌های آیات آن، «ل» و «ا» (لا) است و تنها یک آیه از این فواصل، حرف لام است: «يَهْدِي السَّبِيلَ» (احزاب/۴) این سوره به دلیل اشمال آن بر داستان جنگ احزاب در فرموده: «يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا» (احزاب/۲۰) سوره «احزاب» نامیده شده است.

هدف اصلی این سوره که آن را در برگرفته عبارت است از: فرمان به تقوای الهی، و اینکه در یک سینه دو دل وجود ندارد (هم گرایش به خدا و حق و هم گرایش به باطل و نفاق)، فرزندخوانده به منزله فرزند و پسر



نیست (غیرهم‌سان بودنِ فرزندخوانده با فرزندِ صُلبی و واقعی)، و اینکه پیامبر (ص) برای مؤمنان به منزلهٔ پدر و همسران پاک او به منزلهٔ مادران است (جایگاه پدرانۀ پیامبر برای مؤمنان و مقام مادرانۀ همسران پاک آن حضرت برای مؤمنان)، گرفتن پیمان از پیامبران و پرسش از صدق راستگویان، یادآوری جنگ احزاب، شکایت از منافقان و نکوهش روی‌گردانان از حق، وفای مردان به عهد و پیمان، بازگرداندن خشم کافران به خودشان، اختیار دادن به مادران مؤمنان (همسران پیامبر) و اندرز و خیرخواهی برای آن‌ها، بیان شرافت اهل بیت پاک و وعده پاداش‌های فراوان به مردان و زنان مسلمان، داستان ازدواج زید و زینب<sup>۱</sup> و برداشتن مشقّت و تنگنا از پیامبر (ص)، خاتمیت پیامبران با محمد (ع)، فرمان به ذکر فراوان و صلوات و سلام بر مؤمنان، خطاب‌ها و دستورات شریف و ارجمند به سرورمان مصطفی (ص)، بیان احکام ازدواج، طلاق و عدّه و ویژگی‌های خاص پیامبر (ص) در زمینه نکاح و ازدواج و اختیار ایشان در تقسیم اوقات بین همسران و نیز منع ایشان از تغییر و جایگزین کردن

---

<sup>۱</sup> زینب بنت جحش، دختر عمه پیامبر و همسر زید بن حارثه، پسرخوانده پیامبر اسلام (ص) است. زینب بنت جحش بنا به درخواست پیامبر با زید بن حارثه ازدواج کرد و از او فرزندی به دنیا آورد به اسم‌ه که از صحابهٔ نزدیک پیامبر (ص) بود. پس از یک سال، میان زینب و زید اختلاف افتاد و تصمیم به جدایی گرفتند. ماجرای این طلاق و ازدواج در سورهٔ احزاب آمده است. (سخن مترجم)



آن‌ها، نهی اصحاب از ورود به حجره پیامبر (ص) بدون اجازه ایشان، دستور به زدن پرده و حجاب‌انداختن، نهی مؤمنان از ازدواج با همسران پیامبر پس از ایشان، موافقت و همراهی با فرشتگان در صلوات و درود- فرستادن بر پیامبر (ص)، تهدید آزاردهندگان پیامبر و مؤمنان، آموزش آداب زنان در هنگام خروجشان از خانه، تهدید منافقان در انتشار و پراکندن شایعات و اخبار دروغین، خواری و ذلت کافران در آتش، نهی از آزار رساندن به پیامبر (ص)، فرمان به گفتار استوار و صحیح، بیان عرضه امانت بر آسمان‌ها و زمین [و ناتوانی آن‌ها در پذیرش آن و پذیرش این امانت توسط انسان]، بیان عذاب منافقان و توبه مؤمنان، در فرموده: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ» (احزاب/۷۲) تا پایان سوره.

### ۳۴- بینشی در الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی

الأرض..

(سوره سباء)

این سوره به اتفاق نظر علما، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش شامیان، ۵۵ آیه و در شمارش بقیه، ۵۴ آیه است. دارای ۸۸۰ کلمه و



۴۵۱۲ حرف است. تنها یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ» (سباء/۱۵) فاصله‌های آیات آن، «ظَنّ لَمْدَبِرٍ» است.

این سوره به دلیل دربرگرفتن آن بر داستان قوم سبأ، سوره «سبأ» نامیده شده است: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ» (سباء/۱۵)

**هدف و مقصود این سوره عبارت است از:** بیان دلیل و حجت یگانگی خداوند (توحید)، برهان و اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص)، معجزات حضرت داود و حضرت سلیمان و بیان داستان وفات آن دو پیامبر، شرح نابودی و هلاکت قوم سبأ و بیان شومی ناسپاسی و عدم شکرگزاری (کفران نعمت)، لزوم اقامه دلیل و حجت قاطع بر بت پرستان، مناظره و بحث درباره ماهیت و ریشه‌های گمراهی و فرومایگی و پستی ناشی از آن (یا پستی و فرومایگی افراد پیروی گمراهی)، تعامل و رفتار امت‌های گذشته با پیامبران الهی، وعده جبران و پاداش به انفاق‌کنندگان و تصدیق‌کنندگان با وجود اختلاف، بازگشت به لزوم اقامه حجت بر منکران نبوت، بیان آرزوی کافران در هنگام وفات برای بازگشت دوباره به دنیا، در این فرموده خداوند: «وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ» تا پایان سوره.



### ۳۵- بینشی در الحمد لله فاطر السموات..

#### (سوره فاطر)

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن نزد اکثر (قاریان و مفسران)، ۴۵ آیه و نزد شامیان، ۴۶ آیه است. دارای ۷۷۰ کلمه و ۳۱۳۳ حرف است. هفت آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (فاطر/۷) «جَدِيدٌ» (فاطر/۱۶)، «النُّورُ» (فاطر/۲۰)، «الْبَصِيرُ» (فاطر/۱۹)، «مَنْ فِي الْقُبُورِ» (فاطر/،)، «أَنْ تَزُولَا» (فاطر/۴۱)، «تَبْدِيلًا» (فاطر/۴۳). فاصله‌های آیات آن، «زاد من بز» است.

این سوره دو نام دارد: سوره «فاطر» به دلیل آنکه در ابتدای آن، «فاطر السموات» (فاطر/۱) آمده است و سوره «ملائکه»؛ به دلیل فرموده: «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ» (فاطر/۱)

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان آفرینش فرشتگان، گشوده شدن درهای رحمت الهی، یادآوری نعمت‌های خداوند، هشدار دادن نسبت به جنیان و دشمنی آن‌ها، دلداری و تسلی دادن به پیامبر (با اشاره به ایجاد ابرها و به حرکت درآوردن آن‌ها، حواله دادن و بازگرداندن عزت به خداوند، بالارفتن سخنان پاک (شهادتین) و تحویل و دگرگونی انسان از حالی به حال دیگر)، یادآوری شگفتی‌های دریا و



بیرون آوردن زیورآلات و گوهرها از آن [مانند مروارید و مرجان]، آفرینش شب و روز، عجز و ناتوانی بت‌ها در مقام ربوبیت و پروردگاری، توصیف مخلوقات به فقر و تنگدستی، نیاز مخلوقات در روز قیامت، اقامه استدلال محکم و ارائه حجت و دلیل [بر یگانگی خدا و نبوت پیامبر]، بیان فضیلت قرآن و شرافت تلاوت آن، انواع مخلوقات در مورد ارث بردن از [فضایل و معارف] قرآن (تقسیم مردم به گروه‌های مختلف در بهره‌مندی از قرآن)، ورود مؤمنان به بهشت و جاودانگی کافران و طغیان‌گران در آتش، و اینکه سرانجام کفر، خسران و زیان است، منت و لطف خداوند بر بندگان به سبب حفظ آسمان‌ها و زمین از فروریختن پایه‌ها و ستون‌های آن، و اینکه کیفر و مجازات، نتیجه و فرجام مکر و نیرنگ است، و در نهایت خبردادن از اینکه اگر پروردگار ما در مورد بندگان به عدالت رعایت می‌کرد، هیچ‌کس از انسان‌ها و جنیان از عذاب او در امان نمی‌ماند.



## ۳۶- بینشی در یس و القرآن الحکیم..

(سوره یس)

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن نزد کوفیان، ۸۳ آیه و نزد بقیه، ۸۲ آیه است. دارای ۷۲۹ کلمه و ۳۰۰۰ حرف است. تنها یک آیه در آن مورد اختلاف است: «یس» (یس/۱) فاصله‌های آیات آن «م» و «ن» (من) است.

**این سوره دو نام دارد:** سوره «یس»؛ به دلیل آغاز شدن آن با این کلمه، و سوره «حبیب نجار»؛ به دلیل اینکه این سوره داستان او را دربردارد.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** تاکید بر امر و فرمان قرآن و رسالت، الزام دلیل و برهان بر گمراهان، مثال‌زدن درباره اهل انطاکیه،<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> شهری باستانی در روم شرقی (جنوب ترکیه کنونی) که از شهرهای مذهبی و مقدس مسیحیان به شمار می‌رود و در بین مسیحیان مشرق‌زمین، از اهمیت و تقدس بالایی برخوردار است. این شهر در سال ۳۰۰ قبل از میلاد بنا شده و از حیث ثروت و علم و تجارت، یکی از سه شهر بزرگ کشور روم محسوب می‌شده است. (بلاغی، قصص قرآن، ص ۳۲۰) داستان حبیب نجار، مؤمن آل یس در این شهر به وقوع پیوسته و امروزه آرامگاه او نیز در مسجدی در این شهر واقع شده است. (سخن مترجم)



ذکر حبیب نجار،<sup>۱</sup> تبیین و بیان دلایل و برهان‌های گوناگون در زنده‌کردن زمین مرده، آغازشدن و پدیدآمدن شب و روز و حرکت و گردش ستارگان و چرخش و مدار افلاک، حرکت کشتی‌های ساخته و برپاشده در دریاها، ذلت و خواری کافران در مرگ و حیرت و سرگردانی آن‌ها در لحظه برپایی قیامت، خوشبختی و سعادت مؤمنان مطیع و فرمانبردار و مشغول بودن آنان در بهشت، تمایز و معیار سنجش مؤمن از کافر در قیامت، شهادت و گواهی اعضا و جوارح بر گناهان علیه گناهکاران، منت‌نهادن بر پیامبر (ص) به سبب حفظ و مصون‌نگهداشتن او از شعر و

---

۱. داستان حبیب نجار را طبرسی به تفصیل در مجمع‌البیان نقل نموده است. (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۶۵۵ و ۶۵۶) صاحب‌کشف نیز درباره‌ی وی می‌نویسد: حبیب بن اسرائیل نجار که مجسمه‌ساز بود و گفته شده در غاری به عبادت خدا مشغول بود، هنگامی که خبر پیامبران به او رسید به آنان پیوست و دین خود را آشکار کرد و با کافران به ستیز برخاست. کافران [طبق سخن قرآن، همان اصحاب القریه] گفتند آیا تو با دین ما مخالفت می‌کنی؟ پس بر او یورش بردند و او را کشتند. (زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۱۰) برای مطالعه درباره‌ی داستان پیغمبران در انطاکیه و ایمان و فداکاری حبیب نجار ر.ک. بلاغی، قصص قرآن، ص ۲۱۹-۲۲۲. (سخن مترجم)

علامه طباطبائی به نقل از تفسیر الدر المنثور آورده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «صدیقین که خداوند در قرآن ایشان را ستوده، سه نفرند: حبیب نجار مؤمن آل یس که داستانش در سوره یس آمده که گفت: «یا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ»، حزقیل مؤمن آل فرعون که گفت: «أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ» و علی بن ابی طالب که وی از آن دو تای دیگر افضل است.» (طباطبائی، المیزان، ج ۱۷، ص ۱۲۲) (سخن مترجم)



سرودن آن، اقامه برهان بر [وقوع و صحت] قیامت، نفوذ و تحقق یافتن فرمان حق به صورت «کن فیکون»، تمامیت و کمال سلطنت و حاکمیت خداوند صاحب جلال بر هر حال، در فرموده خداوند: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۳)

### ۳۷- بینشی در والصفات صفا..

#### (سوره صافات)

این سوره به اتفاق نظر علما، مکی است. تعداد آیات آن نزد بصریون، ۱۸۱ آیه و نزد بقیه، ۱۸۲ آیه است. دارای ۸۶۲ کلمه و ۳۸۲۶ حرف است. دو آیه در این سوره، مورد اختلاف است: «وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ» (صافات/۲۲) و «وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ» (صافات/۱۶۸) فاصله‌های آیات آن در عبارت «قدم بنا» جمع شده است. این سوره به دلیل آغاز آن با این کلمه، سوره «والصفات» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** خبردادن از صف‌آرایی فرشتگان و نمازگزاران برای عبادت، دلایل و نشانه‌های یگانگی خداوند (توحید)، رجم و رانده‌شدن شیاطین، ذلت و خواری ستمکاران و عزت فرمانبرداران در بهشت‌ها، عذاب و عقاب مجرمان و گناهکاران در آتش



جهنم، معجزه نوح (ع)، داستان ابراهیم (ع) و قربانی و فدا شدن اسماعیل (ع) به عنوان پاداش فرمانبرداری و اطاعت، بشارت ابراهیم (ع) به [تولد] اسحاق (ع)، منت و نعمت خداوند بر موسی (ع) و هارون (ع) به سبب اعطای کتاب، حکایت مردم و امت‌ها در حال دعوت، هلاکت و نابودی قوم لوط (ع)، حبس و زندانی شدن یونس (ع) در بطن حوت (شکم ماهی)، بیان فساد و انحراف عقیده مشرکان در اثبات نسبت و خویشاوندی [با خداوند]<sup>۱</sup>، درجات و جایگاه فرشتگان در مقام عبادت، آنچه خداوند به پیامبران از یاری و تأیید عطا فرموده است، تنزیه و پاک‌شمردن ساحت کبریایی و باشکوه خداوند از داشتن شریک و هم‌تا، چنانکه در فرموده خداوند آمده است: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» (صافات/ ۱۸۰) تا پایان سوره.

---

<sup>۱</sup>. دربارهٔ باور نسب و خویشاوندی میان خداوند سبحان و جنیان و فرشتگان در گفته آن‌ها که: فرشتگان دختران خدا هستند. و اشاره به این فرموده خداوند متعال است: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا» (صافات/ ۱۵۸) و منظور از الجنه، همان فرشتگان و ملائکه است. (سخن محقق)



## ۳۸- پیشی در ص . والقرآن..

### (سوره ص)

این سوره به اجماع، مکی است و تعداد آیات آن در شمارش کوفیان، ۸۸ آیه و در شمارش حجاز، شام و بصره، ۸۶ آیه و به طور خاص در شمارش ایوب بن متوکل، ۸۵ آیه است. دارای ۷۳۲ کلمه و ۳۰۶۷ حرف است. سه آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الذکر» (ص/۱)، «عَوَاصِ» (ص/۳۷) و «الْحَقُّ أَقُولُ» (ص/۸۴) فاصله‌های آیات این سوره در عبارت «صَدَّ قُطْرُبَ مَنْ لَجَّ» جمع شده است.

این سوره دو نام دارد: سوره «ص»؛ به دلیل آغاز این سوره با حرف صاد؛ سوره «داود» به دلیل دربرگرفتن سوره بر هدف اصلی و نقطه محوری داستان حضرت داود (ع) در فرموده خداوند: «وَأَذْكُرُ عَبْدًا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ» (ص/۱۷)

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان تعجب و شگفتی کافران از نبوت مصطفی (ص)، توصیف رسول خدا به دروغ‌پردازی و افترا و تهمت توسط منکران، اختصاص خداوند حق تعالی به مالکیت مطلق زمین و آسمان، ظهور احوال روز قیامت و داوری، عجایب و شگفتی‌های داستان داود و اُوریا و قصه سلیمان درباره حکایت پادشاهی از باب



نعمت و بخشش الهی، ذکر ایوب درباره شفا و آزمایش الهی، برگزیدگی ابراهیم و فرزندان او به عنوان انبیا، حکایت احوال ساکنان جَنَّةِ الْمَأْوَى، عجز و ناتوانی حال بدکاران در سقر و لَطَى<sup>۱</sup> (جهنم)، واقعه ابلیس با آدم و حوا و تهدید و هشدار به کافران به دلیل تکذیب پیامبر برگزیده در این فرموده خداوند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (ص/۸۸)

### ۳۹- بینشی در تنزیل الكتاب من الله..

#### (سورة زمر)

این سوره مکی است، به جز سه آیه: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا» (زمر/۵۳) تا فرموده: «وَأَنْتُمْ تَشْعُرُونَ» (زمر/۵۵) تعداد آیات آن در شمارش کوفی، ۷۵ آیه و در شمارش شامی و بقیه، ۷۳ آیه است. دارای

---

<sup>۱</sup> سقر یکی از نام‌های جهنم به معنای دگرگون شدن و ذوب شدن در اثر تابش آفتاب (راغب، ذیل کلمه) سقر دو بار در قرآن آمده است: «سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ وَمَا أدْرَاكَ مَا سَقَرٌ لَا تَبْقَى وَلا تَدْرَى» (مدر/۲۶ و ۲۷) «يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ» (قمر/۴۸) لطی طبقه پنجم از طبقات جهنم، به معنای شعله خالص (راغب، ذیل کلمه) و زبانه آتش و نیز جهنم و دوزخ. این لفظ دوبار در قرآن ذکر شده است: «كَلَّا إِنَّهَا لَطَى» (معارج/۱۵) «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى» (لیل/۱۴) (سخن مترجم)



۱۱۷۰ کلمه و ۴۷۰۸ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، هفت آیه است: «فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (زمر/۳)، «مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر/۱۱)، «مُخْلِصًا لَهُ دِينِي» (زمر/۱۴)، «مِنْ هَادٍ» (زمر/۳۶)، «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (زمر/۳۹)، «فَبَشِّرْ عِبَادِ» (زمر/۱۷)، «مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (زمر/۲۰) فاصله‌های آیات آن در عبارت «من ولی یدر» جمع شده است.

**این سوره دو نام دارد:** سوره زُمَر؛ به دلیل فرموده: «إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» (زمر/۷۳) و سوره غُرَف؛ به دلیل فرموده: «لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرُفٌ» (زمر/۲۰) وَهَبْ گفتم: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْرِفَ قَضَاءَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلْيَقْرَأْ سُورَةَ الْغُرَفِ»: هر کس بخوهد حکمت و اراده (قضای) الهی را در مورد آفرینش و خلقتش بشناسد، سوره غُرَف را بخواند.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** بیان نزول قرآن، اخلاص در دین و ایمان، بطلان عذر و توجیهاات کافران در پرستش بت‌ها، پاک و منزّه دانستن حق تعالی از داشتن فرزند به وسیله کلمه «سُبْحَانَهُ» (زمر/۴)، شگفتی‌های صنع و آفرینش خداوند در ستارگان و آسمان بدون هیچ ستون و پایه‌هایی، منت نهادن خداوند بر بندگان با فرستادن نعمت‌ها از آسمان در هر زمان، حفظ فرزندان در رحم مادران بدون یاور و مددکار، پاداشِ خلق به خاطر شکرگزاری و ناسپاسی، ذکر شرافت و منزلت شب‌زنده‌داران و نیایشگران در تاریکی‌های شب با عبادت خداوند



رحمان، بیان اجر و پاداش صابران و خواریِ زیانکاران، بشارت مؤمنان در شنیدن قرآن با نیکویی و تدبیر، اختصاص غرفه‌های بهشت به اهل اخلاص و عرفان (معرفت الهی)، شرح صدر مؤمنان با نور توحید و ایمان، بیان احوال آیات و نشانه‌های جداکننده حق از باطل (فرقان)، شگفتی‌های قرآن، تمثیل و تصویرسازی حالات کافران و مؤمنان، خطاب با پیامبر مصطفی (ص) درباره مرگ و فنا و متلاشی شدن بدن‌ها، بشارت اهل صدق و راستی به پاداش نیکو و آمرزش الهی، وعده به کفایت و حمایت خداوند برای بندگان، بیان ناتوانی بت‌ها و معبودها در نصرت و یاری‌رساندن، شگفتی‌های خلقت در رؤیا و خواب و آنچه از شگفتی و شأن عجیب در آن هست، نفرت و روی‌گردانی کافران از شنیدن نام خداوند یگانه بی‌همتای جزادهنده، بشارت به رحمت و مغفرت برای مؤمنان، آشکارشدن و اظهار حسرت و پشیمانی گناهکاران در روز قیامت و ابراز تأسف آن‌ها از کوتاهی در طاعت و بندگی خدا در زمان امکان (در زمان حیات دنیوی که فرصت بندگی بود)، اضافه کردن مُلک و هستی به قبضه تسلط و قدرت خدای رحمان (حاکمیت مطلقه خداوند بر مُلک)، دمیده شدن در صور به نشانه هیبت و سیاست و تدبیر الهی، روشن‌شدن عرصات (روز قیامت) با نور عدالت و عظمت سلطان (خداوند)، راندن و سوق‌دادن کافران با ذلت و خواری به سوی خانه مجازات و خفت، شادمانی مؤمنان با سلام بر آنان در خانه کرامت و



غرفه‌های بهشت، قضاوت و حکم کردن خداوند حق در میان مخلوقات به عدالت (حکم عادلانه خداوند در میان بندگان) و ختم آن با بخشش و نیکی الهی، در فرموده خداوند: «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زمر/۷۵)

#### ۴۰- بینشی در حم.. المؤمن..

#### (سوره غافر)

این سوره به اتفاق، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفه و شام، ۸۵ آیه و در شمارش حجاز، ۸۴ آیه و در بصره، ۸۲ آیه است. دارای ۱۱۹۹ کلمه و ۴۹۶۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، نه آیه است: «حم» (غافر/۱)، «کاظمین» (غافر/۱۸)، «التلاق» (غافر/۱۵)، «بارزون» (غافر/۱۶)، «بنی اسرائیل» (غافر/۵۳)، «فی الحویم» (غافر/۷۲)، «والبصیر» (غافر/۵۸)، «یُسْحَبُونَ» (غافر/۷۱)، «کُنْتُمْ تُشْرِكُونَ» (غافر/۷۳). فاصله‌های آیات این سوره در عبارت «من علق وتر» جمع شده است.



این سوره سه نام دارد: سوره المؤمن؛ به دلیل اشمال آن بر داستان مؤمن آل فرعون<sup>۱</sup> - یعنی خربیل - در فرموده خداوند: «وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ» (غافر/۲۸) سوره الطّوّل؛ به دلیل فرموده خداوند: «ذِي الطّوْلِ» (غافر/۳)، سوم؛ حم اولی؛ زیرا این سوره اولین سوره از سوره‌های «حم» است. [به عبارتی این سوره نخستین سوره‌ای است که با حروف مقطعه «حم» آغاز می‌شود.]

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: منت‌نهادن بر مخلوقات با آمرزش و پذیرش توبه، بیان توحید با تأکید بر جلال و شکوه حق، فعالیت و رفت و آمد کافران در پی کسب و کار و تجارت، شرح وظایف حاملان عرش الهی، زاری و تضرع کافران در ژرفای جهنم، آشکارساختن انوار عدالت در قیامت، یادآوری هلاکت و نابودی اقوام گذشته، انکار و تکذیب موسی و هارون از سوی فرعون، مناظره و

---

<sup>۱</sup>. از شخصیت‌های قرآنی و پسرعمو و خزانه‌دار فرعون بود که طبق توصیف قرآن، ایمانش به خدا را کتمان می‌نمود. او به هنگام حمایت از موسی (ع) و حفظ جان او، ایمان خود را آشکار کرد و به جرم ایمان خود توسط فرعون کشته شد. منابع نام او را جزقیل یا حزقیل و یا خربیل ذکر نموده‌اند. آیات ۲۸ تا ۴۵ سوره مبارک غافر به مؤمن آل فرعون یا خربیل اشاره دارد: «وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» (غافر/۲۸) (سخن مترجم)



گفتگوی خریبیل با قوم فرعون به نیابت و نمایندگی از موسی، عرضه شدن ارواح کافران بر عذاب، وعده نصرت و یاری به رسولان، اقامه انواع حجت و برهان بر کافران و گمراهان، وعده به اجابت دعای مؤمنان، آشکارساختن انواع عجایب و شگفتی‌ها از صنع و آفرینش خدا، عجز و ناتوانی مشرکان در [دفع] عذاب، و اینکه ایمان هنگام یأس و ناامیدی، سودی ندارد، حکم به زیانکاری و خسران کافران و باطل‌کنندگان در این فرموده خداوند: «وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (غافر/۸۵)

## ۶۱- بینشی در حم.. تنزیل من الرحمن الرحیم..

### (سوره فصلت)

این سوره به اتفاق علما، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفه، ۵۴ آیه، در شمارش حجاز، ۵۳ آیه و در شمارش بصره و شام، ۵۲ آیه است. دارای ۷۹۶ کلمه و ۳۳۵۰ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف است: «حم» (سجده/۱) و «عَادِ وَ تَمُوْدِ» (سجده/۱۳) فاصله‌های آیات آن در عبارت «ظن طب حرم صد» جمع شده است.



این سوره دو نام دارد: «حم سجده»؛ به دلیل اشتغال این سوره بر سجده و سوره «المصایح»؛ به دلیل این فرموده خداوند: «زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا» (سجده/۱۲)

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان شرافت و ارجمندی قرآن و روی گردانی کافران از پذیرش آن، چگونگی و کیفیت آفرینش زمین و آسمان، اشاره به هلاکت و نابودی عاد و ثمود، گواهی و شهادت اعضای بدن علیه گناهکاران در قیامت، درماندگی و عجز کافران در زندان جهنم، بشارت مؤمنان به جاودانگی در بهشت‌ها، شرافت و ارجمندی مؤذنان با اذان،<sup>۱</sup> دوری و پرهیز از وسوسه‌های شیطان، استدلال و برهان بر یگانگی خدای رحمان، بیان شرافت و عظمت قرآن، نفع و ضرر، بدی و نیکی، بی‌تابی و جزع کافران هنگام آزمایش و امتحان الهی، آشکارساختن آیات و نشانه‌های دالّ بر ذات و صفات نیکوی خداوند،

---

۱. اشاره دارد به آیه: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ أَنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/۳۳) گفته شده که این آیه در مورد مؤذنان نازل شده است، به دلیل دعوتشان به نماز که ستون دین است و صاحب‌الشهباب (ح ۷، ص ۴۰۰) می‌گوید: «این آیه مدنی است مگر اینکه گفته شود حکم آن متأخر از نزول آیه است؛ زیرا سوره مکی است و اذان در مدینه تشریح شد. (سخن محقق)



احاطه و فراگیری علم خدا بر همه چیز، چه پنهان و چه آشکار، با این فرموده: «أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ» (فصلت/۵۴) -

## ۴۲- بینشی در حم عسق (سوره شوری)

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفی، ۵۳ آیه و در شمارش بقیه، ۵۰ آیه است. دارای ۸۶۶ کلمه و ۳۵۸۸ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، سه آیه است: «حم عسق» (شوری/۱ و ۲) و «كَالْأَعْلَامِ» (شوری/۳۲)، فاصله‌های آیات آن در عبارت «زربصب قدم» جمع شده است.

این سوره دو نام دارد: «عسق»؛ به دلیل آغاز شدن آن با این حروف؛ و سوره «شوری»؛ به دلیل فرموده خداوند: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸)



هدف اصلی این سوره عبارت است از: بیان دلیل و برهان یگانگی خداوند، تثبیت و تأیید نبوت پیامبر اکرم (ص)، تأکید بر قوانین و احکام (شریعت) اسلام، هشدار و تهدید به آشکارشدن نشانه‌های رستاخیز، بیان پاداش و جزای عاملان و نیکوکاران در دنیا و آخرت، ذلت و خواری ستمگران در صحنه‌ها و عرصات قیامت، درخواست پیامبر اکرم (ص) از امت اسلامی برای محبت و دوست داشتن اهل بیت (ع) که عترت پاک و مطهر ایشان هستند، وعده پذیرش توبه‌کنندگان، بیان حکمت در اندازه‌گیری و تقسیم روزی‌ها، خبر دادن از شومی گناهان و خطاها و نافرمانی‌ها، ستایش و مدح کسانی از مردم که از گناه و خطای مجرمان درمی‌گذرند و آن‌ها را می‌بخشند، ذلت و سرافکندگی کافران در جایگاه حسابرسی اعمال، منت نهادن خداوند بر خلائق به خاطر آنچه از فرزندان به آن‌ها عطا شده است، بیان کیفیت و چگونگی نزول وحی بر پیامبران الهی، منت نهادن بر پیامبر اسلام (ص) با اعطای [نعمت] ایمان و قرآن، بیان اینکه سرانجام و بازگشت همه امور به سوی خداوند دادگر است، چنانکه می‌فرماید: «إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری/۵۳)



۴۳- بینشی در حم. والکتاب المبین. إنا جعلناه..

### (سوره زخرف)

این سوره به اجماع، مکی است و تعداد آیات آن نزد شامیان، ۸۸ آیه و نزد بقیه، ۸۹ آیه است. دارای ۸۳۳ کلمه و ۳۴۰۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در این سوره، دو آیه است: «حم» (زخرف/۱) و «مهمین» (زخرف/۵۲). مجموع فاصله‌های آیات آن، «م»، «ل»، «ن»، «مَلَن» است.

این سوره به دلیل فرموده خداوند: «عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ وَرُحْرُفًا» (زخرف/۳۴ و ۳۵) سوره «زخرف» نامیده می‌شود.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** بیان اثبات قرآن در لوح محفوظ، اثبات دلیل و برهان بر وجود آفریننده، پاسخ بر بت پرستندگانی که گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند، منت نهادن بر ابراهیم خلیل (ص) به دلیل باقی گذاشتن و حفظ کلمه توحید در نسل او، بیان تقسیم روزی‌ها، خبر دادن از حسرت کافران و پشیمانی آنان در روز قیامت، مناظره و گفتگوی فرعون و موسی، بحث و مجادله مؤمنان با ابن زبَعْرَى<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> از برجسته‌ترین شاعران عصر جاهلی و مخضرم قریش و از دشمنان سرسخت پیامبر اسلام بود که بعدها در سال هشت هجری اسلام آورد. آیات فراوانی درباره



درباره سخنان عیسی، بیان شرافت یکتاپرستان در قیامت و عجز و ناتوانی کافران در جهنم، اثبات الوهیت حق در آسمان و زمین، دستور به رسول به روی گرداندن از مکافات و پاداش دادن به کافران در این فرموده خداوند: «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ» (زخرف/۸۹)

## ۴۴- بینشی در حم. والکتاب المبین إنا أنزلناها فی لیلۃ مبارکة.. (سوره دخان)

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفه، ۵۹ آیه، در شمارش بصره، ۵۷ آیه و در شمارش بقیه، ۵۶ آیه است. دارای ۳۴۶ کلمه و ۱۴۳۱ حرف است. چهار آیه در این سوره مورد اختلاف است: «حم» (دخان/۱)، «إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ» (دخان/۳۴)، «شَجَرَةَ الزَّقُّومِ» (دخان/۴۳)، «فِي الْبُطُونِ» (دخان/۴۵). فاصله‌های تمامی آیات آن، «م» و

---

وی نازل شده است. آیات ۵۷ و ۵۸ سوره مبارک زخرف؛ آیه ۲۶ سوره انعام؛ آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ سوره انبیاء. (سخن مترجم)



«ن» (من) است. این سوره به دلیل فرموده خداوند در آن: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (دخان/۱۰) سوره «دخان» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** نزول قرآن در شب قدر و آیات توحید و یگانگی خداوند، شکایت از کافران، داستان موسی (ع) و بنی اسرائیل و فرعون، ردّ و پاسخ به منکران معاد و رستاخیز، بیان خواری و ذلّت کافران در کیفر و عذاب، عزّت و سربلندی مؤمنان در بهشت، منت نهادن بر پیامبر (ص) با آسان ساختن قرآن بر زبان او در این فرموده خداوند: «فَإِنَّمَا يَسْتَرْهَاءُ بِلِسَانِكَ» (دخان/۵۸)

**۴۵- پیشی در حم . تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم..**

**(سوره جاثیه)**

این سوره به اجماع، مکی است. تعداد آیات آن، در بین کوفیان، ۳۷ آیه و در بین بقیه، ۳۶ آیه است. دارای ۴۸۰ کلمه و ۲۱۹۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن، «م» و «ن» (من) است.



این سوره دو نام دارد: سوره «جاثیه»؛ به دلیل فرموده «وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً» (جاثیه/۳۸) و سوره «شریعت»؛ به دلیل فرموده «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ» (جاثیه/۱۸)

هدف اصلی این سوره عبارت است از: بیان دلیل و برهان یگانگی خداوند، شکایت از کافران و متکبران، بیان سود و زیان، بدی و نیکی، شرح احکام و شریعت اسلام و ایمان، تهدید نافرمانان و خائنان از میان اهل ایمان، مذمت و سرزنش پیروان هوای نفس، خواری مردم در صحرای محشر و قیامت، محو و پاک شدن پرونده‌های اعمال از لوح محفوظ الهی، جاودانگی کافران در آتش، حمد و ستایش پروردگار بلندمرتبه با کوتاه‌ترین عبارت و فصیح‌ترین کلام در فرموده خداوند: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ» (جاثیه/۳۶) تا پایان سوره.

## ۶۶- بینشی در حم . الأحقاف..

### (سوره احقاف)

این سوره به اتفاق، مکی است و تعداد آیات آن از نظر کوفیان، ۳۵ آیه و از نظر بقیه، ۳۴ آیه است. دارای ۳۴۴ کلمه و ۲۵۹۵ حرف است. تنها یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «حم» (احقاف/۱) فاصله‌های



آیات آن، «م» و «ن» (من) است. این سوره به دلیل فرموده خداوند در آن: «إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ» (احقاف/۲۱) سوره «احقاف» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** لزوم ارائه حجت و دلیل بر [بطلان] پرستش بت‌ها، خبر دادن از تناقض گفتار متکبران، بیان نبوت سرور فرستادگان و تأکید بر آن با داستان موسی، سفارش به تکریم و بزرگداشت پدر و مادر، تهدید متنعمان و مترفین (کسانی که غرق در ناز و نعمت و رفاه شده‌اند)، یادآوری نابودی قوم عاد ستمگر و متجاوز، اشاره به فراخوانی و دعوت [به اسلام] و اسلام آوردن جنیان، فرارسیدن ناگهانی روز قیامت، اندک شمردن توقف درنگ‌کنندگان در این فرموده خداوند: «كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ» (احقاف/۳۵)

## ۴۷- بینشی در الَّذِينَ كَفَرُوا و صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ..

(سوره محمد)

این سوره به اجماع، مدنی است. تعداد آیات آن در دیدگاه بصره، ۴۰ آیه، در دیدگاه کوفه، ۳۸ آیه و نزد بقیه، ۳۹ آیه است. دارای ۵۳۹ کلمه و ۲۳۴۹ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف است: «أَوْ زَارَهَا»



(محمد/۴) و «لِلشَّارِبِينَ» (محمد/۱۵). فاصله‌های آیات آن، «م» و «ا» (ما) است.

این سوره دو نام دارد: سوره «محمد (ص)» به دلیل فرموده خداوند در این سوره: «نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ» (محمد/۲) و سوره «قتال» به دلیل فرموده خداوند: «وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ» (محمد/۲۰)

هدف اصلی این سوره عبارت است از: شکایت از کافران به دلیل رویگردانی آن‌ها از حق، بیان آداب و احکام جنگ و اسیران، دستور به یاری کردن و ایمان، گرفتارکردن و آزمایش وافران در عذاب، توصیف نعمت‌های بهشت، از آب، شیر، شراب و عسل، بیان غذا و نوشیدنی کافران، پدیدارشدن نشانه‌های قیامت، اختصاص یافتن پیامبر (ص) با امر الهی به فرورفتن در دریای توحید، شکایت از منافقان و شرح و تفصیل صفات و ویژگی‌های ناپسند و مذموم آن‌ها، دستور مؤمنان به اطاعت و نیکوکاری، نکوهش و مذمت بخیلان در انفاق، بیان بی‌نیازی و غنای مطلق خداوند و فقر و نیاز مخلوقات در فرموده خداوند: «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ» وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» (محمد/۳۸)



## ۴۸- بینشی در اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا..

### (سوره فتح)

این سوره به اجماع علما، مدنی و تعداد آیات آن، ۲۹ آیه است. دارای ۵۶۰ کلمه و ۲۴۳۸ حرف است. فاصله‌های آیات آن، حرف «الف» است. این سوره به دلیل آیه «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح/۱)، سوره «فتح» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** وعده پیروزی و آموزش به پیامبر (ص)، نزول آرامش و سکینه بر دل‌های مؤمنان، وعده تهدید منافقان به عذاب دردناک دوزخ، وعده مؤمنان به نعمت‌های بهشتی، ستایش سرور فرستادگان، پیامبر (ص)، یادآوری عهد و پیمان، بیعت رضوان<sup>۱</sup>، بیان و یادآوری خواری و رسوایی منافقان، بیان عذر کسانی که عذرشان پذیرفته شده است، بیان منت خداوند بر صحابه به دلیل عدم پیروزی اهل مکه سرکش و طغیانگر بر آنها، تصدیق رویای سرور فرستادگان بر حقانیت رسالت، گواهی پادشاه دادگر (خداوند)، تشبیه و

---

<sup>۱</sup> بیعت رضوان (بیعت خشنودی الهی) یا بیعت تحت الشجره، بیعت مسلمانان تحت رهبری پیامبر (ص) با ایشان به سال ششم هجری در محلی به نام حدیبیه در زیر یک درخت. (سخن مترجم)



به تصویرکشیدن حال پیامبر و صحابه به زراعت و کشاورزان از نظر شادابی، طراوت و شکوه و نیکویی جایگاه.

## ۴۹- بینشی در یأیها الذین آمنوا لاتقدموا..

### (سوره حجرات)

این سوره مدنی است و ۱۸ آیه دارد. دارای ۳۴۳ کلمه و ۱۴۷۴ حرف است. فاصله‌های آیات آن، حروف «م» و «ن» (من) است. این سوره به دلیل فرموده خداوند در آن: «يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ» (حجرات/۴)، سوره «حجرات» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است:** مراقب و محافظت از فرمان خداوند متعال، مراعات حرمت و احترام بزرگان، تدبیر و بردباری در امور، دوری از شتاب‌زدگی و بی‌احتیاطی، کوشش برای یاری رساندن به ستمدیدگان، دوری از تمسخر و استهزاء دیگران، پرهیز از تجسس و غیبت، ترک فخرفروشی و مباحات به نژاد و نسب، اجتناب و پرهیز از منت نهادن بر خداوند به سبب اطاعت و بندگی، نسبت دادن و اختصاص علم غیب به خداوند متعال در فرموده: «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حجرات/۱۸)



## ۵۰- بینشی در ق والقرآن المجید.

### (سوره ق)

این سوره به اتفاق نظر علما مکی و تعداد آیات آن، ۴۵ آیه است. دارای ۳۷۵ کلمه و ۱۴۷۴ حرف است. مجموع حروف پایانی آیات آن، «صر جد ظب» است. این سوره به دلیل آغاز آن با حرف «قاف»، سوره «قاف» نامیده شده است.

**هدف این سوره عبارت است از:** اثبات نبوت رسول خدا (ص)، بیان دلیل یگانگی خداوند، خبر دادن از هلاکت نسل‌های گذشته، آگاهی خداوند متعال از نیت و اسرار درونی مخلوقات، یادآوری فرشتگان گماشته شده بر انسان‌ها که ناظر بر گفتار آنان هستند، ذکر برانگیخته شدن در قیامت و خواری گناهکاران در آن روز، گفتگو و مناظره منکران با یکدیگر در آن روز، خشم گرفتن دوزخ بر اهلش، آراسته شدن بهشت برای ساکنان آن، خبر دادن از آفرینش آسمان و زمین، یادآوری ندای اسرافیل با دمیدن در صور، پند دادن پیامبر (ص) به مردم با قرآن مجید، در این فرموده خداوند: «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ» (ق/۴۵)



## ۵۱- بیشی در والذاریات..

### (سوره ذاریات)

این سوره مکی و دارای ۶۰ آیه است. تعداد کلمات آن، ۳۶۰ کلمه و حروف آن، ۱۲۸۷ حرف است. مجموع حروف پایانی آیات آن، «قفاک معن» است. این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «ذاریات» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** یادآوری سوگند الهی بر حقانیت رستاخیز و قیامت، اشاره به عذاب گمراهان و پاداش پیشوایان هدایت (هدایت یافتگان)، استدلال بر یگانگی خداوند، کرامت و بزرگواری ابراهیم (ع) در میهمان‌نوازی و بشارت به او درباره تولد اسحاق، هلاکت و نابودی قوم لوط، سرزنش فرعون و پیروان او، نابودی و خسارت اقوام عاد، ثمود و نوح، آفرینش آسمان و زمین برای بهره‌مندی و سود رسانی، زوجیت مخلوقات برای دلالت بر قدرت الهی، تکذیب مشرکان به منظور دلداری و تسلی خاطر پیامبر (ص)، آفرینش انسان‌ها برای عبادت، شتاب کردن منکران در [درخواست] عذاب و مجازات، در این فرموده: «فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ» (ذاریات/۵۹)



## ۵۲- بینشی در والطور..

### (سوره طور)

این سوره، به اجماع علما، مکی است. تعداد آیات آن بر اساس شمارش کوفیان و شامیان، ۴۹ آیه و در شمارش بصریان، ۴۸ آیه و در شمارش اهل حجاز، ۴۷ آیه است. دارای ۳۱۲ کلمه و ۱۵۰۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در آن، دو آیه است: «وَ الطُّورِ» (طور/۱) و «دعاً» (طور/۱۳) فاصله‌های آیات آن در عبارت «من رعا» جمع شده است. این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «طور» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** سوگند به عذاب کافران و خبر دادن از خواری و ذلت آن‌ها در هنگام کیفر و مجازات و جایگاهشان در آتش، نشاط و سرور بهشتیان به پاداش خدای بخشنده و آمرزنده، تمام-کردن حجت و برهان بر کافران بدکار و بشارت دادن آن‌ها به عذابشان در این دنیا پیش از مجازات آخرت (بشارت همراه تمسخر) و سرانجام سفارش سرور رسولان نیکوکار به عبادت و صبر، در این فرموده: «وَ مِنْ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَ إِدْبَارَ النُّجُومِ» (طور/۴۹)



## ۵۳- بینشی در والنجم إذا هوی..

### (سورهٔ نجم)

این سوره طبق اتفاق نظر علما، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفیان، ۶۲ آیه و در شمارش بقیه، ۶۱ آیه است. دارای ۳۶۰ کلمه و ۱۴۵۰ حرف است. آیات مورد اختلاف در آن، سه آیه است: «مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (نجم/۲۸)، «عَنْ مَنْ تَوَلَّى» (نجم/۲۹) و «الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (نجم/۲۹) فاصله‌های آیات آن در عبارت «واه» جمع شده است. این سوره به دلیل آغاز آن با سوگند به ستاره، سورهٔ «نجم» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** سوگند به وحی، هدایت پیامبر برگزیده (ص)، بیان معراج کرامت، ذکر گفتارهای زشت کافران و باور-های آنان دربارهٔ فرشتگان و بت‌ها، ستایش کسانی که از گناهان کبیره دوری می‌کنند و شکایت از کسانی که از دادن صدقه روی می‌گردانند، بیان پاداش کردارها در قیامت، اقامه انواع برهان و دلیل بر وجود آفریننده، اشاره به احوال کسانی که در قرون گذشته هلاک شده‌اند، ترساندن از فرارسیدن سریع قیامت، دستور به فروتنی و تسلیم در برابر فرمان حق تعالی، در این فرموده: «فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا» (نجم/۶۲)



## ۵۴- بینشی در اقتربت الساعة..

### (سوره قمر)

این سوره به اتفاق نظر، مکی و تعداد آیات ۵۵ آیه است. دارای ۳۴۲ کلمه و ۱۴۲۳ حرف است. فاصله تمامی آیات آن، بر حرف «راء» استوار است و به دلیل دربرداشتن ذکر شکافته شدن ماه، سوره «قمر» نامیده شده است.

هدف اصلی این سوره عبارت است از: بیم دادن از هجوم و فرارسیدن ناگهانی قیامت، شکایت از پرستش گمراهان و خواری و زبونی آنها در هنگامه برانگیخته شدن و برپایی قیامت، خبر طوفان و هلاکت امت‌های گوناگون، داستان قوم عاد و گرفتاری آنها با تندبادی سهمگین، داستان ناقه صالح و هلاک کردن قوم او با فریادی نهیب توسط جبرئیل، داستان قوم لوط و پافشاری آنها بر گناه، داستان فرعون و تجاوز و طغیان او در جهل و نادانی، تأکید و تصدیق بر قضا و قدر الهی،<sup>۱</sup> آشکار شدن نشانه‌های قیامت، حضور پرهیزگاران (در بهشت) در جایگاه صدق و راستی و مقام تقرب و نزدیکی به خدا، در این سخن خداوند: «مَقْعَدِ صِدْقٍ» (قمر/۵۵)

<sup>۱</sup>. اشاره به آیه مبارک: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر/۴۹)



## ۵۵- بینشی در فی الرحمن..

### (سوره الرحمن)

این سوره به اتفاق نظر علما مکی است و تعداد آیات آن طبق شمارش اهل کوفه و شام، ۷۸ آیه، در شمارش حجازیان، ۷۷ آیه و در شمارش بصریان، ۷۶ آیه است. دارای ۳۵۱ کلمه و ۱۳۳۶ جرف است. پنج آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الرَّحْمَنُ» (الرحمن/۱)، «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (الرحمن/۳) (انسان را آفرید)، اولین «لِلْأَنَامِ» (الرحمن/۱۰)، «الْمُجْرِمُونَ» (الرحمن/۴۳) و «شَوَاطِئٌ مِّنْ نَّارٍ» (الرحمن/۳۵). فاصله‌های آیات آن در عبارت «مرن» جمع شده است. گفته شده که تمام این حروف، الف هستند، به جز «الْمَغْرِبِينَ» (الرحمن/۱۷) و «الْمُجْرِمُونَ» (الرحمن/۴۳)

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** منت نهادن خداوند بر مخلوقات با تعلیم قرآن و القای بیان رسا، فرمان دادن مخلوقات به عدالت‌گستری در سنجش و ترازو، منت نهادن بر آن‌ها با گیاهان خوشبو و بادهای ملایم و دل‌انگیز، بازگویی شگفتی‌های قدرت الهی در ذات و سرشت انسان، عجایب دریا و پدیده‌های شگفت‌انگیز آن: از استخراج مروارید و مرجان، به جریان‌انداختن کشتی‌ها بر پهنه آب با بدیع‌ترین جریان، فنای مخلوقات و جاودانگی پروردگار رحمان، برآورده شدن حاجات نیازمندان، و اینکه هیچ نجاتی برای بنده از [عذاب] خدا نیست،



مگر با حجت و برهان، غلبه و تسلط خداوند بر مخلوقات در روز قیامت با زبانه آتش و دود، پرسش از فرمانبرداران و گناهکاران، گرداندن کافران در جهنم، رفاه و خوشی مؤمنان در نعمت‌های بهشت، پاداش دادن نیکوکاران با نیکوکاری، شادابی و سرزندگی مؤمنان با همسران بهشتی‌شان از حوریان زیبارو، گرداندن و وارد کردن آن‌ها در باغ‌های رضوان بر بساطی فاخر و گران‌بها،<sup>۱</sup> خطبه جلال و شکوه حق بر زبان اهل توحید و ایمان با فرموده: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ» (الرحمن/۷۸)

## ۵۶- بینشی در إذا وقعت الواقعة..

### (سورة واقعه)

این سوره به اتفاق نظر علما مکی است. تعداد آیات آن طبق شمارش اهل حجاز و شام، ۹۹ آیه، در شمارش اهل بصره، ۹۷ آیه و در شمارش کوفه، ۹۶ آیه است. دارای ۳۷۸ کلمه و ۱۷۰۳ حرف است. چهارده آیه در این سوره مورد اختلاف است: «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» (واقعه/۸)، «وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ» (واقعه/۹)، «وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ» (واقعه/۱۶)،

---

<sup>۱</sup>. علی بساط الشاذروان. معروف است که شاذروان، دیواری کوتاه در بیرون دیوار کعبه است، که به مثابه ازار یا تقویت‌کننده برای آن محسوب می‌شود. (سخن محقق)



«وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ» (واقعه/۲۷) «إِنشَاءً» (واقعه/۳۵) «فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ» (واقعه/۴۲)، «وَكَاثِبُونَ يَقُولُونَ» (واقعه/۴۷)، «وَأَبَارِيقَ» (واقعه/۱۸)، «مَوْضُوءَةً» (واقعه/۱۵)، «وَحَوْرٍ عَيْنٍ» (واقعه/۲۲)، «تَأْتِيَمًا» (واقعه/۲۵) «وَالْآخِرِينَ» (واقعه/۴۹)، «لَمَجْمُوعُونَ» (واقعه/۵۰)، «فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ» (واقعه/۸۹). فاصله‌های آیات آن در عبارت «لا بد منه» جمع شده که تنها یک آیه از آن به فاصلهٔ باء است: «وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ» (واقعه/۳۱). این سوره به دلیل آغاز آن، سورهٔ «واقعه» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** آشکار ساختن واقعهٔ عظیم قیامت و انواع و گروه‌های مردم در نسبت با عذاب و کیفر، توصیف حال پیشگامان در اطاعت و ترسیم وضعیت گروهی از مردم که میان فرمانبرداران و گناهکاران، حد وسط هستند، بازگویی احوال اصحاب شمال و غرق‌شدگان در دریا‌های هلاکت، اقامهٔ برهان برانگیخته‌شدن و رستاخیز از ابتدای آفرینش، برهان حشر و نشر (رستاخیز) از طریق کشت و زراعت، سخن گفتن از آب و آتش و آنچه در ضمن آن دو ست: از نعمت و منت، لمس کردن قرآن و خواندن آن در حال طهارت، توصیف وضعیت فرد در حال فوت در لحظهٔ سکرات و مستی مرگ، ذکر گروهی با بشارت [بهشت]، و گروهی با زیان و خسران، و سرانجام خطبه‌ای در



تجلیل و شکوه حق تعالی با تکیه بر کبریا و عظمت او، با این فرموده:

«فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه/۹۶)

## ۵۷- بیشی در سَبِّحِ.. الحديد..

### (سورة حديد)

این سوره مدنی است و گفته شده، مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفه و بصره، ۲۹ آیه و در شمارش بقیه، ۲۸ آیه است. دارای ۵۴۴ و ۲۴۷۶ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف است: «مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ» (حدید/۱۳) و «الْإِنْجِيلَ» (حدید/۲۷) فاصله‌های آیات آن در عبارت «مَنْ بَرَّ رَدًّا» جمع شده است. یک آیه به فاصله زاء: «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید/۲۵) و یک آیه به فاصله دال: «هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید/۲۴).

این سوره به دلیل فرموده خداوند متعال در آن: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید/۲۵) سوره «حدید» نامیده شده است.

مقصود اصلی سوره عبارت است از: اشاره به تسبیح همگانی و یکپارچه مخلوقات و موجودات در زمین و آسمانها، پاک و منزّه دانستن



خداوند متعال در ذات و صفات، دستور به مؤمنان به انفاق و صدقه دادن، یادآوری سرگردانی و حیرت منافقان در صحرای قیامت<sup>۱</sup>، بیان پستی و فرومایگی دنیا و ارجمندی و شکوه بهشت‌ها، دلداری و تسلی - دادن به مردم هنگام مواجهه با بلاها و مصیبت‌ها، در این فرموده خداوند: «وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ» (حدید/۲۹) با این آیات.<sup>۲</sup>

## ۵۸- بیشی در قد سَمِع..

### (سوره مجادله)

این سوره به اتفاق، سوره‌ای مدنی است. تعداد آیات آن نزد اکثر مفسران، ۲۲ آیه و نزد اهل مکه، ۲۱ آیه است. تعداد کلمات آن، ۴۷۳ کلمه و حروف آن، ۱۷۹۲ حرف است. در مورد یک آیه، اختلاف نظر وجود دارد: «فِي الْأَذْلِينَ» (مجادله/۲۰) فاصله‌های آیات آن، «م»، «ن»، «ز»، «ر»،

---

۱. منظور عرصات و میدان‌های قیامت است. (سخن محقق)

۲. آیه‌ای که در این سوره با موضوع تسلی دادن حق تعالی به مردم هنگام مصائب و سختی‌ها مناسب دارد، آیه ۲۲ سوره مبارک حدید است: «مَا أَصَابَتْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِی الْأَرْضِ...» محقق محترم نیز در پاورقی به این مسأله اشاره نموده که به نظر می‌رسد در این کلام مؤلف، افتادگی‌ای وجود دارد.



«د» است که در عبارت «من زَرَد» جمع شده و تنها یک آیه به فاصله زاء است: «عَزِيزٌ» (مجادله/۲۱) این سوره به دلیل فرموده خداوند: «تَجَادِلْكَ فِي زَوْجِهَآ» (مجادله/۱) سوره «مجادله» نامگذاری شده است.

هدف اصلی و برجسته این سوره عبارت است از: بیان حکم ظهار،<sup>۱</sup> یادآوری نجوای پنهانی و رازگویی، دستور به توسعه و گشایش در مجالس، بیان فضیلت و برتری دانشیان (اهل علم)، شکایت از منافقین، تمایز و تفرق میان حزب الرحمن و حزب الشیطان، حکم به رستگاری برای گروهی و زیان کاری برای گروهی دیگر، در آیات «هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله/۱۹) و «هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/۲۲)

---

<sup>۱</sup> ظهار طلاقى است که در جاهلیت رواج داشته و اسلام آن را منع کرده است. در ظهار، مرد، زن خود را به یکی از محارم خود، از قبیل مادر تشبیه می کند. ظهار دارای شرایطی است که با وجود آن‌ها بر ظهارکننده، نزدیکی کردن با زن ظهارشده اش، حرام است، مگر آن که کفارّه دهد. (فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۳۴۹) ظهار یعنی مردی به زنش بگوید: أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي تو همچون پشت مادرم هستی، در این صورت آن زن بر او حرام می شود. (خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۲۳) (سخن مترجم)



## ۵۹- بینشی در سَبَّحِ الحشر..

### (سورة حشر)

این سوره به اتفاق علما، مدنی است. تعداد آیات آن، ۲۴ آیه و کلمات آن، ۴۴۵ کلمه و حروف آن، ۱۹۱۳ حرف است. فاصله‌های آیات آن، «م»، «ن»، «ب»، «ر» است که در عبارت «مَنْ بَرَّ» جمع شده است. دو آیه با حرف «باء» پایان می‌یابند: «العقاب» در دو موضع (حشر/ ۴ و ۷) این سوره به دلیل فرموده «لَأُوَلِّ الحشر» (حشر/ ۲) سوره «حشر» نامیده شده است.

هدف اصلی این سوره عبارت است از: خبر دادن از تبعید و بیرون راندن قبیله بنی‌نضیر، تقسیم غنائم جنگی، شرح جزئیات و تفصیل وضعیت مهاجرین و انصار، شکایت از منافقین در واقعه (جنگ) قریظه، یادآوری داستان برصیصای عابد،<sup>۱</sup> توجه به عواقب و نتایج کارها، تأثیر نزول قرآن، ذکر نام‌های نیکوی خداوند متعال و صفات او و بیان اینکه تمام مخلوقات در حال تسییح و تقدیس او هستند، همان‌طور که در فرموده «لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (حشر/ ۳۴) تا انتهای سوره به آن اشاره شده است.

---

<sup>۱</sup>. طبق تفسیر برخی از مفسران، آیه ۱۶.



## ۶۰- بینشی در یأیها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی

(سوره ممتحنه)

این سوره به اتفاق نظر مفسران، مدنی و تعداد آیات آن، ۱۳ آیه است. دارای ۳۴۰ کلمه و ۱۵۱۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «لم نرد» جمع شده است. تنها یک آیه از این سوره به فاصله لام: «السبیل» (ممتحنه/۱) و یک آیه به فاصله دال است: «الحمید» (ممتحنه/۶)

این سوره سه نام دارد: اول: سوره «ممتحنه» (آزموده شده)، دوم: سوره «امتحان»، که هر دو به دلیل این فرموده خداوند «فَأَمَّتْ حِثُّوهُنَّ» (ممتحنه/۱۰) نامگذاری شده‌اند. نام سوم آن، سوره «مَوَدَّة» (دوستی) است، به دلیل آیه‌های «تَلْقُونَهُمْ بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه/۱) و «تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه/۱) و «وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً» (ممتحنه/۷)

مهم‌ترین هدف این سوره عبارت است از: نهی از دوستی و هم‌پیمانی با کسانی که از دین اسلام خارج شده‌اند، الگوگیری و پیروی از پیشینیان صالح در راه اطاعت و عبادت، انتظار دوستی و محبت پس از دشمنی، آزمایش مدعیان با درخواست حقیقت، دستور رسول خدا (ص) در مورد چگونگی بیعت با افراد با تقوا و پاکدامن و دوری از افراد گمراه و اهل



ضلالت، در این فرموده خداوند: «لَا تَتَوَكَّلُوا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»  
(ممتحنه/۱۳)

## ۶۱- بینشی در سَبِّحَ اللهُ.. الصَّف..

(سوره صف)

این سوره به اتفاق نظر همه، مکی و تعداد آیات آن، ۱۴ آیه است. دارای،  
۲۲۱ کلمه و ۹۰۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «صمن»  
جمع شده و تنها یک آیه بر فاصله «صاد» است: «مرصوص» (صف/۴)  
این سوره دو نام دارد: سوره «صف»، به دلیل آیه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ  
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيَّانُ مَرَّصُونَ» (صف/۴) و سوره  
«حواریون»، به دلیل فرموده: «قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» (صف/۱۴)  
گفته شده است که سوره عیسی نیز نامیده می‌شود.

مقصود اصلی سوره عبارت است از: سرزنش کسانی که سخن می-  
گویند اما به مقتضای آن عمل نمی‌کنند، ستایش و بزرگداشت صفوف  
مجاهدان و نمازگزاران، تذکر و هشدار به ناملایمت‌ها و بدرفتارهای  
بنی اسرائیل، برتری دین پیامبر (ص) بر سایر ادیان، بیان معامله و تجارت



سودمند با خدای مهربان و رحمان، بشارت به پیروزی مؤمنان بر کافران و خیانتکاران، غلبه و پیروزی بنی اسرائیل بر دشمنان ستمکار و تجاوزگیشان در فرموده: «فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (صف/۱۴)

## ۶۲- بینشی در يُسَبِّح... الْجُمُعَةُ..

(سورة جمعه)

این سوره، به اتفاق همه مفسران، مدنی و تعداد آیات آن، ۱۱ آیه است. دارای ۱۸۰ کلمه و ۷۲۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن «م» و «ن» (من) است. این سوره به دلیل آیه آغازین آن، سوره «جمعه» نامیده شده است: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» (جمعه/۹)

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** بیان بعثت پیامبر (ص) (شرح و توضیح مبعوث شدن پیامبر اسلام)، سرزنش یهودیان و شکایت از آن‌ها (انتقاد و اعتراض به رفتار و عملکرد یهودیان) و تمام کردن استدلال و ارائه دلایل و براهین علیه ایشان، ترغیب و تشویق به شرکت و حضور در نماز جمعه و شکایت از گروهی که از نماز جمعه روی گردانده‌اند، تقویت قلوب با اطمینان و تضمین رزق و روزی هر زنده‌جانی در فرموده خداوند: «وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه/۱۱)



## ۶۳- بینشی در إذا جاءك المنافقون...

### (سوره منافقون)

این سوره به اتفاق، مدنی و تعداد آیات آن، ۱۱ آیه است. دارای ۱۸۰ کلمه و ۷۷۶ حرف است. فاصله‌های آیات آن، حرف نون است و این سوره به دلیل آیه ابتدایی و شروع آن، سوره «منافقون» نامیده شده است: «إذا جاءك المُنَافِقُونَ» (منافقون/۱)

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** سرزنش و رسوا کردن منافقان و به گریه واداشتن آنها، آشکار ساختن ذلت و دروغ‌گویی آنها، یادآوری شرافت مؤمنان و تعظیم و بزرگداشت آنان و بیان عزت و شرف آنها، نهی از فراموشی یاد خدای تعالی و غفلت از او، خیردادن از پیشمانی کافران پس از مرگ و بیان اینکه پس از فرا رسیدن اجل، هیچ تأخیر و مهلتی وجود ندارد، چنانکه در این فرموده خداوند آمده است: «وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا» (منافقون/۱۱) تا پایان آیه.



## ۶۴- بینشی در یُسِّحِجِّ.. التَّغَابِنِ..

### (سوره تغابن)

این سوره مکی است به جز بخش پایانی آن از آیه «إِنَّ مِنْ أُولَٰئِكَ كُفْرًا» تا پایان سوره که مدنی است. تعداد آیات این سوره، ۱۸ آیه است و ۲۴۱ کلمه و ۱۰۷۰ حرف دارد. فاصله‌های آیات آن، در عبارت «من در» جمع شده و تنها یک آیه با فاصله «دال» آمده است: «حَمِيدٌ» (تغابن/۶) این سوره به دلیل فرموده «ذَلِكَا يَوْمُ التَّغَابِنِ» (تغابن/۹) سوره «تغابن» نامیده شده است.

**مهم‌ترین هدف این سوره عبارتند از:** بیان تسبیح و ستایش مخلوقات و حکمت در آفرینش موجودات، شکایت از نسل‌های گذشته، انکار کافران نسبت به برانگیخته شدن و روز قیامت، بیان پاداش و عقاب، خبردادن از دشمنی اهل و خویشاوندان و فرزندان، دستور به تقوا به اندازه توانایی، مضاعف و دوچندان کردن پاداش پرهیزگاران و خبردادن از آگاهی خداوند به علم غیب در فرموده خداوند: «عَالِمُ الْغَيْبِ» (تغابن/۱۸) تا پایان آیه.



## ۶۵- بینشی در یأیها النبى إذا طلقتم النساء..

### (سوره طلاق)

این سوره به اتفاق همه، سوره‌ای مدنی است. تعداد آیات آن در شمارش بصره، ۱۵ آیه و در شمارش بقیه، ۱۲ آیه است. تعداد کلمات آن، ۲۴۰ کلمه و تعداد حروف آن، ۱۰۶۰ حرف است. سه آیه از آن مورد اختلاف است (در اینکه آیه‌ای مستقل هستند یا خیر): «مَخْرَجًا» (طلاق/۲)، «و الْيَوْمِ الْآخِرِ» (طلاق/۲) و «یا اولى الألباب» (طلاق/۱۰). فاصله‌های آیات آن، حرف «الف» است.

این سوره دو نام دارد: سوره «طلاق»، به دلیل فرمودهٔ «إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّوهُنَّ»، و نام دوم آن، سوره «النساء القصرى»<sup>۱</sup> (سوره زنان کوتاه) است. این نامگذاری را عبدالله بن مسعود ذکر کرده است.

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان طلاق صحیح (به شیوه سنت پیامبر) و احکام عدّه، توکل به خداوند متعال در امور زندگی، بیان نفقه زنان در دوران بارداری و شیردهی، بیان عقوبت و مجازات متجاوزان و عذاب آن‌ها و اینکه تکلیف به اندازهٔ توانایی است و پاداش و کرامت برای نیکوکاران است. و در نهایت، بیان علم و قدرت بی‌کران

---

<sup>۱</sup>. سورهٔ نساء را «سورهٔ النساء الكبرى» (سورهٔ زنان بزرگ) نامیده‌اند.



خداوند در فرموده: «...لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق/۱۲)

## ۶۶- بینشی در یأیها النبى لِمَش تَحْرَمٌ..

(سورة تحريم)

این سوره مدنی و تعداد آیات آن، ۱۲ آیه است. دارای ۲۴۰ کلمه و ۱۰۶۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «منار» جمع شده و تنها یک آیه به فاصله «الف» است: «أبكاراً» (تحريم/۵) این سوره به دلیل آغاز آن با عبارت «لِمَ تَحْرَمٌ»، «سوره تحريم» و «مُتَحْرَمٌ» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت‌اند از:** سرزنش پیامبر (ص) در مورد تحريم و تحليل (حلال و حرام کردن چیزها) پیش از نزول وحی آسمانی، سرزنش و توییح همسران پاکدامن به خاطر آزار رساندن به ایشان (پیامبر اکرم) و آشکار کردن راز او، دستور به پرهیز و دوری جستن از جهنم، دستور به توبه نصح (توبه خالصانه و بازگشت به سوی خدا)، وعده به کمال رساندن نور در روز قیامت، دستور به جهاد با کفار از طریق سیاست و (جهاد) با منافقان از طریق برهان و استدلال، بیان اینکه خویشاوندی و قرابت بدون ایمان و معرفت سودی ندارد و اینکه نزدیکی



با مفسدان با وجود صدق و اخلاص، [به مؤمنان] ضرری نمی‌رساند،  
خبر از جوانمردی،<sup>۱</sup> تصدیق حضرت مریم (س) با فرموده خداوند:  
«وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا» (تحریم/۱۲)

## ۶۷- بینشی در تبارک الذی بیده المُلک..

(سوره ملک)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن به نظر جمهور، ۳۰ آیه و نزد اهل مکه، ۳۱ آیه است. دارای ۳۳۰ کلمه و ۱۳۱۳ حرف است. تنها یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ» (ملک/۹) فاصله‌های آیات آن در عبارت «تمر» جمع شده است، دو آیه با فاصله میم: «أَلِيم» (ملک/۲۸) و «مستقیم» (ملک/۲۲)

این سوره در قرآن و سنت، هفت نام دارد:

۱. سوره «المُلک»: به دلیل آغاز شدن آن با این کلمه. ۲. «المُنْجِيَةُ» (نجات‌دهنده): زیرا تلاوت‌کننده خود را از عذاب نجات می‌دهد. ۳.

---

<sup>۱</sup>. گویا منظور او از جوانمردی، شجاعت در دین است و آنچه در این سوره از ایمان همسر فرعون است. (محقق کتاب)



«المانعة» (بازدارنده): زیرا عذاب قبر را از تلاوت‌کننده خود باز می‌دارد - این اسم در تورات هم آمده است. ۴. «الدافعة» (دفع‌کننده): زیرا گرفتاری‌ها و بلای دنیا و عذاب آخرت را از تلاوت‌کننده خود دفع می‌کند. ۵. «الشفاعة» (شفاعت‌کننده): زیرا در قیامت برای تلاوت‌کننده خود شفاعت می‌کند. ۶. «المجادلة» (مجادله‌کننده): زیرا با مُنْكَر و نُكَيْر (دو فرشته سؤال‌کننده در قبر) مجادله و با آن‌ها بحث و مناظره می‌کند تا به تلاوت‌کننده‌اش آسیبی نرسانند. ۷. «المخلصه» (خلاص‌کننده): زیرا با ننگهبانان جهنم (زبانیه) مخاصمه می‌کند، تا تسلطی بر تلاوت‌کننده‌اش نداشته باشند.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** بیان شایستگی خداوند برای مُلک (مالکیت و فرمانروایی)، آفرینش زندگی و مرگ برای آزمایش، نگاه به آسمان‌ها برای عبرت و برافروختگی و درخشندگی ستارگان و سیارات برای زینت، و آنچه برای منکران آماده شده است: از عذاب و مجازات و (آنچه) به پرهیزگاران وعده داده شده است: از پاداش و کرامت، به تأخیر انداختن عذاب از مستحقین به فضل و رحمت، حفظ پرندگان در هوا با کمال قدرت، روزی رساندن به مخلوقات از طریق بخشش و نعمت و منت‌گذاری، بیان حال گمراهان و هدایت‌یافتگان،



عجله کردن کافران در آمدن قیامت و تهدید مشرکان به زوال و نابودی نعمت با این فرموده خداوند: «فَمَنْ يَأْتِكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» (ملک/۳۰)

## ۶۸- بینشی در ن.. والقلم..

(سوره قلم)

این سوره مکی و تعداد آیات آن، ۵۲ آیه است. دارای ۳۰۰ کلمه و ۱۲۵۶ حرف است. فاصله‌های آیات آن، حروف «م» و «ن» (من) است. این سوره دو نام دارد: سوره «نون» و سوره «قلم». نام دوم مشهورتر است.

**مهم‌ترین هدف این سوره عبارت‌اند از:** دفاع از پیامبر صلی الله علیه و سلم، عذاب بازدارندگان از پرداخت زکات، ترساندن کافران از قیامت، تهدید گناهکاران و مجرمان به استدراج (مهلت دادن و گرفتار کردن تدریجی)، امر کردن پیامبر (ص) به صبر، اشاره به حال یونس (ص) در کم صبری، قصد کافران برای آسیب رساندن به پیامبر خدا (ص) با چشم-زخم در «لَيْزُلُقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ» (قلم/۵۱) تا پایان آیه.



## ۶۹- بینشی در الحاقه..

### (سوره حاقه)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش بصره و شام، ۵۱ آیه و در شمارش بقیه، ۵۲ آیه است. دارای ۲۵۵ کلمه و ۱۴۸۰ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف است: اولین «الْحَاقَّةُ» (حاقه/۱) و «بِشِمَالِهِ» (حاقه/۲۵) فاصله‌های آیات آن در عبارت «نم له» جمع شده است که تنها یک آیه بر فاصله «لام» است: «بَعْضَ الْأَقْوِيلِ» (حاقه/۴۴)

**این سوره دو نام دارد:** سوره «حاقه» به دلیل آغاز شدن آن با این کلمه و سوره «سلسله» به دلیل آیه: «فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ» (حاقه/۳۲)

**مهم‌ترین هدف این سوره عبارت است از:** خبر دادن از دشواری قیامت، اشاره به هلاکت امت‌های گذشته، ذکر دمیدن در صور، شکافته شدن آسمان‌ها، حال سعادت‌مندان و بدبختان در هنگام خواندن نامه‌های اعمال و خواری کافران که توسط دوزخبانان (زبانیه) مقهور و مغلوب می‌شوند. همچنین وصف کافران از قرآن به این عنوان که از سنخ کفانت و شعر است و بیان اینکه قرآن تذکری برای مؤمن و حسرتی برای کافر است، و امر به تسبیح در رکوع در فرموده خداوند: «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (حاقه/۵۲)



## ۷۰- پیشی در سأل سائل..

### (سوره معارج)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش شام، ۴۳ آیه و در شمارش بقیه، ۴۴ آیه است. دارای ۲۱۳ کلمه و ۷۵۷ حرف است. یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «الْفُ سَنَّةٌ» (معارج/۴) فاصله‌های آیات آن در عبارت «جعلناهم» جمع شده است؛ دو آیه بر فاصله «میم»: «مَعْلُومٌ» (معارج/۲۴)، «الْمَخْرُومٌ» (معارج/۲۵)، یک آیه بر فاصله «جیم»: «الْمَعَارِجُ» (معارج/۳) و یک آیه بر فاصله «لام»: «كَالْمُهْلِ» (معارج/۸)

این سوره سه نام دارد: اول: «سأل» به دلیل آغاز آن. دوم: «الواقع» به دلیل آیه «بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (معارج/۱) و سوم: «ذِي الْمَعَارِجِ» (معارج/۳)

هدف این سوره عبارت است از: بیان جسارت و گستاخی کافر در شتاب‌زدگی برای عذاب، طولانی بودن و هولناکی قیامت، مشغولیت مخلوقات در آن روز مهیب و وحشتناک، تفاوت حال مردم در خیر و شر و پایبندی مؤمنان به صفات و خصوصیات نیکو، طمع بی‌جای کافران (طمع‌ورزی کافران در چیزی که دست‌یافتنی نیست) و خواری کافران در روز قیامت، در فرموده خداوند: «تَرَهُمْ ذُلًّا» (معارج/۴۴)



## ۷۱- بینشی در اِنَّا اَرْسَلْنَا..

### (سوره نوح)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفه، ۲۸ آیه و در شمارش بصره و شام، ۲۹ آیه و نزد بقیه، ۳۰ آیه است. تعداد کلمات آن، ۲۲۴ کلمه و تعداد حروف آن، ۹۵۹ حرف است. چهار آیه در آن مورد اختلاف است: «سُوَاعًا» (نوح/۲۳)، «فَأَذْخَلُوا نَارًا» (نوح/۲۵)، «وَتَسْرًا» (نوح/۲۳) و «وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا» (نوح/۲۴). فاصله‌های آیات آن در عبارت «منا» جمع شده است؛ تنها یک آیه بر فاصله «میم» است: «أَلِيم» (نوح/۱) این سوره به دلیل ذکر نام نوح در ابتدا و انتهای آن، سوره «نوح» نامیده شده است.

**بیشترین مقصود سوره عبارت است از:** دستور نوح به دعوت [به سوی خدا]، شکایت نوح از قومش، طلب آموزش برای فراوانی نعمت، تغییر حالت آفرینش از حالی به حالی دیگر، آشکار ساختن شگفتی‌ها بر سقف آسمان، ظهور نشانه‌های قدرت بر روی زمین گسترده، غرق شدن قوم نوح و دعای او بر آن‌ها به هلاکت و نابودی و برای مؤمنان به رحمت و برای ظالمان به نابودی و زیان، در فرموده او: «وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح/۲۸)



## ۷۲- بینشی در قل اوحی..

### (سوره جن)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن نزد همه ۲۸ آیه است، به جز مکه؛ زیرا در شمارش آن‌ها ۷ آیه است. آیه «لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ» (جن/۲۲) را شمرده‌اند، و «مُتَّحِدًا» (جن/۲۲) را جز در روایت بَزَى ساقط کرده‌اند. در روایت بَزَى، «لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ» شمرده نشده است، و «مُتَّحِدًا» هم شمرده نشده، پس در روایت او ۲۷ آیه می‌شود. در روایت دیگر، ۲۸ آیه. تعداد کلمات آن ۲۸۵ کلمه و حروف آن، ۹۵۹ حرف است. فاصله- های آیات آن بر «الف» است. این سوره به دلیل اشتغال آن بر جن، در این فرموده خداوند: «يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ» (جن/۶) و فرموده او: «نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ» (جن/۱) سوره «جن» نامیده شده است.

بیشترین مقصود این سوره عبارت است از: شگفتی‌های علوم قرآن، عظمت سلطنت پادشاه دادگر، تجاوز جن بر انسان و منع آن‌ها از رسیدن به آسمان به وسیله پرواز، هدایت و صلاح برای اهل ایمان، تهدید کافران به جهنم و آتش، علم خداوند متعال به اسرار و آشکار، چگونگی رساندن و ابلاغ وحی از سوی فرشتگان به پیامبران با اتقان و دقت کامل، منحصر کردن اطلاعات و دانش‌ها در علم آفریننده مخلوقات، در فرموده او: «وَأُحْصِيَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (جن/۲۸)



## ۷۳- بینشی در یایها المزمّل..

### (سوره مزمّل)

این سوره مکی است، به جز یک آیه از آخر آن. تعداد آیات آن در شمارش کوفه ۱۸ آیه، در شمارش بصره ۱۹ آیه و در شمارش بقیه ۲۰ آیه است. تعداد کلمات آن، ۲۸۵ کلمه و حروف آن، ۸۳۶ حرف است. سه آیه در این سوره مورد اختلاف است: «المزمّل» (مزمّل/۱)، «شیباً» (مزمّل/۱۷)، «إلیکم رسولاً» (مزمّل/۱۵). فاصله‌های آیات آن بر «الف» است، به جز آیه اول که با لام و آیه آخر که با میم است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «مال» یا «لام» جمع شده است.<sup>۱</sup> این سوره به دلیل آغاز آن با این کلمه، سوره «مزمّل» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** سخن گفتن با روی گشاده با سرور فرستادگان (پیامبر اکرم)، دستور به شب زنده‌داری، بیان دلیل یگانگی خداوند (توحید)، دستور به صبر در برابر ستم و جفای کافران، تهدید کافران به عذاب آتش، تشبیه رسالت مصطفی (ص) به رسالت موسی (ع)، ترساندن با بزرگ‌نمایی و عظمت قیامت، آسان‌گیری و

---

<sup>۱</sup>. مؤلف به اشتباه، فاصله آیه آخر این سوره را «راء» ذکر کرده است و مجموع فواصل را در عبارت «رال» جمع کرده است. محقق کتاب در پاورقی، آن را تصحیح نموده است. (سخن مترجم)



تسامح در شب زنده‌داری، ترغیب و تشویق به صدقه و احسان، دستور به طلب آمرزش از گناهان و نافرمانی‌ها، در این سخن خداوند: «وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مزمّل/۲۰)

## ۷۴- بینشی در یأیها المدثر

### (سور مدثر)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش عراقی‌ها و بزّی، ۵۶ آیه و در شمارش اهل مکه، ۵۵ آیه است. دارای ۲۵۵ کلمه است و ۱۰۱۰ حرف دارد. در مورد دو آیه اختلاف وجود دارد: «يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ»<sup>۱</sup> (مدثر/۴۰ و ۴۱) فاصله‌های آیات آن در «رُذنّا» جمع شده

---

۱. اشاره دارد به اینکه برخی «یتساءلون» را یک آیه شمرده‌اند و برخی آن را یک آیه به حساب نیاورده‌اند و همچنین سخن «عن المجرمین». در مصحف حفص هر دو آیه را با هم شمرده است، بنابراین آن‌ها دو آیه هستند: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ» (آیه ۴۰) و «عَنِ الْمُجْرِمِينَ» (آیه ۴۱) (سخن محقق)



است و یک آیه به فاصله دال دارد: «ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ» (مدثر/۱۵) این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «مدثر» نامیده شده است.

**هدف این سوره عبارت است از:** دستور دادن به پیامبر اکرم (ص) برای دعوت مردم به ایمان، بیان دشواری قیامت برای کافران و گناهکاران، تهدید ولید بن مُغیره<sup>۱</sup> به دلیل انکار قرآن، بیان تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ (زبانیه) و اینکه هر کس در گرو کردار نیک و بد خود است، سرزنش کافران به دلیل رویگردانی از ایمان و یادآوری وعده خداوند کریم به رحمت و مغفرت برای پرهیزگاران، در فرموده خداوند: «هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» (مدثر/۵۶)

---

<sup>۱</sup>. مشهور این است که ولید همان ابوخالد بن ولید است و مؤلف به سخن خداوند متعال اشاره دارد: «ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً» و آنچه پس از آن است. و سخن او «به نقض قرآن»، یعنی به دلیل تعرض او به قرآن و انکار اینکه از جانب خداست به خاطر سخنش درباره آن: «ان هذا الا قول البشر» (سخن محقق)



## ۷۵- بینشی در لا أقسمُ بیوم القیامه..

### (سوره قیامت)

این سوره مکی و تعداد آیات آن در شمارش کوفیان، ۴۰ آیه و در شمارش بقیه، ۳۹ آیه است. دارای ۱۹۹ کلمه و ۳۵۲ حرف است. یک آیه در آن محل اختلاف است: «لَتَعَجَّلَ بِهِ» (قیامت/۱۶) فاصله‌های آیات آن در عبارت «يقراه» جمع شده است. این سوره به دلیل آیه آغازین آن، و نیز آیه «يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (قیامت/۶)، سوره «قیامت» نامیده شده است.

**هدف این سوره عبارت است از:** بیان ترس و هیبت قیامت و بیان اثبات برانگیخته شدن در رستاخیز، تأثیر روز قیامت در موجودات و پدیده‌های جهان، بیان پاداش اعمال، آداب سماع و گوش دادن به وحی، وعده دیدار و ملاقات خداوند، خبر از حالت سكرات و (سختی‌های) مرگ، بازگشت به توضیح برهان و دلایل قیامت و تصریح و تأکید به قدرت خداوند بر زنده کردن مردگان در فرموده خداوند: «أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ» (قیامت/۴۰)



## ۷۶- بینشی در هل اَتی علی الانسان..

### (سورة انسان)

این سوره مکی و تعداد آیات آن، ۳۱ آیه است. دارای ۲۴۰ کلمه و ۱۰۵۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن بر الف استوار است.

این سوره سه نام دارد: سوره «هل اَتی» به دلیل شروع سوره با این عبارت و سوره «انسان» به دلیل فرموده «عَلَى الْإِنْسَانِ» (انسان/۱) و سوره «دهر» به دلیل فرموده: «حِينَ مِنَ الدَّهْرِ» (انسان/۱)

هدف اصلی این سوره عبارت است از: بیان مدت زمان آفرینش آدم، هدایت مخلوقات به سوی منافع و مصالحشان، یادآوری پاداش نیکوکاران در سرای جاویدان (آخرت)، یادآوری نعمت‌های ارزانی شده بر پیامبر اکرم (ص) و دستور خداوند به پیامبر (ص) به صبر و شب زنده‌داری، بیان نعمت و فضل خدا بر مخلوقات به سبب استوار ساختن و کمال (بی‌نقصی) آفرینش آن‌ها، نسبت‌دادن اراده کامل و مطلق به خداوند، در این سخن خداوند: «يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ» (انسان/۳۱)



## ۷۷- بینشی در المرسلات..

### (سوره مرسلات)

این سوره مکی و تعداد آیات آن، ۵۰ آیه است. دارای ۱۸۱ کلمه و ۸۱۶ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «عبرتم لنا» جمع شده است و بر فاصله لام در دو موضع: «لَيَوْمِ الْفَصْلِ» (مرسلات/۱۳) و «وَمَا ادْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ» (مرسلات/۱۴) و بر فاصله راء در دو آیه «إِنهَا تَرْمِي بِشَرِّرٍ كَالْقَصْرِ» (مرسلات/۳۲) و «كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ» (مرسلات/۳۳) و بر فاصله باء در دو آیه «ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ» (مرسلات/۳۰) و «اللَّهَبِ» (مرسلات/۳۱) است. این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «مرسلات» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** سوگند به وقوع قیامت و خبر دادن از هلاکت و نابودی امت‌های پیشین، منت‌نهادن بر مخلوقات به سبب به وجود آوردن آن‌ها در آغاز خلقت، وارد کردن بیگانگان [منکران] به آتش و سختی مجازات و کیفر حق برای آن‌ها، انواع کرامت مؤمنان در بهشت، شکایت از کافران به دلیل روی‌گردانی آن‌ها از قرآن، در این فرموده خداوند: «فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ» (مرسلات/۵۰)



## ۷۸- بینشی در عمّ یتساءلون..

### (سوره نبا)

این سوره مکی و تعداد آیات آن در شمارش مکیان و بصریان، ۴۱ آیه و در شمارش بقیه، ۴۰ آیه است. ۱۷۳ کلمه و ۸۱۶ حرف دارد. یک آیه در این سوره مورد اختلاف است: «عَذَابًا قَرِيبًا» (نبا/۴۰) فاصله‌های آیات آن، «م»، «ن»، «ا»، «نا» است و یک آیه به فاصله میم دارد: «العَظِيمِ» (نبا/۲)

این سوره دو نام دارد: [سوره] «عمّ یتساءلون» به دلیل وجود آیه «یتساءلون» (نبا/۱) و «النبأ» به دلیل وجود آیه «عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِيمِ» (نبا/۲) مقصود اصلی این سوره عبارت است از: یادآوری قیامت، آفرینش زمین و آسمان، بیان فایده باران، چگونگی زنده شدن و برانگیخته شدن دوباره، عذاب گناهکاران و پاداش اطاعت‌کنندگان از مؤمنان، حضور و قیام فرشتگان در قیامت همراه با مؤمنان و آرزوی محال کافران در فرموده خداوند: «یا لیتنی کنت تُراباً» (نبا/۴۰)



## ۷۹- بینشی در و النازعات غرقا..

### (سوره نازعات)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفیان ۴۶ آیه و بر اساس شمارش بقیه، ۴۵ آیه است. دارای ۱۷۹ کلمه و ۷۵۳ حرف است. در این سوره، دو آیه مورد اختلاف است: «وَلَأَنْعَامِكُمْ» (نازعات/۳۳) و «طَعَى» (نازعات/۳۷) فاصله‌های آیات آن، «ه» و «م» (هم) است و تنها یک آیه به فاصله میم دارد: «وَلَأَنْعَامِكُمْ» (نازعات/۳۳)

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** سوگند به نفخه صور،<sup>۱</sup> چگونگی برانگیخته شدن و زنده شدن دوباره، فرستادن موسی (ع) به سوی فرعون، نعمت و منت آفرینش آسمان و زمین، تحقق و تأکید وحشت و اضطراب قیامت، بیان حال کسانی که دنیا را بر آخرت ترجیح دادند، خبر دادن از حال کسانی که ترس از خدا دارند (پرهیزگاران)، عجله و شتاب کافران در (خواستن) قیامت و تعجب آن‌ها از قیامت به

---

<sup>۱</sup> اولی: در مورد «نفخه الصور» است که در آن به نازعات قسم یاد شده و آنچه به خاطر آن قسم خورده شده، قیامت و مقدمات آن است و این امر با سخن خداوند متعال اثبات می‌شود که می‌فرماید: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ» (نازعات/۶ و ۷) (سخن محقق)



هنگام برانگیخته شدن، در این فرموده خداوند: «كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا» (نازعات/۴۶) تا آخر آیه.

## ۸۰- بینشی در عَبَسَ و تَوَلَّى..

### (سوره عبس)

سوره مکی است و تعداد آیات آن در حجاز و کوفه، ۴۲ آیه و در بصره، ۴۱ آیه و در شام، ۴۰ آیه است. دارای ۲۳۳ کلمه و ۵۳۳ حرف است. در این سوره، سه آیه مورد اختلاف است: «وَلَأَنعَامَكُم» (عبس/۳۲)، «طعامه» (عبس/۲۴) و «الصَّائِحَةُ» (نازعات/۳۳) فاصله‌های آیات آن، «ه»، «م»، «ا» (هما) است و یک آیه به فاصله میم: «وَلَأَنعَامَكُم» (عبس/۳۲) این سوره به دلیل آغاز آن، «عبس» نامیده شده است.

هدف اصلی این سوره عبارت است از: شرح حال نابینا، یادآوری شرافت و عظمت قرآن، شکایت از ابوجهل<sup>۱</sup> و انکار معاد و قیامت توسط او، اثبات برهان بعث و معاد از طریق وضعیت گیاهان و زنده کردن مردگان، مشغله خلاقیت و موجودات در عرصه و میدان قیامت و تفاوت

---

<sup>۱</sup>. در آیه «أَمَا مِنْ اسْتغْنَى...» (عبس/۵) به آن اشاره شده است. (سخن محقق)



وضعیت اهل درجات عالی (بهشتیان) و درکات پایین (جهنمیان) در این فرموده خداوند: «وَجُودٌ...» (عبس/۳۸) تا آخر سوره. -

## ۸۱- بینشی در إذا الشمس كورت..

(سوره تکویر)

سوره مکی و در شمارش همه، دارای ۲۹ آیه است. در شمارش ابوجعفر، ۲۸ آیه است. وی آیه «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ» (تکویر/۲۶) را در شمارش نیاورده است. تعداد کلمات آن، ۱۴۰ کلمه و حروف آن، ۵۳۳ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «تسنم» جمع شده است. این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «کورت» و سوره «تکویر» نامیده شده است.

**مقصود این سوره عبارت است از:** بیان احوال قیامت و هول و هراس آن، ذکر قسم به اینکه جبرئیل امین بر وحی است و نزد پروردگارش دارای مقام و منزلت است و اینکه محمد (ص) برای امت خود [رحمت و مهربانی] است و در گفتن حق و حقیقت، بخیل نیست، و بیان حقیقت مشیت و اراده الهی در این فرموده خداوند: «إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکویر/۲۹)



## ۸۲- بینشی در إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ..

### (سورة انفطار)

سوره مکی و دارای ۱۹ آیه است. ۱۰۰ کلمه و ۳۱۹ حرف دارد. فاصله- های آیات آن در عبارت «مَكِينَه» جمع شده است. آخر سوره بر فاصله هاء است: [...] وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (انفطار/۱۹)] این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «انفطرت» و سوره «انفطار» نامیده می شود.

هدف اصلی این سوره عبارت است از: آگاهی بخشی از وضعیت و دگرگونی های آسمان و ستارگان در آستانه قیامت، بیان غفلت و بی خبری انسان، یادآوری فرشتگان ثبت کننده و موکل بر آنچه از زبان و اعمال [انسان] صادر می شود، بیان ایجاد داوری و حکم حق تعالی در روزی که انسان ها و جنیان محشور و جمع می شوند.



## ۸۳- بینشی در وِیلِ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ..

### (سورهٔ مطففین)

سوره مکی و دارای ۳۶ آیه است. تعداد کلمات آن، ۱۰۹ کلمه و حروف آن، ۴۳۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن «م» و «ن» (مَنْ) است. این سوره به دلیل آغاز آن، سورهٔ «مطففین» نامیده شده است.

هدف اصلی این سوره عبارت است از: رعایت کامل پیمان‌ها و وزن، پرهیز از کم‌فروشی و کاستن، یادآوری سَجِّین (محل نگهداری گناهکاران) برای گناهکاران و یادآوری عَلِیِّین (جایگاه نیکوکاران) برای مؤمنان، رفاه و ناز و کرشمهٔ مؤمنان و اطاعت‌کنندگان در نعمت‌های بهشت، خواری و ذلت گناهکاران در عذاب آتش (دوزخ) و کیفر و عقوبت آنان مطابق جرم و ناسپاسی، در فرمودهٔ خداوند: «هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مطففین/۳۶)



## ۸۴- پیشی در إذا السماء انشقت..

### (سوره انشقاق)

سوره مکی است و تعداد آیات آن نزد شامیان و بصریان، ۲۳ آیه و از نظر بقیه، ۲۵ آیه است. دارای ۱۰۷ کلمه و ۴۳۳ حرف است. دو آیه در این سوره مورد اختلاف است: «بِیْمِیْنِهِ» (انشقاق/۷) و «وَرَأَ ظَهْرَهُ» (انشقاق/۱۰) فاصله‌های آیات آن در عبارت «قهرتman» جمع شده است. یک آیه به فاصله راء: «یَحُورُ» (انشقاق/۱۴) و یک آیه به فاصله میم: «أَلِیم» (انشقاق/۲۴) این سوره به دلیل شروع آن، به سوره «انشقت» و سوره «الانشقاق» نامیده می‌شود.

**هدف این سوره عبارت است از:** بیان وضعیت زمین و آسمان در اطاعت از خالق متعال، بیرون آوردن مردگان برای رستاخیز، پرداختن به نیکوکاری و احسان، بیان سهولت و آسانی حسابرسی برای اطاعت‌کنندگان و خبر دادن از شادی و سرور آنها در نعمت‌های بهشت، و گریه گناهکاران و کافران و وای بر آنها به دلیل ماندگاری در درکات آتش و مراتب جهنم، سوگند به شکافته شدن ماه، آگاهی حق تعالی از پنهان و آشکار، و پاداش و جزای اطاعت‌کنندگان بدون هیچ متنی، در این فرموده خداوند: «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مُمَّنُون» (انشقاق/۲۵)



## ۸۵- بینشی در والسَّماءِ ذاتِ البروجِ..

### (سوره بروج)

این سوره مکی و تعداد آیات آن ۲۲ آیه است. تعداد کلمات آن، ۱۰۹ کلمه و حروف آن، ۴۵۸ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «قرط ظب جد» جمع شده است. به دلیل ذکر بروج در ابتدای سوره، سوره «بروج» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** سوگندخوردن به اصحاب اخدود، کمال فرمانروایی پادشاه پرستیده‌شده، اجر و پاداش مؤمنان در جوار و همسایگی مقام ستوده، عذاب کافران در دوزخ آماده شده، آنچه برای فرمانبردار و نافرمان از کرم [خداوند] آمرزنده و مهربان است و اشاره به هلاکت فرعون و ثمود است.



## ۸۶- بینشی در والسّماءِ والطارق..

### (سوره طارق)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش همه، ۱۷ آیه است، به جز ابی جعفر، زیرا نزد او ۱۶ آیه است. او آیه «يَكِيدُونَ كَيْدًا» را در شمارش نیاورده، در حالی که بقیه آن را شمرده‌اند. تعداد کلمات آن، ۶۱ کلمه و حروف آن، ۲۳۹ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «ظَلَّ بَقِ عَارٍ» جمع شده است. نامگذاری آن به «الطارق» به دلیل شروع سوره با این کلمه است.

**مقصود این سوره عبارت است از:** سوگند به حفظ احوال انسان و خبر دادن از وضعیت او در آغاز و پایان [آفرینش]، آشکارنمودن اسرار در روز جزا، سوگند بر اینکه کلمات قرآن استوار و بجا است، نه بیهوده و نه از روی شک و تردید. شفاعت پیشگاه کبریایی به سوی پیشوای پیامبران برای مهلت‌دادن به کافران در عذاب و بلا، در فرموده خداوند:

«أْمَهْلُهُمْ رُؤْيِدًا» (طارق/۱۷)



## ۸۷- بینشی در سَبِّح اسم رَبِّكَ الأَعْلَى..

(سوره اعلی)

این سوره مکی است و تعداد آیات آن به اجماع، ۱۹ آیه است. تعداد کلمات آن، ۷۸ کلمه و حروف آن، ۲۷۱ حرف است. فاصله‌های آیات آن بر الف استوار است. این سوره به دلیل آغازش، سوره «اعلی» نامیده شده است.

**هدف این سوره عبارت است از:** بیان والایی ذات خداوند و صفات او، ذکر آفرینش، پرورش حیوانات، اشاره به میوه‌ها و گیاهان، و [ایجاد] اطمینان از نسخ آیات، بیان سادگی و آسانی طاعات و عبادات، خواری کافران در قعر [جهنم]، ترغیب و تشویق به نماز و زکات، و [بیان اینکه] در دنیا خیرات باقی می‌مانند و در آخرت درجات [بهشتی] پایدارند، در فرموده: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی/۱۷)



## ۸۸- بینشی در هل إتاک حَدِيثِ الْغَاشِيَةِ..

### (سورة غاشيه)

این سوره مکی و تعداد آیات آن، ۲۶ آیه است. دارای ۹۲ کلمه و ۳۸۱ حرف است. فاصله‌های آیات آن، در عبارت «عمرته» جمع شده است. این سوره به دلیل ذکر کلمه «الغاشیه» [واقعه فراگیر]، سوره «غاشیه» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** ترساندن [مردم] از وقوع قیامت، بیان حال کسانی که سزاوار مجازات و عقوبت هستند و ذکر حال کسانی که مستحق و شایسته اجر و پاداش‌اند، [و اقامه و اثبات حجت بر وجود حق]، موعظه و نصیحت پیامبر (ص) به امت از روی شفقت و دلسوزی و اینکه سرانجام و بازگشت نهایی به سوی خداوند متعال است، چنان‌که در این آیه آمده: «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشیه/۲۶)



## ۸۹- بینشی در والفجر..

### (سوره فجر)

این سوره مکی است و تعداد آیات آن در شمارش اهل شام و کوفه دارای ۳۰ آیه است و بنا بر شمارش اهل بصره، ۲۹ آیه و در شمارش اهل حجاز، ۳۲ آیه است. تعداد کلمات آن، ۱۲۷ کلمه و تعداد حروف آن، ۵۹۹ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «هاروت ندم» جمع شده است. این سوره به دلیل آغازش با سوگند به سپیده دم، سوره «فجر» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** شرافت عید [قربان] و روز عرفه و دهه محرم (عاشورا)، اشاره به هلاکت قوم عاد و ثمود و امثال آنها، تفاوت حال انسان در نعمت و حرص و طمع او بر جمع‌آوری دنیا و مال فراوان، بیان حال زمین در روز قیامت و آمدن فرشتگان، حسرت و تأسف انسان در آن روز به دلیل کوتاهی و نافرمانی و اینکه بازگشت مؤمن در هنگام مرگ به سوی رحمت و رضوان و نعمت‌های بهشتی است، در فرموده خداوند: «وَ ادْخِلِی جَنَّتِی» (فجر/۳۰)



## ۹۰- بینشی در لا أقسمُ بهذا البلد..

(سوره بلد)

این سوره مکی است و دارای ۲۰ آیه، ۸۲ کلمه و ۳۵۱ حرف است. فاصله‌های آیات آن در عبارت «هدنا» جمع شده است. این سوره به دلیل آغازش، سوره «بلد» نامیده شده است و به دلیل آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (بلد/۱۱) سوره «عقبه» نیز نامیده می‌شود.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** تجلیل و شرافت بخشیدن به مکه با حکم سوگند به آن، بیان سختی حال انسان نزدیک [به خدا] و آگاهی [خداوند] از پنهان و آشکار او، منت نهادن بر او با نعمت‌های گوناگون، بزرگ جلوه دادن گذرگاه صراط و بیان راه نجات و رهایی از آن، ستایش مؤمنان و صبرشان در برابر بلا و مهربانی برخی از آنان با برخی دیگر، جاودانگی کافران در آتش، در قول خداوند: «عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ» (بلد/۲۰)



## ۹۱- بینشی در والشمسِ وَ ضَحَاها

(سوره شمس)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن نزد قاریان، ۱۵ آیه است و نزد مکی‌ها ۱۶ آیه است. تعداد کلمات آن، ۵۴ کلمه و حروف آن، ۲۴۰ حرف است. آیه مورد اختلاف در آن، آیه «فَعَقَّرُوْهَا» (شمس/۱۴) است و فاصله‌های آیات آن، حرف «الف» است. این سوره به دلیل آغازش، سوره «والشمس» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است:** انواع سوگندهای پی‌درپی برای تأکید بر الهام‌بخش بودن خلق در اطاعت و نافرمانی، رستگاری و ناکامی، خبر از هلاکت و نابودی قوم ثمود، ترسانیدن اهل مکه در این فرموده خداوند: «وَلَا يَخَافُ عُقْبَهَا» (شمس/۱۵)

## ۹۲- بینشی در واللیلِ إِذَا يَغْشَى..

(سوره لیل)

این سوره مکی است و تعداد آیات آن بدون هیچ اختلافی، ۲۱ آیه است. تعداد کلمات آن ۷۱ کلمه و حروف آن ۳۱۰ حرف است. فاصله‌های



آیات آن بر «الف» است. این سوره به دلیل آغاز سوره، به آن سوره «اللیل» گفته شده است.

**مقصود این سوره عبارت است از:** سوگند خوردن بر تفاوت حالِ انسان‌ها در بدکاری و نیکوکاری و هدایت آنان به سوی جایگاه و شأنِ قرآن و ترساندنِ گروهی از آنان با آتش [دوزخ]، و تشویقِ برخی دیگر با بهشت، شتاب کردن به سوی صدقه‌دادن به عنوان کفاره و پاک‌کننده گناهان و نافرمانی‌ها، وعدهٔ خشنودیِ خداوندِ بخشندهٔ نعمت‌دهنده، در فرمودهٔ خداوند: «وَكَسُوفَ يَرْضَى» (لیل/۲۱)

## ۹۳- بینشی در الضحیٰ..

(سورهٔ ضحیٰ)

سوره مکی و تعداد آیات آن ۱۱ آیه است. تعداد کلمات آن ۴۰ کلمه و حروف آن ۱۷۲ حرف است. فاصله‌های آیات آن، «ث»، «ر»، «ا» (ثرا) است. این سوره به دلیل آغاز آن، سورهٔ «الضحیٰ» نامیده شده است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** بیان مقام و شرافت پیامبر (ص) و فضائل او و وعده‌ی شفاعت او در قیامت، ذکر انواع کرامت و



نعمت‌هایی که به او ارزانی شده است، حفاظت و پاسداری از فقیر و یتیم در برابر محرومیت و خواری، همچنین امر به شکرگزاری نعمت‌ها در فرموده خداوند: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی/۱۱)

## ۹۴- بینشی در الم نشرح..

(سوره انشراح)

سوره مکی و دارای هشت آیه است. ۲۶ کلمه و ۱۵۰ حرف دارد. فواصل آیات آن، «ب»، «ک»، «ا» (بکا) است. این سوره به دلیل آغاز آن (ألم نشرح)، به این اسم نامیده شده است.

**بیشتر اهداف این سوره عبارت است از:** بیان گشایش سینه محمد مصطفی (ص) (شرح صدر پیامبر) و بالابردن مقام و منزلت و یاد او، تبدیل سختی‌ها به آسانی در کار پیامبر (ص)، امر پیامبر (ص) به اطاعت و بندگی خداوند، درحالی که انتظار پاداش الهی دارند، شوق و رغبت به سوی خداوند تعالی و روی آوردن به ذکر یاد او در این فرموده خداوند: «وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (شرح/۸)



## ۹۵- بینشی در والتین..

(سوره تین)

سوره مکی و دارای هشت آیه است. ۳۴ کلمه و ۱۵۰ حرف دارد. فاصله‌های آیات آن حرف «م» و «ن» (من) است و به دلیل آغاز سوره، به این اسم نامگذاری شده است.

**مقصود و مضمون این سوره از این قرار است:** سوگند به آفرینش نیکو و احسن انسان، بازگشت کافران به جهنم و آتش سوزان و همچنین تکریم و گرامیداشت مؤمنان با بزرگ‌ترین پاداش‌های نیکو و بیان اینکه خداوند متعال، حکیم و احکم (دادگر) است در آیه «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (تین/۸)

## ۹۶- بینشی در إقرأ باسم ربك..

(سوره علق)

سوره مکی و تعداد آیات آن در قرائت شامی، ۱۸ آیه و در قرائت عراقی، ۱۹ آیه و در قرائت حجازی، ۲۰ آیه است. تعداد کلمات آن ۹۲ کلمه و



حروف آن ۲۸۰ حرف است. دو آیه در آن مورد اختلاف است: «العلق»

(علق/۲) «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق/۴)

مقصود اصلی این سوره عبارت است: آغاز نمودن تمام امور به نام خالق و پروردگار تعالی که عظمت او جلیل است، منت نهادن بر خلق با آموختن نوشتن و حکمت، شکایت از اهل گمراهی و تهدید اهل کفر و معصیت، ترسانیدن بیگانگان از عقوبت و عذاب، بشارت سجده‌کنندگان به قرب [الهی] در این آیه: «وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» (علق/۱۹)

## ۹۷- بینشی در اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ..

(سوره قدر)

این سوره نزد برخی از مفسران مکی است و بسیاری دیگر از مفسران آن را مدنی می‌دانند. تعداد آیات آن در شمارش اهل شام، شش آیه و نزد بقیه، پنج آیه است. دارای ۳۰ کلمه است و ۱۱۲ حرف دارد. آیه مورد اختلاف در آن، آیه سوم است: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» فاصله‌های آیات آن، بر حرف راء است. این سوره به دلیل تکرار نام قدر در آن، سوره «قدر» نامیده شده است.



مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان شرافت شب قدر در متن قرآن و نزول فرشتگان مقرب از نزد خداوند رحمان و پیوند سلام و درود آن‌ها در طول شب بر اهل ایمان، چنان‌که در این آیه آمده: «حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (قدر/۵)

## ۹۸- بینشی در لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا..

(سورة بَيِّنَة)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن در شمارش بصریان، هفت آیه و نزد دیگران هشت آیه است. دارای ۷۴ کلمه و ۳۹۹ حرف است. آیه مورد اختلاف در آن، آیه «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینه/۵) است. فواصل آیات آن بر حرف «هَاء» استوار است.

این سوره دو نام دارد: سوره «الْمُنْفِكِينَ» به دلیل فرموده: «وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفِكِينَ» (بینه/۱) و سوره «الْقِيَمَةَ» به دلیل فرموده: «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه/۵)

هدف اصلی این سوره عبارت است از: بیان تمرّد و سرکشی اهل کتاب، خبر از صحت و درستی احکام قرآن، یادآوری تکلیف و وظیفه



مخلوقات در خدمت خداوند رحمان، ستایش بهترین مخلوقات از انسان و پاداش هر یک از آن‌ها بر حسب فرمانبرداری (طاعت) و نافرمانی (معصیت)، بیان اینکه وعده داده شده به ترسندگان و خاشعان از خدا، خشنودی و رضوان الهی است، در این گفته خداوند: «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه/۸)

## ۹۹- بینشی در إذا زلزلت..

### (سورة زلزال)

سورة مکی است. تعداد آیات آن در شمارش کوفیان، هشت آیه و بنابر شمارش بقیه، نه آیه است. تعداد کلمات آن، ۳۵ کلمه و حروف آن، ۱۱۹ حرف است. آیه مورد اختلاف در آن، آیه «أَشْتَاتًا» (زلزله/۶) است. فاصله‌های آیات این سوره، «ه»، «م»، «ا» (هما) است. یک آیه به فاصله میم است: «أَعْمَالَهُمْ» (زلزله/۶) این سوره به خاطر افتتاحیه‌اش با این نام، سورة «زلزله» نامیده شده است.

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان احوال و حالات قیامت و ترس‌های آن، یادآوری پاداش طاعت و فرمانبرداری و عقوبت و سزای



معصیت و نافرمانی، و ذکرِ سنجش اعمال در ترازوی عدل الهی در سخن خداوند متعال: «فَمَنْ يَعْمَلْ» (زلزال/۷ و ۸) تا پایان آیه:

## ۱۰۰- بینشی در العادیات ضیحاً..

### (سوره عادیات)

این سوره مکی و تعداد آیات آن، ۱۱ آیه است. تعداد کلمات آن، ۴۰ کلمه و حروف آن، ۱۶۰ حرف است. فاصله‌های آیات آن، «د»، «ا»، «ر» (دار) است. این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «عادیات» نامیده شده است.

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیانِ شرافت و ارجمندی جهادگران و رزمندگان در راه خداوند رحمان، یادآوریِ ناسپاسیِ انسان، خبر دادن از آگاهیِ پادشاهِ دادگر و دادرس بر پنهان و آشکار (اشاره به خداوند)، نکوهشِ دلبستگی و محبت به امور فانی و ناپایدار، خبر دادن از زنده کردنِ مردگان با جسم‌ها و بدن‌ها، و این‌که خداوند متعال از طاعت و نافرمانیِ آفریدگان، آگاه است.



## ۱۰۱- بینشی در القارعه..

### (سوره قارعه)

این سوره مکی است. تعداد آیات آن بنابر شمارش کوفیان ۱۱ آیه، در شمارش حجازیان ۱۰ آیه و بنابر شمارش بصریان و شامیان هشت آیه است. تعداد کلمات آن، ۳۶ کلمه و حروف آن، ۱۵۰ حرف است. فواصل آیات آن، «ش»، «ث»، «ه»، «ثثه» است. این سوره به دلیل آغاز آن، «قارعه» نامیده شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** بیان شکوه و عظمت صحنه‌های قیامت (محل و مواقف حسابرسی قیامت) و تأثیر آن در جمادات و حیوانات، یادآوری سنجش اعمال نیک و بد، شرح زندگی اهل درجات عالی (بهشتیان) و بیان حال اصحاب درکات پایین (جهنمیان) در این فرموده خداوند: «نَارٌ حَامِيَةٌ» (قارعه/۱۱)

## ۱۰۲- بینشی در ألهاکم..

این سوره مکی است و تعداد آیات آن هشت آیه و کلمات آن، ۲۸ کلمه است. حروف آن، ۱۲۰ حرف است و فاصله‌های آیات آن، حروف «ن»،



«م»، «ر» (نمر) است. این سوره به دلیل آغاز آن، سوره «التکثیر» (فزون‌طلبی و رقابت در مال و اولاد) نامگذاری شده است.

**هدف اصلی این سوره عبارت است از:** نکوهش و مذمت روی آوردن‌گان به دنیا و فخرفروشان به مال و ثروت و بیان اینکه سرانجام همه‌ی آن‌ها مرگ و نابودی است و این‌که سهم غافلان، عقوبت و عذاب است، [و خداوند] برای ثروتمندان، خواری و بازخواست و حساب و عذاب آماده کرده است، در این آیه: «لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکثیر/۸)

### ۱۰۳- بینشی در والعصر..

این سوره مکی است و دارای سه آیه است. دارای ۱۴ کلمه و ۶۸ حرف است. در مورد دو آیه «والعصر» و «بالحق» اختلاف نظر وجود دارد. فاصله‌های آیات آن بر حرف «راء» استوار است. نام‌گذاری سوره به «والعصر» به دلیل آغاز سوره با این عبارت است.

**مقصود این سوره عبارت است از:** بیان زیان و خُسران کافران و فاجران، ذکر فرجام نیک و سعادت مؤمنان نیکوکار، شرح حال مسلمان سپاسگزار و بردبار در عبارت: «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۳)



## ۱۰۴- بینشی در وِیلُ لَکُلْ هُمَزَةٌ..

این سوره مکی و تعداد آیات آن به اجماع علماء، نه آیه است. دارای ۳۳ کلمه و ۱۳۰ حرف است. فاصله آیات آن بر حرف «هَاء» استوار است. این سوره به دلیل آغاز آن با واژه «الْهُمَزَةُ» (به معنای عیب‌جوی نکته‌سنج)، سوره «هُمَزَةٌ» و همچنین به جهت ذکر واژه «حُطْمَةٌ» (به معنای کوبنده و درهم شکننده) در آن به سوره «حُطْمَةٌ»، نام‌گذاری شده است.

محتوای اصلی این سوره عبارت است از: عذاب و مجازات عیب-جویان و غیبت‌کنندگان، نکوهش جمع‌آوری دنیا و منع از آن [منع و خودداری از انفاق]، بیان سختی عذاب در آیه: «فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ» (همزه/۹)

## ۱۰۵- بینشی در اَلَمْ تَرَ كَيْفَ..

این سوره مکی است و به اجماع، دارای پنج آیه است. تعداد کلمات آن ۲۳ کلمه و تعداد حروف آن، ۹۳ حرف است. فاصله‌های آیات آن بر حرف «لام» استوار است. این سوره به دلیل فرموده «بِأَصْحَابِ الْفِيلِ» (فیل/۱)، سوره «فیل» نامیده شده است.



هدف اصلی این سوره عبارت است از: بیان کیفر و جزای بیگانگان و مکر و حیلۀ آن‌ها و بازگرداندن مکر و نیرنگ آن‌ها به خودشان، مسلط کردن انواع عذاب و کیفر بر عصیان‌کاران و گناهکاران و سرانجام بد آن‌ها پس از مدتی، چنان‌که در این آیه آمده: «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ» (فیل/۵)

## ۱۰۶- بینشی در لایلافِ قریش..

(سوره قریش)

سوره مکی است و به شمارش اهل حجاز، دارای پنج آیه و نزد بقیه چهار آیه است. تعداد کلمات آن، ۱۹ کلمه و حروف آن، ۷۳ حرف است. آیه مورد اختلاف در آن، آیه «مِنْ جُوعٍ» (قریش/۴) است و فاصله‌های آیات آن، حروف «ش»، «ف» و «ت» (شَفَّت) است. این سوره به جهت ذکر اتحاد و الفت قریش در آن، سوره «قریش» نامیده شده است.

مقصود اصلی این سوره عبارت است از: بیان مَنّت‌نهادن [خداوند] بر طایفه قریش و ترغیب و تشویق آنان به عبادت و سپاسگزاری از احسان و نیکی خداوند و شناخت قدر نعمت‌ها، سرانجام نیکو و امنیت در این سخن خداوند: «وَأَمَّنَّهُمْ مِّنْ خَوْفٍ» (قریش/۴)



## ۱۰۷- بینشی در رأیت..

### (سوره ماعون)

این سوره مکی است و آیات آن در شمارش اهل عراق، هفت آیه و نزد بقیه، شش آیه است. تعداد کلمات آن ۲۵ کلمه و حروف آن، ۱۲۵ حرف است. آیه مورد اختلاف در آن، آیه «يُرَاءُونَ» (ماعون/۶) است. فاصله آیات آن، حرف «نون» است و به دلیل آغازشدن آن با ماعون، به این اسم نامبردار گشته است.

**مقصود اصلی این سوره عبارت‌اند از:** شکایت و شکوه از سخت‌گیران و جفاکنندگان بر یتیمان و فقیران، نکوهش کوتاهی‌کنندگان و ریاکاران و همچنین نکوهش کسانی که از رساندن منفعت و یاری به نیازمندان و مسکینان خودداری می‌ورزند، چنانکه در این آیه آمده است: «وَيَمْنَعُونَ المَاعُونَ» (ماعون/۷)



## ۱۰۸- بینشی در اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ..

### (سوره کوثر)

سوره مکی و به اجماع دارای سه آیه است. ۱۰ کلمه و ۴۲ حرف دارد. فاصله آیات آن، حرف «راء» است و به دلیل ذکر کوثر در آن، سوره «کوثر» نامیده شده است.

مهم‌ترین مقصود این سوره عبارت است از: بیان نعمت و منت نهادن بر سرور فرستادگان [رسول خدا (ص)] و امر او به نماز و قربانی و همچنین خبر دادن به آن حضرت از نابودی و هلاکت دشمنانش که اهل ناامیدی و سرافکندگی هستند.

## ۱۰۹- بینشی در قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ..

### (سوره کافرون)

سوره مکی و آیات آن به اتفاق، شش آیه است. دارای ۲۸ کلمه و ۹۴ حرف است. فاصله آیات سوره، حرف «ن» است و به دلیل شروع آن با عبارت: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، سوره «کافرون» نامیده شده است. نام‌های دیگر این سوره عبارت‌اند از: سوره «الدین» به دلیل آیه «وَلِيَّ دِينٍ»، سوره



«المقشقة» (به معنای پاک‌کننده). ابوعبیده گفته است: به دو سوره در قرآن، مقشقتان گفته می‌شود: «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون». همان‌گونه که مرهم، گری و خارش (نوعی بیماری پوستی) را می‌زداید، این دو سوره گناهان را می‌زدایند و پاک می‌کنند.

**مقصود اصلی این سوره عبارت است از:** نومی‌دی کافران از همراهی و سازش پیامبر (ص) با آن‌ها در مورد اسلام و رفتار و اعمال ایشان در گذشته، حال و آینده و نیز بیان این که هر کس به آنچه به آن روی آورده و مشغول به آن است، مؤاخذه می‌شود (و مسئول آن است).

## ۱۱۰- بینشی در إذا جاء..

### (سورة نصر)

این سوره مدنی و دارای سه آیه است. تعداد کلمات آن، ۲۶ کلمه و حروف آن، ۷۴ حرف است. فاصله‌های آیات آن، «ح» و «الف» است و در قرآن، جز الفتح آیه‌ای با فاصله «حاء» نیست.



این سوره به سبب آیه «إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ»، سوره «نصر» نامیده شده است و نام دیگر آن، سوره «تودیع» است به دلیل آنکه در آن، اعلان رحلت و وفات پیامبر اکرم (ص) بیان شده است.

**مقصود اصلی این سوره عمدتاً از این قرار است:** بیان خبر درگذشت و رحلت پیامبر (ص)، یادآوری پایان پذیرفتن پیروزی و نصرت مسلمانان، تشویق مردم به پذیرش و روی آوردن به دین هدایت (اسلام)، بیان تکلیف تسییح و حمد خداوند و طلب آمرزش خواستن، دستور به توبه و بازگشت در پایان کار با این فرموده: «وَاسْتَغْفِرُهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/۳)

## ۱۱۱- بینشی در تَبَّتْ..

(سوره مسد)

سوره مکی و آیات آن به اجماع، پنج آیه است. تعداد کلمات آن، ۲۳ کلمه و تعداد حروف آن، ۷۷ حرف است. فاصله آیات آن، «د» و «ب» مشدّد (دب) است و به دلیل ذکر ابولهب در آن، سوره «تَبَّتْ»، سوره «أبی لهب» و سوره «مسد» نامیده می شود.



هدف این سوره عبارت است از: تهدیدنمودن و ارباب ابولهب به دلیل کینه‌توزی و روی‌گردانی‌اش [از حق] و تهدید به زوال و نابودی منافع و دارایی و نفوذ و اقتدارش، بیان گرفتاری او در روز قیامت و مذمت و نکوهش همسرش به دلیل آزار رساندن و رنجانیدن پیامبر (ص) و نیز بیان آنچه از بدعاقبتی و سرنوشت شومی که برای او ذخیره شده است.

## ۱۱۲- بینشی در قل هو الله أحد...

### (سوره اخلاص)

سوره مکی است و آیات آن در شمارش اهل مکه و شام، پنج آیه و نزد بقیه چهار آیه است. تعداد کلمات آن، ۱۱ کلمه و تعداد حروف آن، ۴۷ حرف است. آیه مورد اختلاف در تعداد، آیه «لَمْ يَلِدْ» [فرزندی نزاییده] است. [لم یلد را یک آیه مستقل به حساب آورده‌اند] فاصله آیات آن، بر حرف «دال» است.

این سوره بیست نام دارد که از این قرارند: ۱. سوره توحید، ۲. سوره تفرید، ۳. سوره تجرید، ۴. سوره إخلاص، ۵. سوره نجات، ۶. سوره ولایت، ۷. نسبة الربّ به دلیل گفته: «لکلّ شیءٍ نسبة و نسبة الربّ قل هو...» (برای هر چیزی نسبتی است و نسبت پروردگار، «قل هو الله أحد»



است.)<sup>۱</sup> ۸. سوره معرفت، ۹. سوره جمال، ۱۰. الْمُعَشَّقَشَّةُ، [برطرف کننده عذاب]، وجه نامگذاری آن پیشتر در سوره کافرون بیان شد. ۱۱. الْمُعْوَذَةُ [پناه دهنده] ۱۲. سوره صمد، ۱۳. أساس، ۱۴. مانعهُ [بازدارنده]، ۱۵. مُحَضَّرَةٌ [حاضرکننده]، زیرا فرشتگان برای شنیدن این سوره از قاری آن حاضر می شوند. ۱۶. مُنْفَرَةٌ، زیرا این سوره شیطان را دور می کند و موجب نفرت شیطان از قاری آن می شود ۱۷. برائت، یعنی بیزاری و خلاصی از نفاق را به همراه دارد، ۱۸. مُذَكَّرَةٌ [یادآورنده]، ۱۹. شَافِيَةٌ [شفادهنده]، ۲۰. سوره نور به دلیل این روایت: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ نَوْرًا، وَ نَوْرَ الْقُرْآنِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.» (برای هر چیزی نوری است و نور قرآن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است.)

**مقصود و هدف این سوره عبارت است از:** بیان وحدانیت و یگانگی خداوند و یادآوری جاودانی و صمدبودن او (بی نیازی که همگان نیازمند اویند)، منزّه و پاک دانستن ذات حق از داشتن فرزند و پدر و زاد و ولد و نیز بیزاری جستن از شرک و برائت از اینکه در حکومت و فرمانروایی خداوند، کسی شریک قائل شود.

---

۱. این حدیث را به دست نیاوردم و در اسباب النزول سیوطی آمده است که مشرکین به پیامبر (ص) گفتند: أنسب لنا ربك! پس خداوند آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...» را نازل فرمود. ترمذی، حاکم نیشابوری و ابن خزیمه این حدیث را روایت کرده اند و احادیث دیگری با همین مضمون روایت شده است. (سخن محقق)



## ۱۱۳- بینشی در قل اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ..

(سوره فلق)

سوره مدنی و تعداد آیات آن، به اجماع پنج آیه است. تعداد کلمات آن ۲۳ کلمه و تعداد حروف آن، ۷۴ حرف است. فاصله‌های آیات این سوره، «د»، «ب»، «ق» (دبق) است و به جهت آغاز و افتتاح آن (قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، سوره «فلق» نامیده شده است.

**مهم‌ترین مقاصد و اهداف این سوره عبارت است از:** استعاذه و پناه- جستن به خدا از شرور و بدی‌ها و پناه‌بردن به آن ذات مقدس از ترس ظلمت و تاریکی‌های شب و از دفع آفات حيله‌گران و حسدورزی بخیلان در آیه: «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق/۵)

## ۱۱۴- بینشی در قل اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ..

(سوره ناس)

سوره مدنی و تعداد آیات آن نزد اهل‌مکه و شام، هفت آیه و نزد بقیه شش آیه است. آیه‌ای که درباره آن اختلاف نظر وجود دارد، آیه «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ» است. تعداد کلمات آن ۲۰ حرف و تعداد حروف آن، ۷۹ حرف است. فاصله‌های آیات این سوره، حرف «سین» است و به جهت



اینکه کلمه ناس پنج مرتبه در آن تکرار شده، به سوره «ناس» نامبردار گردیده است.

هدف اصلی این سوره عبارت است از: پناه بردن به خداوند حق تعالی و چنگ زدن به ریسمان حفظ الهی و طلب حفظ و حمایت از جانب او، برحذر بودن و دوری گزیدن از وسوسه‌های شیطانی و تعدی و تجاوزگری جنیان و انسان‌ها در فرموده خداوند: «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس/۶)

## ۱۱۵- بینشی در مجملات السوره

### (کلیاتی در سوره‌های قرآن)

بدان که تعداد سوره‌های قرآن، به اتفاق نظر علما صد و چهارده سوره است. پیشگامان امت و امامان سلف از علما و قاریان، توجهی شدید به قرآن و علم آن داشتند؛ به گونه‌ای که هیچ لفظ و معنایی باقی نماند مگر اینکه به کاوش درباره آن پرداختند، حتی آیات و کلمات و حروف را، که آنها را محدود کرده و شمارش کردند. در این باره میان قاریان اختلاف وجود دارد؛ اما این اختلاف لفظی است نه حقیقی.



به عنوان مثال، قاریان کوفه قول خداوند: «وَالْقُرْآنَ ذِی الذِّکْرِ» (ص ۱/۱) را یک آیه شمردند، در حالی که بقیه آن را یک آیه به حساب نیاوردند. قاریان کوفه، «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ» را یک آیه شمردند و بقیه آن را آیه ندانستند، بلکه آخر آیه را «فِی عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ: قرار دادند، و «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ». و همین طور، اهل مکه و مدینه و کوفه و شام، آخر آیه را، «وَالشَّیَاطِینَ کُلَّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ» (ص ۳۷) شمردند، و اهل بصره، آخر آن را، «وَأَخْرَجَ مَقْرِنَیْنِ فِی الْأَصْفَادِ» قرار دادند. و شکی نیست که این گونه موارد، اختلاف در نام گذاری است نه اختلاف در قرآن.

از همین جا نزد بعضی از آنها، آیات قرآن بیشتر و نزد بعضی کمتر شد، نه اینکه بعضی در آن می افزایند و بعضی می کاهند. چرا که افزودن و کاستن در قرآن، کفر و نفاق است؛ ضمن اینکه برای بشر هم مقدور و شدنی نیست؛ خداوند متعال می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹)

پس اگر این قاعده را در مورد آیات دانستی، همین امر در مورد کلمات و حروف نیز صادق است. زیرا بعضی از قاریان، (فی السماء) و (فی الأرض) و (فی خلق) و امثال آنها را دو کلمه شمرده اند، به این صورت که (فی) یک کلمه است و (السماء) کلمه ای دیگر و بعضی از آنها، آن دو را یک کلمه به حساب آورده اند. از همین رو اختلاف پدید آمد؛ زیرا



کسی که (فی السماء) و امثال آن را دو کلمه شمرده است، کلمات قرآن نزد او بیشتر بود.

بعضی از قاریان، حرف مشدّد را دو حرف به حساب آورده‌اند، در نتیجه قرآن نزد او بیشتر خواهد بود.

پس اگر آن را فهمیدی، بدان که تعداد آیات قرآن نزد اهل کوفه، شش هزار و دویست و سی و شش (۶۲۳۶) آیه است، اینگونه به سند مشایخ از طریق کسائی تا علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است. سلیم از حمزه روایت کرده که گفت: این عدد ابو عبدالرحمن السّلمی است. در این شکی نیست که آن از علی (ع) است، مگر اینکه من از آن بیم دارم [احتیاط می‌کنم]. عبدالله بن وهب از عبدالله بن مسعود روایت کرده که او گفت: آیات قرآن، شش هزار و دویست و هجده (۶۲۱۸) آیه است و حروف آن، سیصد هزار و ششصد و هفتاد (۳۰۰۶۷۰) حرف است، و برای هر حرفی از آن، ده حسنه برای قاری قرآن است.

ما از فضل بن عبدالحنّان روایت کرده‌ایم که گفت: شنیدم ابومعاذ نحوی می‌گفت: قرآن شش هزار و دویست و هفده (۶۲۱۷) آیه است و آن سیصد و بیست و یک هزار و دویست (۳۲۱۲۰۰) حرف است. صاحب الإیضاح گفت: تعداد آیات قرآن در قول مدنی اوّل، شش هزار و دویست و چهارده (۶۲۱۴) آیه است و آن، بیست و یک هزار و یک (۲۱۰۰۱) [حرف] است و این عددی است که اهل کوفه از اهل مدینه آن را روایت



کرده‌اند، گفت: در قول مدنی دیگر، شش هزار و دویست و هفده (۶۲۱۷) آیه است و این عدد شیبه بن نِصاح است. گفت: در عدد یزید بن قعقاع: شش هزار و دویست و ده (۶۲۱۰) آیه است. گفت: تعداد آن نزد اهل مکه، شش هزار و ده (۶۰۱۰) آیه است. در بعضی روایات، دویست و پنج و در بعضی دویست و چهار، و نزد اهل شام، شش هزار و دویست و بیست و شش (۶۲۲۶) آیه است. ما از ابن عباس و ابن سیرین روایت کرده‌ایم که آن شش هزار و دویست و شانزده (۶۲۱۶) آیه است و از عطاء بن یسار که آن، شش هزار و صد و نود و هفت (۶۱۹۷) آیه است و از قتاده، دویست و هجده آیه. این مجموع اختلافات در شمارش آیات است.

گفتم: از این مجموع، هزار و ششصد آیه در قصص انبیاء، هزار و دویست [آیه] در شرایع ایمان، و هزار و بیست [آیه] در توحید و صفات، هزار [آیه] در ترتیب ولایت‌ها، چهارصد [آیه] در رقیه (تعویذ) و دفع آفات، چهارصد [آیه] در انواع معاملات، و صد [آیه] در عذر گناه عاصیان، صد [آیه] در ضمان روزی مخلوقات، هفتاد [آیه] در جهاد با غُزاه (جنگجویان)، پنجاه [آیه] در آنچه به قصد مکه و عرفات مربوط می‌شود و باقی مانده [آیات] در احکام نکاح و طلاق زنان شوهردار است.

تعداد کلمات قرآن به صورت اجمال:



بدان که کلمات قرآن با احتساب حروف آغاز سوره‌ها - مانند «حم» و «الم» - هفتاد و هفت هزار و چهارصد و سی و هفت (۷۷۴۳۷) کلمه است و از عطاء بن یسار روایت شده که آن، هفتاد و هفت هزار و چهارصد و سی و هفت (۷۷۴۳۷) کلمه و دویست و هفتاد و هفت (۷۷۲۷۷) [کلمه] است.

اما تعداد حروف، مجموع آن‌ها، سیصد و بیست و سه هزار و ششصد و هفتاد و یک (۳۲۳۶۷۱) حرف است. صاحب الإيضاح<sup>۱</sup> گفت: ابوالحسن بن الحسین این را به صورت اجازه‌ای به من خبر داد، عبدالرحمن بن محمد به ما خبر داد، ابن سلم [به ما خبر داد]، وکیع [به ما خبر داد]، حسن بن عباس به ما روایت کرد، محمد بن ایوب به ما خبر داد، گفت: حروف قرآن را شمردند و حمید بن قیس نیز در میان آن‌ها بود، و آن را بر مجاهد و سعید بن جبیر عرضه کردند و آن‌ها را تصحیح کردند، و مقداری که شمردند، به سیصد و بیست و سه هزار و هفتاد و یک (۳۲۳۰۷۱) حرف رسید، و کلمات قرآن را با احتساب حروف مقطعه - یعنی الم و حم - شمردند و به هفتاد و هفت هزار و چهارصد و سی و هفت (۷۷۴۳۷) کلمه رسید.

---

<sup>۱</sup> ابوعلی حسن بن علی بن ابراهیم اهوازی متوفی سال ۴۶۶ قمری. نگاه کنید به کشف الظنون. (سخن محقق)



گفت: و حسن به ما خبر داد، ابوالحسن [به ما خبر داد]، ابن سلم [به ما خبر داد]، وکیع [به ما خبر داد]، اسماعیل بن مجمع [به ما خبر داد]، محمد بن یحیی [به ما خبر داد]، عبدالملک بن عبدالرحمن [به ما خبر داد]، ایوب و ابوعکرمه از مرجی، از جعفر بن سلیمان، از مالک بن دینار و راشد و دیگران به من روایت کردند و گفتند: حَجَّاج به ما گفت: حروف قرآن را برای من بشمارید و حسن و ابوالعالیه و نصر بن عاصم با ما بودند، و به وسیله او شمردیم و همگی توافق کردیم که آن، سیصد و بیست و سه هزار (۳۲۳۰۰۰) حرف است.

و در روایتی از عطاء بن یسار: سیصد و شصت هزار و بیست و سه (۳۶۰۰۲۳) حرف است و کلماتش، هفتاد و هفت هزار و دویست و هفتاد و هفت (۷۷۲۷۷) کلمه است. وکیع گفت: ابوئُمَرمَر حفص بن عُمر گفت: ابوعماره حمزه بن قاسم از حمزه زیات و ابوحفص خراز به من روایت کردند و گفتند: حروف قرآن، سیصد و هفتاد و سه هزار و دویست و پنجاه (۳۷۳۲۵۰) حرف است. وکیع گفت: حارث بن محمد از محمد بن مسعود، از محمد بن عمر، از سُوید بن عبدالعزیز، از یحیی بن حارث ذماری به من خبر داد گفت: تعداد حروف قرآن، سیصد و بیست و یک هزار و دویست و پنجاه (۳۲۱۲۵۰) حرف است.

وکیع گفت: ابن شَمَّاس از ابوئُمَرمَر از سهل ابن حمَّاد، از شهاب بن شَرِئَقه، از راشد ابومحمد - که شاهد حجَّاج بود وقتی که قرآن را متمایز می‌کرد



- ذکر کرد که گفت: قرآن، شش هزار و صد و نود و هفت (۶۱۹۷) آیه است و حروف آن، سیصد و بیست و یک هزار و صد و هشتاد و هشت (۳۲۱۱۸۸) حرف است و با سندش از عبدالواحد ضَریر روایت شده است. گفت: قرآن، سیصد و بیست و یک هزار و دویست و پنجاه (۳۲۱۲۵۰) حرف است و گفت: قرآن، هفتاد و شش هزار (۷۶۰۰۰) کلمه است.

اما نقطه‌ها، پس مجموع نقطه‌های قرآن، یکصد و پنجاه و شش هزار و هشتاد و یک (۱۵۶۰۸۱) نقطه است.<sup>۱</sup>



این سوره‌های قرآن، به طور کامل با ذکر موضوع نزول، تعداد آیات، حروف، کلمات و نقطه‌ها آغاز شده است و آنچه سوره از مقاصد و اهداف آن را دربرگرفته و ناسخ و منسوخ در آن است و آنچه از آیات در آن، مورد اختلاف است و نیز آنچه [از روایاتی که] در فضیلت سوره وارد شده است.

---

<sup>۱</sup>. مؤلف در ادامه، تعداد هریک از حروف از جمله الفات قرآن، باءات قرآن و... را در قرآن، شمارش و ذکر نموده است. (ر.ک. فیروزآبادی، بصائر، ج ۱، ص ۵۶۳-۵۶۶)



## منابع مقدمه و تعلیقات

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.
۲. آلرسول، سوسن و مریم سادات نصر، بصیرت در قرآن کریم و تفاوت آن با بصر، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۷، صص ۲۶۹، بهار ۱۳۹۳.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی-الأخبار، به کوشش حمیدرضا شیخی، قم: فکرآوران، ۱۳۸۹.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. الأحمري، سعید بن عبدالرحمن، نزهة فی کتاب بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، الطبعة الأولى، الرياض: مكتبة المعارف، ۱۴۰۵.
۶. اقبال، ابراهیم، فرهنگ نامه علوم قرآن، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.



۷. بلاشر، رژی، *در آستانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۸. بلاغی، صدرالدین، *قصص قرآن با فرهنگ قصص قرآن*، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۹. بیرجندی، محمد، هاروت و ماروت در قرآن، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، دوره ۳، شماره ۹، صص ۳۴۴-۳۵۷، تابستان ۱۳۷۶.
۱۰. جرجانی، میر سید شریف، *تعريفات*، ترجمه حسن سید عرب و سیما نوربخش، چاپ اول، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *جرعه‌ای از صهبای حج*، تنظیم و ویرایش حسن واعظی محمدی، چاپ چهارم، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۱۲. حاجی خلیفه (کاتب چلبی)، *مصطفی بن عبدالله، کشف-الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، تصحیح محمد شرف‌الدین یالتقایا، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۰هـ - ۱۹۴۱م.
۱۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، کتابخانه زوار، ۱۳۲۰.



۱۴. حبیب‌زاده، فرزین، *پرستشگاه‌های ادیان آسمانی در قرآن و حدیث*، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، ۱۴۰۰.
۱۵. حبیب‌زاده، فرزین، مقاله بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام از منظر آیت‌الله طالقانی (ره)، دو فصلنامه دین و دنیای معاصر (پرتوی وحی سابق)، دوره ۷، شماره پیاپی ۱۲ و ۱۳، صص ۶۵-۹۲.
۱۶. حجتی، محمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، چاپ سی و دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۷. خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *مفاتیح العلوم*، مترجم حسین خدیوجم، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۸. دروزه، محمدعزّه، *تاریخ قرآن (درسنامه، پژوهشنامه، نظریه پردازی)* مترجم: محمدعلی لسانی فشارکی، چاپ اول، قم: زینی، ۱۳۹۱.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.



۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۱. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۲۲. زرکلی دمشقی، خیرالدین بن محمود بن محمد، *الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، چاپ پنجم، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۲۳. زریاب خویی، عباس، *سیره رسول الله*، چاپ چهارم، تهران: سروش، ۱۳۸۸.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، ۴ جلد، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷.
۲۵. سبحانی، جعفر، *مبانی حکومت اسلامی*، ترجمه داود الهامی، قم: توحید، ۱۳۷۰.
۲۶. ستوده‌نیا، محمدرضا، بصیرت در قرآن با تکیه بر آیه ۱۰۸ سوره یوسف، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۴۱-۱۷۴، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.



۲۷. سخاوی، شمس‌الدین أبو‌الخیر محمد بن عبدالرحمن،  
*الضوء اللامع لأهل القرن التاسع*، ۱۲ جلد، بیروت:  
منشورات دار مکتبه الحیاء.
۲۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الإتقان فی علوم  
القرآن*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه مهدی  
حائری قزوینی، چاپ یازدم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۵.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *بُغیة الوُعاة فی طبقات  
اللغویین و النحاة*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة-  
الاولی، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۵م.
۳۰. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم:  
جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ  
پنجم، ۱۳۷۴ش.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*،  
محقق و مصحح: محمدباقر خراسان، ۲ جلد، مشهد: نشر  
مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*،  
مصحح فضل‌الله یزدی طباطبائی، تهران: ناصرخسرو،  
۱۳۷۲.



٣٣. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير، **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**، تحقيق عبدالله بن عبدالمحسن التركي، قاهره: دارالهجر، ١٤٢٢.

٣٤. طريحي، فخرالدين بن محمد، **مجمع البحرين و مطلع النيرين**، محقق و مصحح احمد حسيني اشكوري، چاپ سوم، تهران: مرتضوى، ١٣٧٥ش.

٣٥. طوسى، محمد بن حسن، **الاستبصار فيما اختلف من الأخبار**، محقق السيد حسن الموسوى الخرسان، دارالكتب الاسلاميه، نسخه غير مصححه.

٣٦. طوسى، محمد بن حسن، **التبيان فى تفسير القرآن**، بيروت: دار احياء التراث العربى.

٣٧. عوا، سلوى محمد، **بررسى زبان شناختى وجوه و نظاير در قرآن كريم**، با مقدمه عايشه عبدالرحمن بنت الشاطى، ترجمه حسين سيدى، چاپ دوم، مشهد: به نشر، ١٣٨٩.

٣٨. فخر رازى، محمد بن عمر، **التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)**، چاپ سوم، ٣٢ جلد، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠.

٣٩. فراهيدى، خليل بن احمد، **العين**، تحقيق: مهدي المحزومى و ابراهيم السامرائى، قم: دارالهجره، ١٤٠٥.



٤٠. الفيروزآبادى، ابوطاهر مجدالدين محمد بن يعقوب،  
*بصائر ذوى التمييز فى لطائف الكتاب العزيز*، تحقيق  
محمد على النجّار، الطبعة الثالثة، قاهره: المجلس الأعلى  
للشئون الاسلاميه، ١٤١٦هـ - ١٩٩٦م.
٤١. الفيروزآبادى، ابوطاهر مجدالدين محمد بن يعقوب،  
*بصائر ذوى التمييز فى لطائف الكتاب العزيز*، تحقيق  
محمد على النجّار، الجزء الأول، بيروت: المكتبة العلميه،  
٢٠٠٨م.
٤٢. الفيروزآبادى، ابوطاهر مجدالدين محمد بن يعقوب، *البلغه  
فى تراجم ائمه النحو و اللغه*، التحقيق محمد المصرى،  
الطبعة الأولى، دمشق: دار سعد الدين للطباعة و النشر و  
التوزيع، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.
٤٣. الفيروزآبادى، مجدالدين محمد بن يعقوب، *القاموس -  
المحيط*، بإشراف محمد نعيم العرقسوسى، الطبعة الثامنة،  
بيروت: مؤسسه الرسالة، ١٤٢٦ - ٢٠٠٥م.
٤٤. فيض، عليرضا، *مبادئ فقه و اصول*، تهران: دانشگاه  
تهران، ١٣٩١.
٤٥. قرشى، سيدعلى اكبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالكتب  
الإسلاميه، ١٣٧١ش.



۴۶. كحاله، عمررضا، *معجم المؤلفين؛ تراجم مصنفی الكتب العربیة*، الطبعة الاولى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۳م.
۴۷. گروهی از نویسندگان، *مقدمه لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت نامه، ۱۳۳۷.
۴۸. الممتقی بن حسام الدین الهندی، علاءالدین علی بن حسام، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، المحقق: بکری حیانی و صفوة السقا، الطبعة الخامسة، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱.
۴۹. محمدی ری شهری، محمد، *منتخب میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۵۰. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، الطبعة الرابعة، بيروت: دارالانوار.
۵۱. محمود، منیع عبدالحلیم، *مناهج المفسرین*، قاهره: دارالكتاب المصری، ۱۴۲۱ق.
۵۲. یزدی مطلق، محمود، مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغة یا سهم ایرانیان در نهضت فرهنگ نویسی به زبان عربی، *نشریه دانشکده الهیات مشهد*، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱۷۱-۲۰۲، بهار و تابستان ۱۳۷۸.

# **Themes and Purposes of the Quran Surahs**

**Translation and Commentaries:**

Farzin habibzadeh      Aliasghar lak